

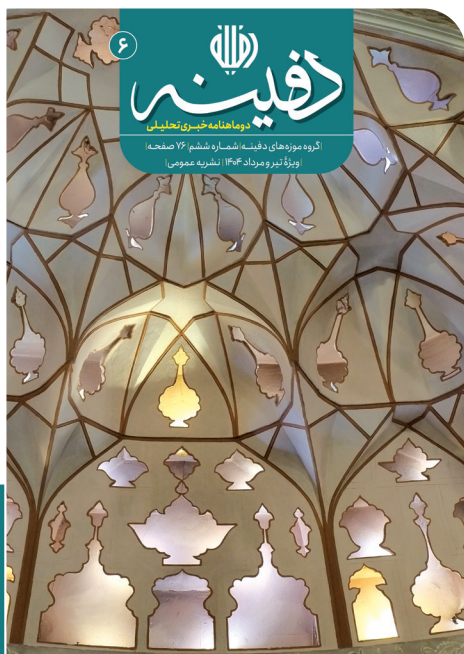


دافینه

دوماهنامه خبری تحلیلی

گروه موزه‌های دافینه | شماره ششم | ۷۶ صفحه |
ویژۀ تیر و مرداد ۱۴۰۴ | نشریه عمومی

- صاحب امتیاز: **مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد**
مدیر مسئول: **حمیدرضا سلیمانی**
سر دبیر: **اسدالله جودکی عزیزی**
شورای سیاست‌گذاری: **حمیدرضا سلیمانی**
کتابیون پلاسعیدی **مهدی نجابت**
اعظم صفی‌پور **طراح گرافیک: محسن خرقانی**
- سخن نخست / ۲ /
ترجمه مقالات / ۴ /
رویکردها و شیوه‌های استفاده از جمع‌آوری و واکنش سریع / ۴ /
محافظت از مجموعه‌های موزه‌ای در شرایط اضطراری / ۱۰ /
حفاظت از میراث فرهنگی در مناطق جنگی / ۱۸ /
میراث فرهنگی در بسترهای مناقشه و پس از مناقشه / ۲۸ /
مدیریت بحران در پردیس موزه‌ای رامسر / ۴۰ /
گزارش مدیریت بحران در پردیس موزه‌ای دافینه / ۴۴ /
موزه و بحران، اقدامات حفاظتی در موزه تاروپود / ۵۰ /
موزه ملی هنر اصفهان در مواجهه با شرایط اضطراری / ۵۶ /
اقدامات پدافند غیرعامل در موزه زمان / ۶۴ /
بومی‌سازی سپرآبی در ایران / ۶۸ /



نشانی: تهران، بزرگراه شهید سلیمانی،
نرسیده به بلوار آفریقا، بنیاد مستضعفان، ساختمان شهید بصیر،
طبقه ۴، مؤسسه فرهنگی موزه‌ها.
پست الکترونیکی: journaldafineh@gmail.com
وبسایت نشریه: journal.dafineh.ir
کدپستی: ۱۵۱۹۶۱۳۵۱۴
تلفن: ۰۲۱-۸۶۰۸۸۰۳۲ و ۰۲۱-۸۶۰۸۸۰۳۳
پروانه انتشار نشریه «دافینه» از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،
طی مجوز شماره ۹۷۹۳۲ در تاریخ ۱۴/۰۵/۱۴۰۴ صادر شده است.

تصویر روی جلد:

آرایه‌های تنگ‌بری در اتاق موسوم به اصفهانی‌ها،
عمارت موزه زمان، زعفرانیه

حمیدرضا سلیمانی

پاسداری از حافظه تمدنی:

ضرورت مدیریت یکپارچه میراث فرهنگی در هنگامه بحران

عدم دسترسی امن پرسنل متخصص برای انجام مراقبت‌های فوری؛ می‌تواند به همان اندازه مخرب باشد. در نهایت، شرایط بی‌ثباتی ناشی از جنگ، بستر مناسبی را برای غارتگران و قاچاقچیان بین‌المللی آثار عتیقه فراهم می‌آورد تا با چپاول ذخایر فرهنگی یک ملت، حافظه تاریخی آن را به یغما ببرند.

مواجهه مؤثر با این تهدیدات مستلزم رویکردی نظام‌مند، پیشگیرانه و مبتنی بر برنامه‌ریزی دقیق است. این فرآیند را می‌توان به سه فاز متمایز تقسیم نمود: اقدامات پیشگیرانه قبل از وقوع بحران، اقدامات فوری در حین آن، و اقدامات ترمیمی پس از فروکش کردن بحران.

اساس موفقیت در مدیریت واقعه، در مرحله «پیش از وقوع» آن رقم می‌خورد. هسته اصلی این مرحله، تدوین یک «برنامه جامع مدیریت بحران» است. این سند که می‌بایست حاصل همفکری متخصصان حوزه میراث فرهنگی و

اهمیت این موضوع را می‌توان در چند محور اصلی خلاصه کرد. نخست آنکه ماهیت میراث فرهنگی، «جبران‌ناپذیری» آن است. یک بنای تاریخی آسیب‌دیده یا یک اثر هنری تخریب‌شده را هرگز نمی‌توان به شکلی اصیل و حاوی تمامیت تاریخی آن بازسازی کرد. این زبانی فراتر از مرزهای جغرافیایی است و بشریت را به طور یکسان تحت تأثیر قرار می‌دهد. دوم، در جنگ‌های اینچنینی، میراث فرهنگی گاه به عمد هدف قرار می‌گیرد. این اقدام، که می‌توان آن را «نژادکشی فرهنگی» نامید، با هدف شکستن روحیه و محو هویت مردم صورت می‌پذیرد و نشان می‌دهد که این آثار در کانون توجه مهاجمان قرار دارند. سوم، حتی اگر هدف مستقیم حمله واقع نشوند، اثرات ثانویه بحران؛ از لرزش‌های ناشی از انفجار و قطع برق که سیستم‌های حیاتی کنترل دما و رطوبت را از کار می‌اندازد، تا ایجاد گرد و غبار متراکم و

وقوع بحران‌های گسترده، به ویژه شرایط ویژه جنگی، آزمونی سهمگین برای تاب‌آوری جوامع به‌شمار می‌رود. در این میان، حفاظت از میراث فرهنگی؛ شامل موزه‌ها، مخازن آثار تاریخی، محوطه‌های باستانی و بناهای تاریخی؛ به مسأله‌ای حیاتی و در عین حال پیچیده بدل می‌شود. این اهمیت تنها از ارزش مادی این آثار نشأت نمی‌گیرد، بلکه از جایگاه آنان به عنوان تجسم عینی حافظه جمعی، هویت ملی و سیر تمدن بشری سرچشمه می‌گیرد. آسیب به این میراث در اثر جنگ یا بحران‌های دیگر، تنها تخریب سنگ و خشت نیست، بلکه آسیب به فصل‌هایی بی‌بدیل از تاریخ بشری است که ترمیم آن اغلب ناممکن خواهد بود. تجربه بحران‌های مختلف، از جمله تهدیداتی که متوجه میهن عزیزمان شد، به وضوح نشان داد که آمادگی برای چنین روزی یک انتخاب نیست، بلکه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.

مدیریت بحران و نهادهای امنیتی باشد، نمی‌تواند تنها یک دستورالعمل اداری باشد؛ بلکه باید یک نقشه راه عملیاتی و تمرین‌شده باشد. این برنامه می‌بایست به شکلی شفاف سلسله مراتب فرماندهی و اختیارات تصمیم‌گیری را در شرایط قطع خطوط ارتباطی مشخص کند. همچنین باید شامل پروتکل‌های دقیق و جزء به جزء برای تخلیه و جابجایی اضطراری آثار، مبتنی بر اولویت‌بندی آنان از نظر ارزش، آسیب‌پذیری و قابلیت انتقال باشد. شناسایی و تجهیز پناهگاه‌ها و مخازن امن با استانداردهای لازم برای نگهداری کوتاه‌مدت و بلندمدت آثار، از دیگر ارکان این برنامه است. در کنار برنامه‌ریزی، «مستندسازی دقیق» تمامی آثار با عکاسی حرفه‌ای با وضوح بالا، اسکن سه بعدی و تهیه نقشه‌های دقیق، امری حیاتی است. این مستندات هم برای هدف‌های مرمتی در آینده و هم برای شناسایی و پیگیری آثار مسروقه ضروری هستند. هیچ‌یک از این برنامه‌ها بدون «آموزش مداوم و تمرین عملی» تمامی پرسنل؛ از متخصصان ارشد تا نیروهای حراست و خدمات؛ به ثمر نخواهد نشست. برگزاری دوره‌های اطفاء حریق، کمک‌های اولیه، روش‌های صحیح بسته‌بندی آثار مختلف و به ویژه اجرای مانور (رزمایش)‌های منظم، آمادگی لازم را در نیروی انسانی ایجاد

می‌کند تا در شرایط پراسترس بحران، به جای اقدامات احساسی، بر اساس آموزش‌های خود عمل نمایند. زمانی که بحران فرا می‌رسد، زمان اجرای آن برنامه‌های از پیش تمرین‌شده است. «فعال‌سازی فوری برنامه مدیریت بحران» اولین گام است. همزمان، اقدامات «ایمن‌سازی فوری» مانند مدیریت جریان‌های حیاتی ساختمان (برق، گاز، آب) برای جلوگیری از آتش‌سوزی‌های ثانویه یا نشست، و نیز نصب پوشش‌های ضدغبار و ضدضربه روی آثار و ویتترین‌ها باید در دستور کار قرار گیرد. در این مرحله، «تخلیه حساب‌شده» آثار با اولویت بالا و نه شتابزده و بدون برنامه به پناهگاه‌های امن و با رعایت کامل اصول حفاظت فیزیکی انجام می‌پذیرد. برقراری «ارتباط و هماهنگی نزدیک با نهادهای امنیتی و نظامی» برای اطلاع‌رسانی درباره موقعیت دقیق اماکن میراثی (در چارچوب ملاحظات امنیتی) و درخواست حفاظت فیزیکی از این اماکن برای جلوگیری از غارت، یکی از کلیدی‌ترین اقدامات در این فاز است. در نهایت، «حفظ آرامش و تصمیم‌گیری عقلانی» بر اساس پروتکل‌ها، کلید موفقیت است. پس از فروکش کردن بحران اولیه، نوبت به فاز «پسابحران» می‌رسد. کار با یک «ارزیابی دقیق و مستند از خسارات»

وارد شده آغاز می‌شود. سپس، «عملیات مرمت و تثبیت اضطراری» روی آثار و بناهای آسیب‌دیده برای جلوگیری از تخریب بیشتر و تثبیت وضعیت آنان انجام می‌گیرد. در شرایطی که نظم عمومی ممکن است هنوز به طور کامل برقرار نشده باشد، «افزایش تدابیر امنیتی فیزیکی» برای جلوگیری از غارت ضروری است؛ شاید مهم‌تر از همه، «بازبینی و به‌روزرسانی برنامه مدیریت بحران» بر اساس «درس‌های آموخته شده» از تجربه اخیر است. هیچ بحرانی بدون آموزه‌های جدید نیست و این تجربیات باید بلافاصله در برنامه‌های آینده ادغام شوند. در پایان باید تأکید کرد که حفاظت از میراث فرهنگی در زمان جنگ، تنها وظیفه متخصصان این حوزه نیست، بلکه مسئولیتی ملی و فراسازمانی است که عزمی راسخ، سرمایه‌گذاری بلندمدت و همکاری همه‌جانبه نهادهای مختلف را می‌طلبد. این اقدام، در حقیقت، پاسداری از حافظه تمدنی یک ملت برای ساختن آینده‌ای است که در آن گفت‌وگو و آگاهی تاریخی بر تخریب و فراموشی پیروز شود. ما و مادر گذشته‌ایم که اکنون در اختیار ماست و موظفیم این امانت گران‌قدر را برای آیندگان به سلامت به ایشان بسپاریم.

رویکردها و شیوه‌های
استفاده از جمع‌آوری

واکنش سریع

توسط موزه‌های اوکراین

در دوران جنگ

اکسانا هودوشنیک - الکساندر کروپسکی



فوری و اثبات اثربخشی آن بوده‌اند. اصول مشارکتی در فعالیتهای موزه‌ای، با دخالت فعال در زندگی جامعه، شهر و کشور، به پدیده‌ای کاملاً جدید تبدیل شده‌اند. در واقع، خود روش جمع‌آوری واکنش سریع (RRC) نیز همین روایت مدرن را پررنگ می‌کند؛ چرا که الگویی را برای جمع‌آوری مجموعه‌هایی پیشنهاد

موزه‌ها همچنان یک مزیت منحصر به فرد دارند: مردم هنوز به عنوان یک نهاد به آن‌ها اعتماد دارند.

درآمد: دستگاه پالس اکسیمتر، تلفن‌های همراه، پهپادها، نخستین ایموجی‌ها، عروسک‌ها و برجسب‌ها، کلاه یک معترض و شلوار از فروشگاه پرای مارک به این ترتیب، برای اولین بار در سطح جهانی نشان داده شد که موزه‌ها صرفاً به نمایش گذشته نمی‌پردازند، بلکه به بستری برای بحث درباره رویدادهای مطرح روز نیز تبدیل شده‌اند. با انتقادی‌تر شدن دیدگاه عمومی نسبت به آنچه می‌بیند، موزه‌ها همچنان یک مزیت منحصر به فرد دارند: مردم هنوز به عنوان یک نهاد به آن‌ها اعتماد دارند.

بازنگری در اهداف و وظایف موزه‌ها

به رسمیت شناختن نقش مهم اجتماعی آن‌ها در جامعه و ایجاد فضاهای مدنی بر بستر موزه‌ها، عوامل تعیین‌کننده‌ای در گسترش روش جمع‌آوری واکنش‌های

فعالیت‌های اجتماعی و مشارکت عمومی در شیوه‌های مشارکتی، و همچنین ایجاد فضاهای مدنی بر پایه موزه، به موضوعاتی مهم برای شکل‌گیری مفهوم موزه مدرن تبدیل شده‌اند. این نوع رویکردها به ویژه در دوران بحران اهمیت پیدا می‌کنند، زمانی که تاریخ به صورت آنلاین مستندسازی می‌شود و روش «جمع‌آوری واکنش سریع» (RRC) رواج می‌یابد.

جمع‌آوری واکنش سریع: تاریخچه شکل‌گیری

تاریخ پیدایش و گسترش این روش با راه‌اندازی استراتژی جدید جمع‌آوری واکنش سریع (Rapid Response Collecting) در موزه ویکتوریا و آلبرت (V&A) لندن در سال ۲۰۱۴ مرتبط است؛ جایی که اشیایی نمادین از مهم‌ترین رویدادهای معاصر جهان به نمایش



می‌دهد که نه به گذشته دور، بلکه به رویدادهای معاصر می‌پردازد. ترکیب خاصیت انتساب‌پذیری (اتریبوشن) به عنوان یکی از عوامل این روش، با ثبت دیدگاه‌ها و صداها، مختلف، محتوای تازه‌ای به این رویکرد افزوده است که پیش از این، تنها به جمع‌آوری اشیای فرهنگی محدود بود.

روش جمع‌آوری واکنش سریع (RRC)

جایگاه موزه به عنوان یک نهاد اجتماعی فعال را تقویت می‌کند؛ زیرا به افشاسازی و یادآوری رویدادهای سیاسی می‌پردازد که ممکن است در اخبار گزارش شوند اما به‌زودی از گفتمان عمومی حذف می‌شوند.

همچنین نگاه جدیدی به این پرسش بنیادی می‌اندازد که امروزه موزه‌ها و کیوریتورها چه نقشی در جامعه و گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی فعلی ایفا می‌کنند.

همه‌گیری کووید-۱۹ باعث استفاده گسترده از این روش برای ثبت زندگی روزمره در قرنطینه و مستندسازی تجربه‌ها شد. حتی در شیوه‌های کلاسیک آرشیو و جمع‌آوری شواهد از طریق تاریخ شفاهی، عواملی مانند فوریت، کارآمدی، انتساب‌پذیری و جنبه رقابتی به ویژگی‌های روش افزوده شد. پروژه‌های ملی و بین‌المللی قدرتمندی در زمینه آرشیو تاریخ شفاهی با روش واکنش سریع توسط دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها، جوامع بین‌المللی و انجمن‌های دانشگاهی

آغاز شد، مانند پروژه تاریخ شفاهی کووید-۱۹ (C19OH)، بایگانی «سال طاعون: آرشیو کووید-۱۹» (JOTPY)، پروژه آرشیو جامعه کووید-۱۹ دانشگاه هاروارد، پروژه تاریخ اکنون: دفتر خاطرات دوران پاندمی، پروژه حافظه کووینز درباره (کووید-۱۹)

عملکرد جمع‌آوری واکنش سریع در کتابخانه‌های دانشگاه استونی بروک (Documenting COVID-19: Stony Brook University Experiences, ۲۰۲۰) برپایه این درک بود که RRC به بهترین شکل نیازهای زمانه را پاسخ می‌دهد:

«ماهیت حساس به زمان گردآوری این مجموعه‌ها با یک احساس فوریت زیربنایی هدایت می‌شود. بحران‌ها و رویدادهای ترومادار، نمایانگر گونه



تاریخ فقط آن چیزی نیست که ۲۰۰

سال پیش رخ داده؛ تاریخ همان

چیزی است که دیروز اتفاق افتاده

است.

۲. یکپارچگی و طراحی چندپلتفرمی و در عین حال، آمادگی برای پذیرش اشکال جدید ارائه محتوا.

۳. قابلیت انتساب و ساختاردهی

موضوعی مواد آرشیوی و اشیاء (موزه‌شی محور): بنابراین، نه تنها

مجموعه‌های آکادمیک مبتنی بر روش‌های تاریخ شفاهی، بلکه آن دسته از واکنش‌های فوری که امروزه با کمک رسانه‌های دیجیتال و اجتماعی جمع‌آوری می‌شوند، به صورت فعال ترکیب می‌شوند.

۴. رسانه‌ای شدن و دیجیتالی‌سازی

محتوا: رسانه‌ها نقش دوگانه‌ای

دارند؛ هم به عنوان منبع اطلاعات (و در نتیجه، راهی برای غنی‌سازی مجموعه‌ها) و هم به عنوان کانالی برای توزیع اطلاعات موزه که از نظر فنی و فناورانه امکان دسترسی گسترده مخاطبان را فراهم می‌کند. در این فرایند، رعایت اخلاق و قانون هم در سطح فلسفی و هم در سطح اجرایی و ثبت شهادت‌ها و افشای اطلاعات، کاری دشوار است.

عملکردهای موزه‌ای با رویکرد

جمع‌آوری واکنش سریع در موزه

هنرمند ارشد موزه، ویکتور گوکیلو، به همراه اعضای گروه خلاق، ایده

عنوان عاملی مهم در روایت همه‌گیری سوق داد.

اگرچه شناسایی و گردآوری اشیای مادی، مواد دیجیتال، «چارت‌های سازمانی، انتشارات و ارتباطات آنلاین، مکاتبات، مواد جلسات کارگروه‌های مختلف، پوستره‌های دیجیتال، ضبط نشست‌های خبری، اطلاعاتی‌های خدمات عمومی، اسناد راهنما، عکس‌های دیجیتال و مدارک ده‌ها پژوهش» می‌توانست به سرعت انجام شود، اما سطح بعدی یعنی عرصه رسانه بسیار چالش‌برانگیزتر بود.

نویسندگان این مجموعه‌ها، تولیدات رسانه‌ای را متنوع، ذهنی و کاملاً زودگذر توصیف کردند. همان‌طور که در دوران همه‌گیری مشخص شد، حجم عظیم و بی‌پایان روایت رسانه‌ای، تأثیر خود همه‌گیری را بازتولید کرد.

بنابراین، تغییرات اخیر در فلسفه و ارتباطات موزه‌ای، مسائل اخلاقی، مسئولیت اجتماعی و ضرورت کیوریشن دیجیتال (نه فقط جمع‌آوری و نگهداری) را برجسته ساخته‌اند. در روش‌شناسی تحلیل مفاهیم موزه‌های دوران جنگ اوکراین، براین مؤلفه‌ها تمرکز کردیم:

۱. تجربه فوری: یعنی صرفاً

در موقعیت نظاره‌گر نبودن، بلکه حضور فعال به عنوان یک مشارکت‌کننده. کنش‌گری (اکتیویسم) باعث مشارکت جامعه و تنوع‌بخشی به کانال‌های ارتباطی با بازدیدکنندگان می‌شود و شمول و رویکردهای مشارکتی، زیرساخت‌های نهادی یک موزه مدرن هستند.

جمع‌آوری واکنش سریع هستند. مواد و مستندات، به صورت همزمان با وقوع رویدادها، خلق، جمع‌آوری و پردازش می‌شوند. «در واقع، مخاطب از یک بیننده منفعل آثار، به منتقد یا هوادار فعال، گردآورنده مواد آرشیوی و حتی خالق فضای رسانه‌ای پیرامون موزه تغییر نقش داد. ثبت عملیاتی و به موقع روایت شاهدان عینی، اسناد تاریخ شفاهی و منابع اولیه در دوران همه‌گیری به سراسر جهان گسترش یافت، چرا که از دست دادن جزئیات غیرقابل جبران است.

این تأثیرگذاری مخاطبان، به گفته پژوهشگری به نام E. Mubarek، منجر به تغییرات بنیادین در پارادایم موزه‌داری شده است؛ به این معنا که مخازن تاریخی باید به طور فعال به مستندسازی زمان حال و روایت‌های افراد عادی در زندگی روزمره بپردازند (ثبت در لحظه). نویسنده در تحسین این رویکرد حتی معنای داستان‌ها را بازتعریف می‌کند و شعار جدیدی را پیشنهاد می‌دهد: «تاریخ فقط آن چیزی نیست که ۲۰۰ سال پیش رخ داده؛ تاریخ همان چیزی است که دیروز اتفاق افتاده است.»

به تدریج، همه‌گیری کووید-۱۹ محدودیت‌ها و کاستی‌های رویکرد سنتی جمع‌آوری واکنش سریع (RRC) در عمل موزه‌ها را آشکار کرد. الگوریتم استفاده‌های قبلی از این روش عمدتاً مبتنی بر جمع‌آوری اشیای مادی فرهنگ و پروژه‌های تاریخ شفاهی برای مستندسازی تجربه انسانی بود. اما شرایط جدید، تمرکز را به سمت محیط آنلاین و مواد دیجیتال به



مفهوم بازار را در فلسفه موزه پیاده سازی کردند، به گونه ای که حس مشارکت و غوطه وری احساسی، بازدیدکنندگان را در تمام مدت بازدید رها نمی کند و همواره ایده های جدید می توانند فضای موزه را تکمیل و غنی تر کنند. مجموعه سازی نمایشگاه داخلی موزه، از طریق فضاهای مستند و بخش های موضوعی، زندگی روزمره نظامی را به تصویر می کشد: اسناد، عکس ها، نمونه هایی از سلاح ها و ابزارهای پزشکی، تکه هایی که توسط پزشکان از بدن مجروحان خارج شده اند، لباس های کشیشان، نشانه ها و درجات، دستورات، عکس های خبرنگاران جنگی، نقاشی های کودکان. برای طراحان موزه، جمع آوری اشیایی که هر کدام داستانی دارند اهمیت ویژه ای داشت؛ مانند برجک یک تانک منهدم شده، دوربینی که توسط تک تیرانداز سوراخ شده، یا تابلوی شهری به نام دونتسک که توسط نیروهای شناسایی از شهری اشغال شده برداشته شده است. حتی غرفه ای با عنوان «مکاتبات با جبهه» بر پایه پیامک های واقعی و تاریخی سربازان، داوطلبان و خانواده ها، با دقت بسیار بالا گردآوری شده است. مجموعه موزه همواره با اشیای جدید و متأسفانه عکس های تازه در «سالن یادبود» به روزرسانی می شود. از سوی دیگر، شاهدان و شرکت کنندگان در رویدادهای نظامی، واقعیت تجربه خود را در این فضای مستند مشاهده کردند؛ این امر باعث می شود ایجاد روایت های جعلی درباره جنگ عملاً غیرممکن شود.

ما منابعی بود که ساختار مشخص، هدف روشن و استانداردهای معینی برای محتوای ارائه شده دارند.

در این میان، موزه صدای غیرنظامیان را شاید بتوان موفق ترین نمونه نه تنها از منظر آرشیوسازی، بلکه در زمینه ترویج قدرتمند و ارتباط مؤثر با مخاطب دانست. روشن است که RRC، به عنوان روشی که هنوز در عرصه موزه داری ملی رایج نیست، نشانگرهای رسمی برای اجرا ندارد. به همین دلیل، استفاده از منطق و معنای آن در عمل جمع آوری مواد مرتبط با جنگ، اهمیتی دوچندان دارد. از میان ویژگی های متعدد، موارد زیر برجسته اند:

ناوبری این پلتفرم بسیار سنجیده و کاربرپسند است و امکان بارگذاری آسان محتوا برای کاربران فراهم شده است. بخش اصلی آرشیو موزه، مجموعه ای از روایت های شاهدان عینی جنگ است. سیستم ارتباط چندکاناله این امکان را فراهم می سازد تا روایت ها از طریق وبسایت، تماس با خط ویژه، ایمیل و شبکه های اجتماعی ثبت شوند؛ که این امر نه تنها فرایند ثبت خاطرات و داستان ها را ساده تر می کند، بلکه راحت ترین شیوه ارائه شخصی هر فرد را نیز تضمین می کند—که در شرایط جنگی اهمیت زیادی دارد.

ساختار موضوعی سایت این امکان را می دهد که پروژه های انجام شده مانند «صدای غیرنظامیان؛ یک روز» و «صدای غیرنظامیان؛ کودکان» و همچنین مصاحبه های فردی که به صورت آزاد در دسترس هستند، مشاهده شوند. سیستم ناوبری و

نمونه ای دیگر از به کارگیری جدیدترین روش های سازماندهی فضای موزه، از جمله تکنیک های جمع آوری واکنش سریع، توسط ایده پردازان موزه آنلاین «صدای غیرنظامیان» به نمایش گذاشته شد. این پروژه هدفی بلندپروازانه دارد: تبدیل شدن به بزرگ ترین آرشیو جهانی روایت های غیرنظامیانی که تحت تأثیر جنگ در اوکراین قرار گرفته اند (civilvoicesmuseum.org). گردآوری آثار از سال ۲۰۱۴ آغاز شد و در زمان افتتاح رسمی در سال ۲۰۲۱، آرشیو موزه شامل ۲۰۰۰ تاریخ شفاهی مستند بود. در طی نه ماه نخست پس از تهاجم بهار ۲۰۲۲، ۵۰۵۵۵ شاهد، داستان خود را به اشتراک گذاشتند. دلیل این موضوع آشکار است: جنگ، منظره رسانه ای ملی را به طور اساسی دگرگون کرد. پیام ها و ویدئوهای کوتاه که مطابق با الزامات شبکه های اجتماعی استاندارد سازی شده اند، هم مرور سریع اخبار و هم تولید محتوای شخصی را رایج ساختند. این گفتمان قدرتمند ثبت لحظات جنگ، اکنون به طور فعال توسط ابتکارات خلاقانه و انجمن های مردمی ساختار بندی می شود. پلتفرم های جمع آوری داستان های شخصی، عکس ها و ویدئوها به ویژه محبوبیت یافته اند. شاخص های کمی و حتی طبقه بندی اولیه آن ها، به دلیل «چرخه عمر» کوتاه منابع، سیالیت و تغییرات محتوایی و اشباع فضای اطلاعاتی با روایت های متنوع، کار را دشوار ساخته است. از این رو، مسیر تحلیل انتخابی



فیلتر سایت این امکان را به کاربر می‌دهد که به راحتی محتوای مورد نیاز خود را بر اساس سال رویدادها، شهر یا نوع محتوا (ویدیو، صوت، متن) پیدا کند. چندزبانه بودن پلتفرم (سه‌زبانه) دسترسی گسترده‌ای را برای مخاطبان داخلی و بین‌المللی فراهم کرده است. سیستم برچسب‌گذاری یکپارچه (end-to-end tagging) که امکان جستجو و ارزیابی منابع را در کنار سایر شواهد فراهم می‌سازد، از مزایای مهم این موزه آنلاین به‌شمار می‌رود. سیستم برچسب‌گذاری به صورت منطقی هم جداسازی سنتی بر اساس گروه‌ها (زنان، مردان، جوانان)، سال، رویداد یا منبع اطلاعات را پوشش می‌دهد و هم برچسب‌های جدیدی را که ناشی از شرایط جنگ و تجربه مواد اولیه جمع‌آوری شده است ارائه می‌کند:

- تجربه (جابه‌جایی، تخریب خانه، مجروحیت، آسیب روانی، بمباران، از دست دادن عزیزان، اسارت و غیره)
 - گروه‌های آسیب‌پذیر (افراد دارای معلولیت، خانواده‌های تک‌والد، سالمندان، فقرا)
 - پیامدهای درگیری (امنیت، آموزش، آب، غذا، سلامت و غیره)
- چنین حساسیتی به شرایط جنگ، رویکرد دقیق و محتاطانه نسبت به مواد ارائه‌شده و سیستم مستندسازی و جست‌وجوی قوی (در شرایط جنگی) جای تحسین دارد. در سنت جمع‌آوری مواد به روش RRC، پلتفرم انواع مختلفی از اسناد را ارائه می‌کند؛ علاوه بر روایت‌های زندگی، عکس‌هایی از اشیای موزه‌ای، نقاشی‌ها و انشاهای

که بنیاد آغاز کرده و فعالیت‌های حمایتی روان‌شناسی و بانک اطلاعاتی کمک‌رسانی به مخاطبان را شامل می‌شود.

نتیجه‌گیری

جنگ، نه تنها در سطح ملی بلکه در مقیاس جهانی، پرسش‌های فراوانی را مطرح می‌کند و توجه را به «شهرهای محدود» درک و دریافت واقعیت نظامی جلب می‌نماید. موزه‌هایی با «فلسفه جدید» در مستندسازی و نمایش، در فضایی برای یافتن پاسخ‌های ممکن ادغام شده‌اند و این امکان را فراهم می‌سازند که حافظه زمان حال از دست نرود. سرعت و به‌موقع بودن، به‌عنوان عوامل مهم روش جمع‌آوری واکنش سریع (RRC) در دوران جنگ، موجب ظهور ویژگی عملکردی جدیدی برای آن شده است. این روش که ذاتاً غیرخطی است، بازتاب‌دهنده تنوع دنیای پیرامون است؛ به واسطه محتوای چندکاره خود، گفتمان مستندش را فراتر از محدوده‌های مکانی موزه‌ها یا آرشیوهای منفرد گسترش می‌دهد و فضاهای اجتماعی و تاریخی را با زمان حال، خاطرات فردی و حافظه جمعی

کودکان با موضوع «وقتی جنگ به شهر/کشورم آمد، چه احساسی داشتم و چه فهمیدم» نیز موجود است. مجموعه‌ها به‌عنوان نوعی ارائه ساختارمند و موضوعی موزه، شایان توجه ویژه هستند: «جنگ از نگاه کودکان - ۲۰ روایت از کودکی که وجود نداشت»، «دفتر خاطرات جنگ - روایتی از بقا»، «مهاجران - چگونه زندگی را از نو شروع کنیم: داستان موفقیت»، با افتتاح مجموعه، هر بار خاطرات و داستان‌های جدیدی به دفتر خاطرات جنگ اضافه می‌شود و همه مطالب به انگلیسی و روسی ترجمه شده و فایل‌های صوتی نیز زیرنویس دارند.

یکپارچگی زیبایی‌شناختی طراحی سایت، رابط کاربری شهودی و پر از اینفوگرافیک‌های آماری، نوار اطلاعات و اطلاع‌رسانی درباره مطالب و رویدادهای شاخص از دیگر ویژگی‌های قابل توجه این پلتفرم است. مرور کلی از امکانات این پورتال و آرشیو آنلاین، در بخش «راهنمای مدیریت آرشیو آنلاین موزه صدای غیرنظامیان» ارائه شده است. در خارج از حوزه پژوهش ما، اقدامات خیریه‌ای است

پیوند و همگام می‌سازد.





محافظة از مجموعه‌های موزه‌ای در ش

راهکارهای به کار رفته در ایالت
ورمونت (ایالات متحده آمریکا)

مقدمه

میراث فرهنگی، چه مادی و چه معنوی، از سوی جامعه بین‌المللی به عنوان عاملی مهم در توسعه و پیشرفت جوامع مدرن شناخته می‌شود. جامعه انسانی اهمیت حفاظت از میراث خود را درک کرده و به همین دلیل نیازمند راهبردی مشخص، هم در سطح محلی و هم در سطح جهانی است. این حفاظت از طریق ساختارهای قانونی و سازمانی، هم در زمان صلح و هم در شرایط جنگ، شکل می‌گیرد. تردیدی نیست که میزان تهدید میراث فرهنگی در نتیجه درگیری‌های مسلحانه، فارغ از وسعت آن، بسیار زیاد است. به منظور تأمین حفاظت فیزیکی هنگام جابجایی مجموعه‌های موزه‌ای یا میراث فرهنگی، لازم است رویه‌های مناسبی برای جابجایی تدوین و راهکارهای سازمانی و فنی مؤثر اجرا شود. این راهکارها ریسک از دست دادن اشیاء، مانند آثار نمایشگاهی را در حوادثی چون سیل، آتش‌سوزی،

طوفان برف یا حمله نیروهای مسلح یک کشور متجاوز که به هیچ کنوانسیون و توافق‌نامه بین‌المللی پایبند نیست، کاهش می‌دهد. موضوعی که در این مقاله مورد تحلیل قرار گرفته، اطلاعات به دست آمده از مصاحبه‌های تخصصی و بررسی راهکارهای سازمانی و حقوقی و همچنین رویه مدیریت اطلاعات توسط نهادهای موظف به حفاظت از مجموعه‌های موزه‌ای و اشیاء طبقه‌بندی شده به عنوان میراث فرهنگی در زمان بحران، با تمرکز بر برخی موزه‌های منتخب ایالت ورمونت آمریکا است. اطلاعات ارائه شده از سوی کارشناسان اداره حفاظت تاریخی ایالت ورمونت و آژانس مدیریت بحران فدرال (FEMA) نشان می‌دهد که اقدامات مربوط به حفاظت از میراث فرهنگی در حوزه آمادگی و واکنش اضطراری شامل تلاش‌های پیشگیرانه، رویه‌های تخلیه، مسئولیت‌های کارکنان واکنش اضطراری، عملیات نجات و ارزیابی‌های پس از بحران می‌شود. این دسته از اقدامات، پایه و اساس حفاظت از میراث فرهنگی در شرایط اضطراری را تشکیل می‌دهند. موضوعی که در مصاحبه‌های نویسندگان مقاله با کارشناسان از نهادهای منتخب ایالت ورمونت مورد بررسی قرار گرفته، مسئله حفاظت از مجموعه‌های موزه‌ای و اشیای میراث فرهنگی و ارتباط میان اشخاص - مثلاً کارکنان یک موزه خاص (که در شرایط اضطراری مسئول تخلیه مجموعه‌های تحت اختیار خود هستند) - و نهادهای مدیریت بحران منطقه‌ای و ملی است که وظیفه اجرای حفاظت جامع و سیستماتیک از میراث فرهنگی را بر عهده دارند. این اقدامات حفاظتی در دو ساختار مدیریتی قرار می‌گیرند: یک ساختار سلسله‌مراتبی برای امور روزمره و عادی، و ساختاری «تقویت شده» که در مواقع بحران یا هنگامی که رویدادها

از روال عادی خارج می‌شوند، به طور موقت کنترل امور را بر عهده می‌گیرد. کارشناسان سراسر جهان در حوزه حفاظت عملی میراث فرهنگی تأکید دارند که هر مرکز نگهداری آثار فرهنگی نیازمند حفظ و در نظر گرفتن این ساختار است. نویسندگان مقاله مصاحبه‌های خود

و رمونت را تهدید می‌کند؟

در مورد موزه و مرکز تاریخ سالیوان، چه کسی مسئول تدوین برنامه‌های واکنش به بحران و انجام اقدامات اولیه جهت حفاظت از مجموعه‌های موزه‌ای است؟ نقش FEMA در فعالیت‌هایی که با هدف حفاظت از میراث فرهنگی

استاندارد مصاحبه تخصصی استفاده شد که پیش‌تر توسط مصاحبه‌شوندگان تأیید شده بود. در طول این گفت‌وگوها، کارشناسان امکان صحبت آزادانه و بدون محدودیت را داشتند و دامنه مسائل مربوط به حفاظت از مجموعه‌های موزه‌ای که در ابتدا برای بحث تعیین شده بود، به واسطه

◀ جاک دورتسکی - ایزابلا نوویتسکا - آندری اوربانک - ایزابلا شکورلات - وویچخ هوری

رایط اضطراری

را حول محور موضوعات زیر بنا نهادند: چه انواعی از مخاطرات طبیعی، بلایا و رخدادهای تهدیدآمیز، مجموعه‌های گردآوری شده در موزه‌های ایالت

و مجموعه‌های موزه‌ای در ارتباط با بروز شرایط بحرانی انجام می‌شود، چیست؟ در این مصاحبه‌ها از یک پرسشنامه

گشاده‌دستی و تمایل این کارشناسان به اشتراک‌گذاری دانش و تجربیات حرفه‌ای‌شان به طور قابل توجهی گسترش یافت.



مسئولیت‌های کارکنان

موزه‌های ایالت ورمونت در

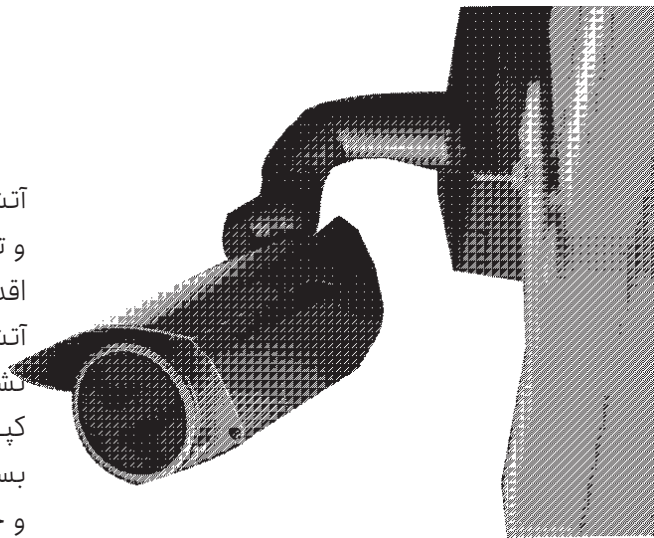
شرایط تهدیدات طبیعی

در بخشی دیگر از مصاحبه‌ها، مسئولیت‌های کارکنان موزه‌های ایالت ورمونت در حفاظت از مجموعه‌ها، به‌ویژه در شرایط تهدید بلایای طبیعی، بررسی شد. اطلاعاتی درباره وظایف سرپرست مجموعه‌های موزه‌ای، مأمور نگهداری (مسئول مجموعه‌های خاص)، مدیر تأسیسات و تیم‌های بین‌رشته‌ای ویژه واکنش به بحران‌ها ارائه شد.

سرپرست: (Superintendent)

مسئولیت کلی حفاظت و نگهداری از مجموعه‌های موزه‌ای پارک را بر عهده

آتشفشان، سرمای یا گرمای شدید) و تهدیداتی با منشأ انسانی (مانند اقدامات اختلال‌گرایانه فردی، انفجار، آتش‌سوزی، نشت مواد خطرناک، نشت گاز، فوریت‌های پزشکی، شیوع کپک، قطع برق، شرایط شدید جوی، بسته‌یاشیء مشکوک، فرد مشکوک و خرابکاری، تیراندازی فعال، تماس یا تهدید تلفنی) است. به گفته کارشناسان، ایالت ورمونت بیشتر از همه در معرض تهدیدات طبیعی به شکل سیل و بروز توفان‌ها و طوفان‌های گرمسیری قرار دارد.



موزه و مرکز تاریخ سالیوان در

نورویچ

موزه و مرکز تاریخ سالیوان، موزه رسمی دانشگاه نورویچ است که در نورث‌فیلد، ایالت ورمونت واقع شده و در سال ۲۰۰۲ افتتاح شده است. این مجموعه با مساحت ۱۶ هزار فوت مربع، هم‌نمایشگاه‌های دائمی و هم موقت دارد که اشیاء و موضوعاتی از تاریخ ۲۰۰ ساله دانشگاه و همچنین تاریخ نظامی گسترده‌تر آمریکا را به نمایش می‌گذارد.

نظرات کارشناسان حوزه حفاظت از مجموعه‌های موزه‌ای و اماکن میراث فرهنگی ایالت ورمونت (آمریکا) درباره تهدیدات بالقوه و راهکارهای مقابله: کارشناسان شرکت‌کننده در مجموعه مصاحبه‌ها اشاره کردند که در اقدامات نهادهای ایالتی ورمونت که برای حفاظت از مجموعه‌های موزه‌ای و اماکن میراث فرهنگی تأسیس شده‌اند، تقسیم‌بندی اصلی تهدیدات بالقوه شامل تهدیدات ناشی از طبیعت (مانند سیل، خشکسالی، آتش‌سوزی، زلزله، توفان، گردباد، بهمن یا رانش زمین، فوران





به گفته کارشناسان، ایالت ورمونت
بیشتر از همه در معرض تهدیدات
طبیعی به شکل سیل و بروز توفان‌ها و
توفان‌های گرمسیری قرار دارد.

تأسیسات، تجهیزات و سامانه‌های
مربوط به نگهداری مجموعه‌ها را
انجام دهد.

● تولید و ثبت اطلاعات مربوط به
وضعیت و آمادگی مجموعه‌ها را
مدیریت کند.

تیم بین‌رشته‌ای

(Interdisciplinary Team) :

تیم بین‌رشته‌ای به سرپرستی

و همچنین آموزش‌های مربوطه را
هماهنگ کند و با مدیر تأسیسات برای
تدوین و اجرای طرح کاهش ریسک
موزه همکاری نزدیکی دارد.

نقش مدیر تأسیسات : (Facility Manager)

مدیر تأسیسات با افسر نگهداری
و هماهنگ‌کننده عملیات اضطراری
همکاری می‌کند تا:

- بازرسی، آزمایش و نگهداری
منظم ساختمان، تأسیسات،
تجهیزات و سامانه‌های مرتبط با
مجموعه‌ها طبق استانداردهای
ملی، مشخصات سازندگان و
سیاست‌ها و دستورالعمل‌های
NPS را تضمین کند.
- ارزیابی کامل وضعیت ساختمان،

دارد و برنامه‌ریزی و آمادگی اضطراری
را در سطح کل پارک مدیریت می‌کند.
سرپرست می‌تواند برخی مسئولیت‌ها
را به صورت کتبی به رئیس گارد، افسر
ایمنی پارک، مدیر تأسیسات یا سایر
کارکنان محول کند که این واگذاری
باید در پرونده مرکزی پارک و یا
دستورات سرپرست ثبت شود.

افسر نگهداری : (Custodial Officer)
مسئولیت حفاظت و
نگهداری مجموعه موزه‌ای، شامل
برنامه‌ریزی و آمادگی اضطراری را بر
عهده دارد. از جمله وظایف این فرد:

۱. انجام ارزیابی ریسک شامل:
۲. چک لیست NPS برای حفاظت و
نگهداری مجموعه‌های موزه‌ای
۳. کاربرد ارزیابی ریسک
۴. طرح اقدام کاهش ریسک برای
موزه

۵. برنامه عملیات اضطراری مجموعه‌های
موزه‌ای (MCEOP) با همکاری
هماهنگ‌کننده عملیات اضطراری و مدیر
تأسیسات

۶. اولویت‌بندی اشیاء برای
جابجایی و نجات بر اساس
معیارهای اولویت اول برای
جابجایی و نجات اشیاء

۷. این ساختار مدیریتی و تقسیم
وظایف در شرایط اضطراری کمک
می‌کند تا واکنش مؤثرتری برای
حفاظت از مجموعه‌های ارزشمند
در برابر تهدیدات طبیعی و انسانی
صورت گیرد.

افسر نگهداری : (Custodian Officer)
با هماهنگ‌کننده عملیات
اضطراری همکاری می‌کند تا واکنش‌ها
و فعالیت‌های نجات اضطراری موزه

ابزار مدیریتی برای پاسخ به شرایط اضطراری و غیراضطراری کوچک یا بزرگ به کار می‌رود و امروزه به عنوان بهترین رویه و استاندارد مدیریت بحران در سراسر ایالات متحده پذیرفته شده است.

توسط این تیم برگزار می‌شود.

مثال عملی: موزه و مرکز تاریخ سالیوان

در مورد موزه و مرکز تاریخ سالیوان، تهیه برنامه‌های واکنش اضطراری و اقدامات اولیه برای حفاظت از مجموعه‌های موزه‌ای بر عهده مدیرموزه است که در این زمینه با مقامات دانشگاه نورویچ و دفتر FEMA ایالتی همکاری نزدیک دارد. این برنامه‌ها هر سه سال یک‌بار به‌روزرسانی می‌شوند. سالانه با همکاری دانشگاه نورویچ، خدمات اضطراری محلی و FEMA تمریناتی برگزار می‌شود که طی آن کارایی رویه‌های موجود در مواجهه با شرایط اضطراری ناشی از عوامل طبیعی و انسانی ارزیابی می‌شود.

کارکنان موزه مسئول تهیه فهرست طبقه‌بندی‌شده از اشیای موزه و ارزیابی آن‌ها از نظر سطح دشواری جابجایی در شرایط اضطراری هستند. در صورت نیاز به تخلیه مجموعه‌های موزه‌ای، دانشگاه دانشجویان نظامی را برای کمک اعزام می‌کند تا همراه با کارکنان موزه و با استفاده از امکانات فنی (کانتینرها، بالابرها، کامیون‌ها و غیره) متعلق به واحدهای آتش‌نشانی محلی، گارد ملی و تجهیزات تأمین‌شده توسط FEMA عملیات نجات را انجام دهند. در صورت لزوم، مجموعه‌های موزه‌ای به یکی از موزه‌های متعدد کشور که زیرمجموعه مؤسسه اسمیتسونیان هستند، منتقل می‌شوند تا ایمنی آثار در بالاترین سطح حفظ شود. یک سازوکار مدیریتی به نام سیستم فرماندهی حادثه (Incident

متصدی موزه (Curator) در برنامه‌ریزی و آمادگی برای شرایط اضطراری مشارکت دارد. این تیم باید شامل هماهنگ‌کننده عملیات اضطراری، مدیر تأسیسات، افسر ایمنی، مسئول منابع فرهنگی یا طبیعی، متصدی منطقه‌ای، و همچنین مشاور معمار تاریخی، متخصص منظره فرهنگی، محافظ آثار و سایر متخصصان مورد نیاز باشد. جلسات منظم برای بحث در مورد برنامه‌ریزی اضطراری و پروژه‌های کاهش ریسک



ICS - Command System) به عنوان بخشی از واکنش عملیاتی به شرایط اضطراری که مستقیماً مجموعه‌های موزه‌ای و اماکن میراث فرهنگی را تهدید می‌کند، مورد استفاده قرار می‌گیرد» ICS یک ساختار مدیریتی با استاندارد بالا، از بالا به پایین و مبتنی بر اصول نظامی است که در هنگام حادثه، جایگزین ساختار مدیریتی تمام سازمان‌های پاسخگو می‌شود. این ابزار مدیریتی برای پاسخ به شرایط اضطراری و غیراضطراری کوچک یا بزرگ به کار می‌رود و امروزه به عنوان بهترین رویه و استاندارد مدیریت بحران در سراسر ایالات متحده پذیرفته شده است.

وظایف سرپرست مجموعه‌های موزه‌ای در سیستم فرماندهی حادثه

در چارچوب ICS، وظایف سرپرست مجموعه‌های موزه‌ای عبارت است از:

- اطمینان از اینکه مجموعه‌ها و ساختمان‌های نگهدارنده آثار در اسناد برنامه‌ریزی ICS از جمله طرح تداوم کسب و کار (Business Continuity Plan) گنجانده شده‌اند.
- ارتباط و هماهنگی با رئیس بخش عملیات ICS و حضور در جلسات برنامه‌ریزی جهت نمایندگی نیازهای مجموعه و هماهنگی فعالیت‌هایی که بر آثار و ساختمان‌ها اثر می‌گذارند.
- سازماندهی آموزش‌های منظم ICS برای همه کارکنان موزه.

● برنامه‌ریزی اضطراری در موزه‌های ورمونت در مصاحبه‌ها از کارشناسان خواسته شد که تعریف خود را از برنامه‌ریزی اضطراری ارائه دهند. رویه موجود نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی اضطراری شامل ارزیابی ریسک، حذف یا کاهش خطرات و آسیب‌پذیری‌ها و اجرای طرح‌های عملیاتی اضطراری، مراحل واکنش اضطراری و رویه‌های نجات است.

همکاری موزه‌ها با نهادها و شرکت‌های خارجی در چارچوب ICS

در این مصاحبه‌ها موضوع همکاری موزه‌ها و سایر نهادهای فرهنگی ایالت ورمونت با شرکت‌ها و مؤسسات خارجی ذیل ICS نیز بررسی شد. ایجاد راهکارهای فعلی ICS به سال ۲۰۰۲ بازمی‌گردد، زمانی که وزارت امنیت داخلی آمریکا دوسند کلیدی تهیه کرد: طرح ملی واکنش (National Response Plan) که مسئولیت اجرای اقدامات در بحران‌های عمده غیرنظامی را تعریف می‌کند، سیستم ملی مدیریت حوادث (National Incident Management System - NIMS) که استفاده از ابزارهای خاص سیاست‌گذاری بحران، به ویژه ICS، را الزامی می‌کند. NIMS ویژگی‌های ایجاد ICS و مکانیزم‌ها و قوانین استفاده از آن را مشخص می‌کند و این سیستم، حوزه وظایف، موقعیت‌های محوله، مسئولیت اجزای مختلف سیستم

و اصطلاحات عملیات را یکپارچه می‌سازد. همچنین تقسیم وظایف میان نیروهای مستقیم عملیات نجات و نیروهای پشتیبان کاملاً روشن است. ICS فرآیندهای مشترک برنامه‌ریزی و مدیریت منابع را برقرار و امکان یکپارچه‌سازی امکانات، تجهیزات، نیروی انسانی، رویه‌ها و ارتباطات ذیل یک ساختار سازمانی واحد فراهم می‌کند. عملیات مرتبط با بحران‌های منطقه‌ای یا ملی از طریق ICS به عنوان بخشی از NIMS انجام می‌شود. در مواقعی که چندین نهاد درگیر هستند، از سیستم فرماندهی یکپارچه (Unified Command System) استفاده می‌شود.

در چارچوب ICS، مسئولیت کلی مدیریت فعالیت‌های واکنش اضطراری بر عهده فرمانده حادثه (Incident Commander - IC) است. پس از فعال‌سازی ICS، کلیه فعالیت‌های واکنش اضطراری از جمله اقدامات مرتبط با موزه تحت اختیار فرمانده حادثه قرار می‌گیرد. فرمانده حادثه (Incident Commander - IC) در عملیات خود توسط یک سیستم مدیریت اطلاعات سه‌سطحی پشتیبانی می‌شود. اطلاعات از طریق سطوح مختلف فرماندهی منتقل شده و وظیفه این سطوح، راستی‌آزمایی و پالایش اطلاعات دریافتی است تا از دریافت حجم بیش از حد اطلاعات یا درگیر شدن فرمانده با تصمیمات جزئی فنی جلوگیری شود و IC بتواند بر مدیریت کلی شرایط اضطراری تمرکز کند.



اجزای سیستم سه سطحی

مدیریت اطلاعات اضطراری

افسر اطلاعات عمومی (Public Information Officer - PIO)

به فرمانده حادثه درباره نحوه انتشار اطلاعات و ارتباط با رسانه‌ها مشاوره می‌دهد (توجه: فقط اطلاعاتی منتشر می‌شود که فرمانده حادثه تأیید کند). اطلاعات را از بخش برنامه‌ریزی دریافت و به آن منتقل می‌کند. اطلاعات را از جامعه و رسانه‌ها جمع‌آوری کرده و به آن‌ها ارائه می‌دهد.

افسر ایمنی (Safety Officer)

به فرمانده حادثه درباره مسائل ایمنی حادثه مشاوره می‌دهد. با بخش عملیات همکاری می‌کند تا ایمنی کارکنان حاضر در میدان حادثه را تضمین کند. ایمنی کلیه کارکنان دخیل در عملیات را تضمین می‌کند.

افسر ارتباطات

(Liaison Officer)

به عنوان نقطه تماس برای نمایندگان سازمان‌های پاسخگوی دیگر به فرمانده حادثه کمک می‌کند.

سازمان‌های پشتیبان را توجیه و به سؤالات آن‌ها پاسخ می‌دهد.

روند انتقال تصمیم‌گیری از

سطح محلی به سطوح بالاتر

سطح محلی: نیروهای واکنش اولیه با استفاده از ICS حادثه را مدیریت می‌کنند. اگر نیاز به کمک بیشتر باشد، مرکز عملیات اضطراری محلی (EOC) وارد عمل می‌شود. در جوامع بزرگ‌تر، EOC دائمی و با مدیر اضطراری تمام‌وقت اداره می‌شود؛ در مناطق کوچک‌تر، EOC به صورت موقت و در زمان بحران راه‌اندازی می‌شود.

سطح ایالتی: اگر منابع محلی کافی نباشد، از ایالت درخواست کمک می‌شود و عملیات اضطراری از طریق EOC ایالتی هماهنگ می‌گردد. ایالت‌های بزرگ ممکن است یک یا چند سطح سازمانی واسطه با EOC منطقه‌ای داشته باشند که در زمان حادثه در منطقه خاص فعال می‌شوند.

کمک بین ایالتی: اگر منابع ایالتی کافی نباشد، ایالت می‌تواند از سایر ایالت‌ها بر اساس توافق‌نامه‌هایی مانند «توافق‌نامه کمک مدیریت بحران» (EMAC) درخواست یاری کند.

درخواست فدرال: اگر منابع محلی، منطقه‌ای، ایالتی و کمک‌های بین ایالتی کافی نباشد، فرماندار ایالت از طریق یک اعلام وضعیت اضطراری (برای بحران محدود) یا درخواست فاجعه عمده ریاست جمهوری (در وضعیت بسیار بحرانی‌تر) از دولت فدرال و FEMA درخواست کمک می‌کند.

این سازوکار سلسله‌مراتبی و ساختارمند، مدیریت منسجم و مؤثر بحران‌ها و حفاظت از مجموعه‌های ارزشمند فرهنگی را تضمین می‌کند. یکی از کارشناسان مؤسسه اسمیتسونیان که در مصاحبه‌ها شرکت داشت، اشاره کرد که این مؤسسه هر سال چندین کارگاه آموزشی درباره پیاده‌سازی سازوکارهای ICS برگزار می‌کند. این آموزش‌ها به افرادی اختصاص دارد که در حفاظت از مجموعه‌های موزه‌ای و اماکن میراث فرهنگی نقش دارند. به گفته این کارشناس، جالب‌ترین برنامه اختصاصی برای حفاظت از مجموعه‌ها و اماکن میراث فرهنگی که هر سال توسط اسمیتسونیان اجرا می‌شود، دوره‌ای به نام Heritage Emergency and Response Training DC است.

در این دوره پنج‌روزه که به صورت اقامتی برای ۲۵ کارشناس حوزه میراث و مدیریت بحران از سراسر کشور برگزار می‌شود، کارگاه‌های موضوعی، سخنرانی‌ها و تمرینات عملی توسط اعضای «ابتکار نجات فرهنگی اسمیتسونیان» و همچنین با حضور نمایندگان «گروه ملی واکنش اضطراری میراث» و سایر متخصصان این مؤسسه انجام می‌گیرد. بخشی از آموزش‌ها شامل تمرینات میدانی بر اساس سناریوهای شرایط اضطراری مانند بلایای طبیعی است که مجموعه‌های موزه‌ای یا اماکن میراث فرهنگی را تهدید می‌کنند. شرکت‌کنندگان با راهکارهای فنی و سازمانی نوین و نیز مقررات حقوقی

آشنا می‌شوند که اثربخشی عملیات امداد و نجات را در حوزه حفاظت از آثار افزایش می‌دهد.

تفاوت در نحوه واکنش

اضطراری میان اسمیتسونیان و

آرشیو ملی آمریکا

یکی دیگر از کارشناسان مصاحبه‌شونده بیان کرد که سازوکارهای سازمانی متفاوتی برای عملکرد آرشیوهای ایالتی در آمریکا وجود دارد. در حالی که مؤسسه اسمیتسونیان برای هماهنگی عملیات و بازیابی مجموعه‌ها از سیستم فرماندهی حادثه (ICS) تبعیت می‌کند، آرشیو ملی ایالات متحده تیم واکنش اضطراری مختص به خود را برای بازیابی مجموعه‌ها دارد که اعضای آن در زمان بحران، نقش‌های جایگزین را می‌پذیرند. این تیم شامل هماهنگ‌کننده اضطراری، هماهنگ‌کننده بازیابی، مرمت‌گر و متصدی ثبت اضطراری است. هماهنگ‌کننده اضطراری درباره اعلام وضعیت اضطراری تصمیم‌گیری کرده و مسئولیت‌های لازم را تفویض می‌کند. هماهنگ‌کننده بازیابی رهبری عملیات بازیابی را بر عهده دارد و تصمیمات درمانی را اتخاذ می‌کند و آموزش پرسنل و داوطلبان را به‌طور فعال انجام می‌دهد. مرمت‌گر با هماهنگ‌کننده بازیابی همکاری نزدیک دارد تا آثار را اولویت‌بندی و درمان مناسب را اجرا کند. متصدی ثبت اضطراری، جزئیات عملیات واکنش و بازیابی از جمله همه ارتباطات و جابه‌جایی آثار را ثبت می‌کند.

حمایت مالی و افزایش ظرفیت

توسط FEMA

کارشناس FEMA نیز بیان کرد که این نهاد و دولت فدرال طی سال‌های اخیر به شکل قابل توجهی بودجه امدادرسانی و آمادگی در برابر بلایا را افزایش داده‌اند. برای مثال، برنامه کمک عمومی FEMA در بازه ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ نسبت به دهه قبل ۲۴ درصد رشد داشته است. از ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰، FEMA مبلغ ۴۵ میلیارد دلار برای کمک‌های مالی و امدادرسانی به جوامع مختلف کشور اختصاص داده است. همچنین از سال ۲۰۰۲، FEMA بیش از ۵۲ میلیارد دلار برای حمایت از سرمایه‌گذاری‌های آمادگی ایالتی و محلی، از جمله مراکز موزه‌ای، پرداخت کرده است. این بودجه برای توسعه سازوکارهای سازمانی و فنی‌ای اختصاص یافته که به طور مؤثر از عملیات اضطراری و حفاظت از مجموعه‌ها و اماکن میراث فرهنگی در شرایط تهدید واقعی حمایت می‌کنند.

با این حال، FEMA تنها بازیگر کلیدی مدیریت بحران در سطح فدرال نیست. یکی از کارشناسان با استناد به گزارشی از مؤسسه Pew Charitable Trusts اشاره کرد که «صندوق امداد بلایای FEMA» که منبع اصلی بودجه واکنش اضطراری این نهاد است، در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ کمتر از نیمی (۴۴ درصد) از کل بودجه فدرال صرف‌شده برای واکنش به بلایا توسط نهادها و سازمان‌های دولتی را تشکیل داده است. ۵۶ درصد باقی‌مانده از بودجه‌های ۱۷ وزارتخانه و نهاد فدرال

دیگر، از جمله وزارت کشاورزی، وزارت مسکن و توسعه شهری، وزارت دفاع، وزارت حمل‌ونقل و وزارت بهداشت و خدمات انسانی تأمین شده است.

جمع‌بندی

تعداد زیادی از فعالیت‌هایی که توسط نهادهای مسئول حفاظت از مجموعه‌های موزه‌ای و اماکن میراث فرهنگی در ایالت ورمونت انجام می‌شود، مبتنی بر سیستم فرماندهی حادثه (ICS) و برنامه‌های واکنش اضطراری تهیه‌شده با همکاری دولت و مقامات محلی است. موضوع مهم، آمادگی نیروی انسانی و منابع فنی برای استفاده فوری است که این امر با حمایت مقامات محلی، ایالتی و سازمان‌های ملی محقق می‌شود. تمرینات و مانورهایی که توسط نهادهای ایالتی و سازمان‌های کشوری برگزار می‌شود، به طور مداوم سطح آمادگی موزه‌ها را در مواجهه با بلایای طبیعی که تهدید جدی برای مجموعه‌ها و اماکن میراث فرهنگی ایجاد می‌کنند، افزایش داده است. ایالت ورمونت بیش از همه در معرض خطر وقوع سیل و توفان قرار دارد. به گفته کارشناسان، آمادگی کافی و همکاری هم‌افزایان نهادها، مقامات و مردم ایالت، طی سه دهه اخیر واکنش مؤثری به بلایای طبیعی را ممکن ساخته است. پس از سال ۱۹۷۳، هیچ موردی از نابودی مجموعه‌های موزه‌ای یا اماکن میراث فرهنگی وسیع در اثر بلایای طبیعی در ورمونت ثبت نشده است.

مرکز تحصیلات تکمیلی
دانشگاه شهری نیویورک،
نیویورک، ایالت نیویورک،
ایالات متحده آمریکا

نویسندگان: توماس جی. وایس و نینا کانلی

«حفاظت از میراث فرهنگی در مناطق جنگی»

میراث فرهنگی چیست و چرا اهمیت دارد؟

میراث فرهنگی تعاریف متعددی دارد، اما نقطه آغاز خوبی برای درک این مفهوم، کنوانسیون‌های یونسکو هستند که تا حدی اجماع بین‌المللی پیرامون آن‌ها شکل گرفته است. دو کنوانسیون مهم در این زمینه عبارتند از: کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه برای حفاظت از اموال فرهنگی در صورت بروز درگیری مسلحانه و کنوانسیون ۱۹۷۰ لاهه درباره جلوگیری از ورود، صدور و انتقال غیرقانونی مالکیت اموال فرهنگی. ویژگی مشترک این تعاریف، تأکید بر «اهمیت» یک اثر است؛ یعنی اهمیت آن ملاک اصلی برای شناسایی‌اش به عنوان «اموال فرهنگی» یا ترجیحاً «میراث فرهنگی» محسوب می‌شود. تعریف ارائه شده در کنوانسیون ۱۹۵۴ بر «اهمیت



فراوان میراث فرهنگی هرملتی» تأکید دارد، در حالی که تعریف ۱۹۷۰ برارزش آثار فرهنگی برای باستان‌شناسی، تاریخ، ادبیات، هنر یا علم تمرکز می‌کند. اگرچه هر دو تعریف برارزش قابل‌شناسایی میراث فرهنگی تأکید دارند، اما مبنای ارزش‌گذاری در آن‌ها متفاوت است. کنوانسیون ۱۹۵۴ اعلام می‌کند که «آسیب به اموال فرهنگی متعلق به هرملتی، به معنای آسیب

به میراث فرهنگی تمام بشریت است، چراکه هر ملت سهمی در فرهنگ جهانی دارد.» این دیدگاه، ارزشی جهان‌شمول و فراتر از مرزها برای میراث فرهنگی قائل است - ارزشی که لزوماً محدود به کسانی نیست که مستقیماً وارث آن بوده‌اند.

در مقابل، تعریف مبتنی بر کنوانسیون ۱۹۷۰ رویکردی دولت‌محور دارد و میراث فرهنگی را به آن دسته از اشیایی محدود می‌سازد که «به‌طور خاص توسط هر دولت مشخص شده‌اند». این تفاوت بنیادین، بازتابی از زمینه‌های تاریخی و سیاسی حاکم بر زمان نگارش این دو کنوانسیون است. کنوانسیون ۱۹۵۴ در پی آن بود که در دوران پس از جنگ جهانی دوم، حفاظت از سایت‌ها و اشیای فرهنگی در مناطق جنگی را به عنوان وظیفه‌ای

جهانی نهاده سازد. اما در سال ۱۹۷۰، هم‌زمان با اوج‌گیری گفتمان و رشد احساسات ملی‌گرایانه، این دیدگاه شکل گرفت که آثار فرهنگی باید در قلمرو ملی باقی بمانند و متعلق به همان کشور تلقی شوند.

در نتیجه، کنوانسیون ۱۹۷۰ بیشتر نگران مقابله با قاچاق و تجارت غیرقانونی آثار فرهنگی است، در حالی که کنوانسیون ۱۹۵۴ تمرکز اصلی‌اش بر پیشگیری از آسیب به این آثار است. رویکرد ۱۹۷۰ اهمیت بیشتری به عوامل تصادفی جغرافیایی، مرزهای سیاسی دلخواه و پیکربندی‌های معاصر قدرت می‌دهد - مانند اتحاد آلمان و یمن، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و یوگسلاوی سابق، یا تقسیم سودان - و این در تضاد با نگاه جهان‌گرایانه‌ای است که میراث فرهنگی را متعلق به همه بشریت می‌داند.

نبود سازوکارهای اجرایی، به‌ویژه میراث فرهنگی غیرقابل انتقال (نظیر بناها و اماکن) را به شدت آسیب‌پذیر می‌سازد. از این رو، نگاه جهان‌گرایانه به میراث فرهنگی که در کنوانسیون ۱۹۵۴ تجلی یافته، در پیشبرد تلاش‌های بین‌المللی برای حفاظت از میراث در مناطق جنگ‌زده بسیار مؤثرتر از نگرش دولت‌محور مندرج در کنوانسیون ۱۹۷۰ عمل می‌کند.

تعریف ارائه‌شده در کنوانسیون ۱۹۵۴ بر بنیان نگاه جهان‌وطنانه به میراث فرهنگی استوار است؛ با این حال، این تعریف در اجرا پیچیده است و دامنه آن به روشنی به آثار ملموس و سایت‌های فرهنگی محدود نمی‌شود. گرچه فرهنگ ناملموس نیز شایسته



حفاظت بین‌المللی است، اما برای تحقق اجماع سیاسی و اقدام جهانی، تمرکز بر شرایط مشخص و محدودتر - نظیر آثار ملموس و قابل شناسایی - عملی‌تر به نظر می‌رسد.

تخریب میراث فرهنگی غیرقابل‌انتقال، نه تنها وجدان عمومی جهانی را جریحه‌دار می‌کند، بلکه پیامدهای سنگینی فراتر از از دست رفتن دستاوردهای غیرقابل‌جایگزین بشری به همراه دارد. پنج دلیل مهم با رویکرد جهان‌وطنانه برای درک این هزینه‌ها وجود دارد. نخست، اگر باور داشته باشیم که میراث فرهنگی ارزشی جهانی دارد، پس تخریب آن هزینه‌ای برای کل بشریت محسوب می‌شود. برای کسانی از ما که فرهنگ را تلاشی مشترک میان ملت‌ها در گذر زمان می‌دانیم، این امکان وجود دارد که از طریق اشیاء ملموس به اقوام دور یا فراموش شده متصل شویم.

در نتیجه، نابودی آثار، نه فقط به قطع یک پیوند تاریخی می‌انجامد، بلکه روشی آزموده شده برای تجربه فرهنگ‌ها - مانند سفر به مکان‌های فرهنگی، بازدید از موزه‌ها، یا مطالعه متون اصلی - را نیز از بین می‌برد.

نظریه پردازانی چون «هانا آرنت» و «آتری لوفور» نیز مطرح کرده‌اند، از بین رفتن محیط آشنا و فرهنگی می‌تواند به نوعی تبعید ذهنی و گسست حافظه تاریخی منجر شود. این اتفاق، تهدیدی مستقیم برای هویت جمعی و تداوم فرهنگی مردم است.

افزون بر آن، ناپدید شدن آثار و سایت‌های باستانی، مطالعه‌های آینده را غیرممکن می‌سازد و مانع از حل مسائل تاریخی، انسان‌شناختی و باستان‌شناختی می‌شود که همچنان بی‌پاسخ مانده‌اند.

تخریب میراث فرهنگی پیامدهای گسترده‌ای دارد که فراتر از زیان‌های صرفاً نمادین یا تاریخی است. نخست، این تخریب‌ها زیان‌های اقتصادی قابل توجهی به همراه دارند. زمانی که موزه‌ها یا اماکن فرهنگی از بین می‌روند یا آسیب می‌بینند، کارکنان آن مراکز شغل خود را از دست می‌دهند و شهرها از درآمد حاصل از گردشگری محروم می‌شوند. در مورد سایت‌های فرهنگی معروف، این خسارات می‌تواند روند بازسازی اقتصادی پس از بحران را به شدت مختل کند. همراه با از بین رفتن جاذبه‌های گردشگری، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و اشتغال مرتبط با نگهداری و خدمات جانبی نیز از بین می‌روند و جریان درآمدی حاصل از صنعت گردشگری متوقف می‌شود.

دوم، تخریب میراث فرهنگی روند آشتی پس از جنگ را دشوارتر می‌سازد. تخریب در جریان درگیری‌ها، زخم‌ها را عمیق‌تر کرده، خصومت‌ها را تشدید و هزینه‌های روانی و اجتماعی آشتی را افزایش می‌دهد. از این رو، در توافق‌نامه دیتون برای برقراری صلح در بالکان، بازسازی میراث از دست‌رفته به عنوان بخشی کلیدی از روند صلح و سازندگی لحاظ شد، چراکه میراث فرهنگی بخشی از هویت و حافظه جمعی ملت‌هاست.

سوم، نابودی میراث فرهنگی به تضعیف هویت فرهنگی و انسجام اجتماعی منجر می‌شود. بناها، موزه‌ها، کتابخانه‌ها و زیرساخت‌های فرهنگی نقش مهمی در تعریف هویت یک ملت ایفا می‌کنند. همان‌طور که نظریه‌پردازانی چون «هانا آرنت» و «آتری لوفور» نیز مطرح کرده‌اند، از بین رفتن محیط آشنا و فرهنگی می‌تواند به نوعی تبعید ذهنی و گسست حافظه تاریخی منجر شود. این اتفاق، تهدیدی مستقیم برای هویت جمعی و تداوم فرهنگی مردم است. چنین تخریب‌هایی اغلب پیش‌زمینه‌ای برای حمله به خود جمعیت‌های انسانی هستند، و در ادامه نیز باعث جابه‌جایی و آوارگی می‌شوند؛ در نتیجه، ارتباط انسان‌ها با مکان، فرهنگ و جامعه حامی‌شان از هم گسسته می‌شود.

چهارم، هزینه‌های انسانی چنین حملاتی بالاست. بسیاری از متولیان و کارشناسان فرهنگی، در مواجهه با خطر و تهدید، جان خود را برای حفاظت از میراث فدا کرده‌اند. یکی از نمونه‌های بارز آن، «خالد الاسعد»، باستان‌شناس برجسته و مدیر پیشین آثار باستانی پالمیرا بود که در سال ۲۰۱۵ توسط داعش اعدام شد، زیرا حاضر نشد محل اختفای آثار باستانی را فاش کند. این‌گونه فجایع، چه در گذشته و چه امروز، اغلب مقدمه‌ای بر نسل‌کشی یا پاک‌سازی قومی هستند؛ همان‌طور که در جریان حملات «شب شیشه‌های شکسته» در آلمان نازی در سال ۱۹۳۸ شاهد آن بودیم.

تخریب میراث فرهنگی

یونسکو چهار نوع اصلی از تخریب میراث فرهنگی را شناسایی کرده است: خسارت جانبی، بی‌توجهی اجباری، غارت و قاچاق، و تخریب هدفمند. این دسته‌بندی‌ها بر پایه میزان عمدی بودن و انگیزه انجام تخریب تنظیم شده‌اند.

نخست، خسارت جانبی در جریان جنگ‌ها رخ می‌دهد، در حالی‌که میراث فرهنگی هدف اصلی حمله نیست. دوم، بی‌توجهی اجباری زمانی پیش می‌آید که جمعیت‌های آواره یا تحت فشار قادر به نگهداری از سایت‌ها و موزه‌های فرهنگی خود نیستند. اگرچه این نوع از خسارت‌ها سنگین و تأسف‌برانگیز است، اما به دلیل آنکه لزوماً ناقض حقوق بین‌الملل محسوب نمی‌شوند، خارج از تمرکز اصلی این بحث قرار دارند. در میان انواع تخریب عمدی، نخستین مورد غارت سازمان‌یافته و قاچاق غیرقانونی است. این نوع تخریب می‌تواند از سوی گروه‌های شبه‌نظامی، قاچاقچیان یا حتی افراد فقیر برای کسب درآمد انجام گیرد. چنین اقداماتی به اعتبار، اصالت و یکپارچگی آثار تاریخی آسیب جدی وارد می‌کند. البته در صورتی که این فعالیت‌ها مستقیماً با جنایات دسته‌جمعی مرتبط نباشند، تمرکز این بحث بر آن‌ها نیست، حتی اگر سود حاصل از آن برای تأمین مالی خشونت استفاده شود.

نوع دوم تخریب عمدی، تخریب راهبردی است که در آن، آثار فرهنگی به دلیل

داشتن ارزش نظامی یا فرهنگی هدف قرار می‌گیرند. طبق کنوانسیون لاهه، اگر یک اثر ارزش استراتژیک برخوردار باشد، ممکن است تحت شرایط خاص هدف حمله قرار گیرد، مشروط بر اینکه تدابیر لازم برای کاهش خسارت در نظر گرفته شده باشد. با اینکه چنین تخریب‌هایی دردناک‌اند، اما گاه از نظر حقوقی قابل توجیه‌اند.

در مقابل، تخریب‌هایی که عمداً متوجه اماکنی مانند عبادتگاه‌ها، گورستان‌ها یا مکان‌هایی بدون ارزش نظامی هستند، به‌طور مستقیم به‌عنوان جنایت جنگی و گاه جنایت علیه بشریت شناخته می‌شوند. آنچه در این مقاله مورد تأکید است، تخریب‌های عمدی و قابل‌پیشگیری‌ای هستند که با اقدامات بین‌المللی می‌توان مانع وقوع آن‌ها شد یا شدت آن‌ها را کاهش داد، به‌ویژه آن‌هایی که در چارچوب چهار جنایت بزرگ بین‌المللی قرار می‌گیرند: نسل‌کشی، پاک‌سازی قومی، جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت. این دسته شامل طیف گسترده‌ای از موارد می‌شود؛ از تخریب‌های تاریخی مانند نابودی مسجد جامع کوردوبا در دوران بازپس‌گیری اسپانیا، تا موارد معاصر که توسط بازیگران

غیردولتی مثل داعش در پالمیرا و حتی برخی قدرت‌های بزرگ نظیر فشار بر مؤسسات فرهنگی تبت انجام شده‌اند.

حملات عمدی به فرهنگ صرفاً به خاطر خود فرهنگ به دو دسته تقسیم می‌شوند. هر دو نوع از این حملات را می‌توان «پاک‌سازی فرهنگی راهبردی» دانست؛ یعنی هدف‌گیری آگاهانه افراد و گروه‌ها بر اساس وابستگی فرهنگی، قومی یا مذهبی آن‌ها، همراه با تخریب عمدی و نظام‌مند میراث فرهنگی، انکار هویت فرهنگی، از بین بردن کتاب‌ها و نسخه‌های خطی، سنت‌ها و آیین‌ها، و نیز تخریب اماکن مذهبی، یادبودها و مراکز علمی و فرهنگی. حمله به نهادهای فرهنگی مردمی که هنوز حضور دارند، اغلب پیش‌درآمدی بر جنایات گسترده علیه بشریت است. با این حال، همان چارچوب سه‌گانه ICISS (کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولت‌ها)



برای نجات انسان‌ها همچنان مرتبط و مفید است، زیرا با واژگان رایج در میان باستان‌شناسان، متولیان میراث و نیازهای مقابله با پاک‌سازی فرهنگی هم‌راستا است. اگرچه «مداخله نظامی» غالباً عنوان جنجال‌برانگیز RPP است، اما طبق فرموله‌سازی اولیه، «پیشگیری مهم‌ترین بُعد مسئولیت برای حمایت است». در چارچوب ICISS، پرداختن به ریشه‌ها و علل مستقیم بحران‌ها مستلزم اقداماتی نظیر سامانه‌های هشدار اولیه، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های سیاسی، اقتصادی، حقوقی و نظامی و ارتقای حقوق بشر و برابری است. هدف از پیشگیری، آن است که با کمک به تقویت جامعه، اساساً نیازی به توسل به اقدامات قهری علیه دولت‌ها وجود نداشته باشد.

چه طرفدار مالکیت جهانی میراث فرهنگی باشیم چه حامی مالکیت ملی آن، باید اذعان کرد که تخریب میراث فرهنگی هم برای بشریت و هم برای خود دولت و شهروندان آن یک خسارت بزرگ است. از همین رو، پیشگیری از تخریب بدون تردید بسیار مطلوب‌تر از تلاش برای بازسازی پس از آن است.

دومین مسئولیت در چارچوب RPP (مسئولیت برای حمایت)، «واکنش» است که شامل ابزارهایی چون اعمال تحریم، عدالت کیفری بین‌المللی و در نهایت مداخله نظامی می‌شود. پیش از توسل به گزینه‌های مداخله‌گرانه، باید گزینه‌های ملایم‌تر بررسی شده و به‌طور کامل به کار گرفته یا کنار گذاشته شوند. استفاده

از نیروی نظامی باید فقط در شرایط اضطراری و برای پاسخ به بحران‌های شدید انسانی - و در ادامه آن، حملات گسترده به میراث فرهنگی - مورد استفاده قرار گیرد. برای حفاظت از میراث فرهنگی، مداخله زودهنگام نسبت به مداخله دیرهنگام بسیار مؤثرتر است. به عبارت دیگر، یا باید از تخریب گسترده جلوگیری کرد، یا پس از وقوع، به بازسازی پرداخت. مداخله زودهنگام برای پیشگیری از تخریب میراث فرهنگی، در واقع نوعی «پیشگیری» از وقوع جنایات جمعی علیه مردم نیز به‌شمار می‌آید، زیرا حمله به فرهنگ اغلب مقدمه‌ای بر حمله به انسان‌هاست.

هم ICISS و هم نسخه رسمی‌تر RPP که از سوی دولت‌ها در سطح بین‌المللی پذیرفته شد، تأکید می‌کنند که مسئولیت اولیه برای پیشگیری و واکنش به جنایات جمعی بر عهده خود کشورهاست، و جامعه بین‌المللی وظیفه دارد این ظرفیت را تقویت کرده و در صورت نیاز، وارد عمل شود. تا اواسط سال ۲۰۱۸، زبان و مفاهیم RPP در بیش از ۷۰ قطعنامه شورای امنیت و ۳۰ قطعنامه شورای حقوق بشر گنجانده شده است. همچنین مجمع عمومی سازمان ملل دفتر مشترک مشاور ویژه برای پیشگیری از نسل‌کشی و مسئولیت حمایت را تأسیس کرده است.

بازنویسی چارچوب اولیه کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولت‌ها (ICISS) توسط بان کی‌مون و گزارش‌های سالانه‌ی پیگیری او، سه ستون اصلی RPP را برجسته می‌کرد:

مسئولیت اولیه دولت‌ها، مسئولیت سایر کشورها برای کمک به ایجاد این ظرفیت در دولت‌ها، و مسئولیت جامعه بین‌المللی برای واکنش در صورتی که جنایات جمعی همچنان رخ دهند. با این حال، مسئولیت‌های سه‌گانه ICISS یعنی پیشگیری، واکنش و بازسازی - با ارجاعات مشخص و عملی - با منطق حفاظت از میراث فرهنگی همخوانی بیشتری دارند. علاوه بر این، ستون‌های سه‌گانه بان کی‌مون حساسیت بیشتری نسبت به اصل حاکمیت ملی دارند و نسبت به مداخله قهری نوعی پرهیز نشان می‌دهند؛ ویژگی‌ای که در محافل سازمان ملل رایج است، اما برای حفاظت مؤثر از میراث فرهنگی در شرایط بحرانی، از نظر مفهومی کمتر قانع‌کننده به نظر می‌رسد.

چارچوب اصلی ICISS حتی در میان مدافعان امنیت انسانی نیز محل مناقشه بود. برخی منتقدان معتقد بودند که ترتیب خطی و مکانیستی «پیشگیری-واکنش-بازسازی» ممکن است اجرای آن را دشوار کند. کشورهایی که تمایل به اقدام ندارند، می‌توانند با تفسیرهای سخت‌گیرانه از این ترتیب، مانع مداخله شوند؛ برای مثال، اگر بتوان ادعا کرد که همه راه‌حل‌های غیرقهری هنوز به‌طور کامل بررسی نشده‌اند،

در ذهن عموم مردم و در سیاست‌گذاری دولت‌ها، تخریب میراث فرهنگی به وضوح با گروه‌های تروریستی منفرده‌گره خورده است.

می‌توان هرگونه مداخله را زود هنگام و غیرموجه جلوه داد. همچنین، برای کشورهای مخالف، تأکید گزارش ICISS بر مسئولیت دولت‌ها در برابر مردم و تعهد آشکار به اصل حاکمیت مشروط، به‌ویژه در کشورهای جنوب جهانی، حساسیت‌های دیپلماتیک را تشدید کرد.

تخریب میراث فرهنگی اکنون نه‌تنها توجه متولیان فرهنگی، باستان‌شناسان، تاریخ‌دانان و فعالان را جلب کرده، بلکه رسانه‌ها و افکار عمومی را نیز درگیر کرده است. در حالی‌که انتظار می‌رود متخصصان درباره آثار در معرض خطر هشدار دهند، امروز آگاهی گسترده‌تری نسبت به ابعاد و اهمیت این تخریب‌ها

شکل گرفته است. بوداهای بامیان از نخستین نمونه‌هایی بودند که توجه جهانی را به خود جلب کردند، و این موضوع در پی تداوم حملات القاعده و داعش به گنجینه‌های فرهنگی دیگر همچنان در مرکز توجه باقی مانده است. تصاویر فراموش‌نشده‌ای چون تخریب پل موستار و کتابخانه‌های تیمبوکتو نیز اکنون بخشی از حافظه جمعی جهان را تشکیل می‌دهند.

علاوه بر این، در ذهن عموم مردم و در سیاست‌گذاری دولت‌ها، تخریب میراث فرهنگی به‌وضوح با گروه‌های تروریستی منفور گره خورده است؛ و از این‌رو، حفاظت از میراث فرهنگی وارد حوزه سیاست‌های کلان امنیت

بین‌المللی شده است.

در همین راستا، قطعنامه ۲۳۴۷ شورای امنیت سازمان ملل در سال ۲۰۱۷ این پیوند را آشکارا بیان می‌کند. در این سند آمده است که تخریب غیرقانونی میراث فرهنگی، غارت و قاچاق اموال فرهنگی در جریان درگیری‌های مسلحانه - به‌ویژه توسط گروه‌های تروریستی - و تلاش برای انکار ریشه‌های تاریخی و تنوع فرهنگی، می‌تواند موجب تشدید درگیری، ایجاد مانع برای آشتی ملی پس از جنگ، و در نهایت تضعیف امنیت، ثبات، حکمرانی، توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در کشورهای آسیب‌دیده شود. هم‌زمانی عوامل مختلف سیاسی،





اجتماعی و امنیتی، اکنون شرایط مساعدی برای انجام اقداماتی در جهت پیشگیری از تخریب‌های آتی میراث فرهنگی فراهم کرده است. علاوه بر زمینه سیاسی، حقوق بین‌الملل موجود نیز فرصت مناسبی برای حمایت از میراث فرهنگی فراهم می‌کند. کنوانسیون ۱۹۵۷ لاهه درباره قوانین و عرف‌های جنگ زمینی (معروف به لاهه چهارم) تخریب و تصرف اموال دشمن را ممنوع می‌کند، مگر در شرایطی که «ضرورت‌های جنگی آن را اجتناب‌ناپذیر کند». با اینکه موضوع اصلی این کنوانسیون اموال فرهنگی نیست، اما برخی انواع تخریب را شامل می‌شود. اساس نامه رم دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC) در سال ۲۰۰۲ تخریب عمدی میراث فرهنگی را صراحتاً جنایت جنگی اعلام کرده است. علاوه بر آن، برخی مفاد تعریف جنایت علیه بشریت در همین اساس نامه به گونه‌ای تفسیر می‌شوند که تخریب میراث فرهنگی را نیز دربرمی‌گیرند؛ این تفسیری است که دادستان فعلی دادگاه و برخی مفسران حقوق بین‌الملل پذیرفته‌اند. با این حال، کشورهایی که عضو دادگاه کیفری بین‌المللی نیستند، مشکلاتی در این زمینه ایجاد می‌کنند. برای مثال، لیبی با پنج سایت ثبت‌شده در فهرست میراث جهانی، از

سال ۲۰۱۶ در فهرست «میراث در خطر» یونسکو قرار گرفت، اما عضو ICC نیست. سوریه نیز در شرایط مشابهی قرار دارد. کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه برای حفاظت از اموال فرهنگی در صورت بروز درگیری مسلحانه، دولت‌های عضو را ملزم می‌کند که اقدامات پیشگیرانه‌ای برای محافظت از میراث فرهنگی در مرزهای خود انجام دهند و همچنین از آسیب زدن به میراث فرهنگی در کشورهای دیگر خودداری کنند. هرچند ماده ۱۹ این کنوانسیون وجود «درگیری‌های غیر بین‌المللی» - که در حقوق بشردوستانه بین‌المللی به جای «جنگ داخلی» به کار می‌رود - را به رسمیت می‌شناسد، اما میزان الزام‌آوری این کنوانسیون برای بازیگران غیردولتی همچنان محل بحث است. همچنین کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو درباره جلوگیری از واردات، صادرات و انتقال غیرقانونی مالکیت اموال فرهنگی، دولت‌ها را موظف می‌سازد تا از طریق قانون‌گذاری داخلی، زیرساخت‌های لازم برای حفاظت از میراث فرهنگی را ایجاد کنند. دولت‌های عضو باید از واردات غیرقانونی آثار جلوگیری کرده، در بازگرداندن آن‌ها همکاری کنند و در صورت بروز انتقال غیرقانونی،

با تعقیب قضایی مشارکت داشته باشند. دیپاچه‌ی کنوانسیون ۱۹۷۲ درباره حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان از «جامعه بین‌المللی به‌طورکل» دعوت می‌کند تا در حفاظت از میراث‌هایی با ارزش جهانی برجسته مشارکت کنند. این کنوانسیون از فضای شکل‌گرفته در پی کنفرانس ۱۹۷۲ استکهلم درباره محیط زیست انسانی بهره گرفت و به تأسیس «کمیته میراث جهانی» (WHC) و «صندوق میراث جهانی» (WHF) انجامید. در این سند، مسئولیت‌های دولت‌ها برای حفاظت از میراث ملی خود و گزارش‌دهی منظم به کمیته میراث جهانی مشخص شده، و انواع حمایت‌هایی که این نهاد می‌تواند ارائه دهد نیز تعریف شده‌اند. برخلاف دیگر اسناد حقوقی بین‌المللی، این کنوانسیون با عضویت ۱۹۳ کشور، گسترده‌ترین پذیرش جهانی را دارد. به‌طور خلاصه، علی‌رغم کاستی‌ها و ناهماهنگی‌هایی که وجود دارد، ابزارهای حقوقی بین‌المللی برای حفاظت از میراث فرهنگی در اختیار هست - به شرط آن که کشورهای عضو سازمان ملل متحد اراده اقدام داشته باشند. صرف غیرقانونی بودن تخریب فرهنگی، کفایت نمی‌کند؛ آن‌چه مورد نیاز است، چارچوبی متمرکز و فراگیر

برای صورت‌بندی مسئله، ایجاد یک رویداد کلیدی برای جلب منابع، و حمایت گسترده برای طراحی و اجرای راه حل‌هاست.

با توجه به رشد توجه جهانی و فضای سیاسی معاصر، اکنون زمان مناسبی است تا چارچوبی بین‌المللی برای تلفیق بهتر حفاظت از میراث فرهنگی با ابزارهای موجود در مقابله با جنایات جمعی طراحی و پیش برده شود. اما چگونه می‌توان حمایت گسترده‌ای برای چنین طرحی به وجود آورد؟

این پروژه جبهه‌های متعددی دارد: نظری، سیاسی، نظامی و پژوهشی. از نظر نظری، پرسش‌های بنیادینی همچنان مطرح‌اند. شاید مهم‌ترین آن این باشد که چه کسی حق مطالبه یا مداخله به نام میراث فرهنگی را دارد؟ تمرکز این پرسش‌ها عمدتاً بر حساسیت‌های سیاسی شدید در کشورهایی است که آثار باستانی زیادی دارند - کشورهایی که عمدتاً، ولی نه همگی، در جنوب جهانی قرار دارند.

اگرچه جهان شمولی میراث فرهنگی یکی از دلایل اصلی برای مداخله و بخشی از رویکرد جهان‌وطنانه ماست، اما این اصل مورد پذیرش همگانی نیست. جان مریمن چارچوب این بحث را با تقابل بین «بین‌المللی‌گرایی فرهنگی» و «ملی‌گرایی فرهنگی» ترسیم کرده است. امروزه، بخش قابل توجهی از بحث‌های پیرامون میراث فرهنگی، بر سر مالکیت است و دعوایی درباره

اینکه چه کسی مدعی اصلی و مشروع یک اثر است، مطرح می‌شود. اگرچه هدف از حفاظت الزاماً تعیین مالک اثر نیست، اما مداخله به نام آن‌ها ناگزیر این پرسش‌ها را به دنبال دارد: چه کسی حق مداخله دارد؟ چه نوع حمایتی مشروع است؟ و نفع آن برای چه کسانی است؟

مریمن رویکردی شیء‌محور پیشنهاد می‌دهد که بر ارزش ذاتی میراث فرهنگی تمرکز دارد. او به جای تعیین اولویت بین مدعیان مالکیت، سه معیار اصلی را مطرح می‌کند: حفاظت، حقیقت و دسترسی. یعنی کدام گزینه بیشترین حفاظت، بیشترین بهره‌وری علمی، و بیشترین دسترسی عمومی و تخصصی را به دنبال دارد؟ این رویکرد نتیجه‌گرایانه، پاسخ‌هایی عینی‌تر و دفاع‌پذیرتر از پاسخ‌های صرفاً ایدئولوژیک ارائه می‌دهد.

بخش دوم، بُعد سیاسی ماجراست: چگونه می‌توان حمایت سیاسی لازم را برای به کارگیری نسخه سه‌گانه اولیه R2P (پیشگیری، واکنش، بازسازی) در حوزه حفاظت از میراث فرهنگی جلب کرد، آن‌هم در شرایطی که اغلب یا بی‌تفاوتی دیده می‌شود یا مخالفت صریح. برخی قدرت‌های بزرگ هم‌اکنون گام‌هایی برداشته‌اند.

جبهه سوم شامل توسعه ظرفیت نظامی برای حفاظت از میراث فرهنگی است، زیرا مداخلات در این حوزه هنوز پیشینه محدودی دارند. در آوریل ۲۰۱۳، شورای امنیت سازمان ملل با اجماع قطعنامه ۲۱۰۰

را تصویب کرد و «هیئت چندبعدی تثبیت مالی (MINUSMA) را با حضور حدود ۱۲ هزار نیروی حافظ صلح ایجاد نمود. در مأموریت آن‌ها برای نخستین بار حفاظت از میراث فرهنگی نیز گنجانده شد: «برای کمک به مقامات انتقالی مالی، در صورت نیاز و امکان، جهت محافظت از سایت‌های فرهنگی و تاریخی این کشور در همکاری با یونسکو». این نخستین مأموریت سازمان ملل بود که حفاظت فرهنگی را به عنوان بخشی از عملیات صلح در نظر گرفت؛ و می‌تواند الگویی برای مأموریت‌های آتی با مشارکت بخش‌های مختلف نظام سازمان ملل باشد. در سال ۲۰۱۶، دولت ایتالیا تیپ نظامی «کلاه‌آبی‌های فرهنگی» را تشکیل داد و در ۲۰۱۷، نیروهای کارابینیری را نیز برای این منظور اختصاص داد. این تحولات می‌توانند زمینه‌ساز اقدامات آتی توسط ناتو، اتحادیه عرب، نیروهای دفاعی اتحادیه اروپا، ALIPH و شورای امنیت باشند.

چهارمین و آخرین نکته، نبود وضوح در چگونگی پیشبرد اقدامات در این جبهه‌هاست که نیاز به پژوهش بیشتر و بسیج سیاسی را برجسته می‌کند. در حالی که نتایج کمیته‌ها و کمیسیون‌های بین‌المللی از نظر میزان موفقیت متفاوت بوده، برخی از آن‌ها در پیشبرد سیاست عمومی بین‌المللی بسیار مؤثر واقع شده‌اند. به طور خاص، موفقیت ICISS نشان می‌دهد که شکل‌گیری ابتکاری مشابه

در حوزه میراث فرهنگی ممکن است، مشروط بر اینکه بر اساس سوابق حقوقی و مفهومی، حرکت در مسیر تحولات موجود، جلب حمایت قدرت‌های کلیدی، و تضمین مشارکت ذی‌نفعان مختلف طراحی شود.

در این مقاله بررسی کردیم که چگونه تحول در مفهوم حاکمیت، به‌کارگیری اصطلاح «پاک‌سازی فرهنگی» برای پیوند تخریب میراث با جنایات جمعی، و رویکرد شیء‌محور به میراث فرهنگی می‌تواند بستر شکل‌گیری چارچوبی قوی باشد. در کنار این پیشرفت‌های مفهومی و سیاسی، نیاز است که اسناد حقوقی بین‌المللی بیشتر به تصویب کشورها برسند؛ از جمله کنوانسیون‌های لاهه ۱۹۵۴ و ۱۹۵۷، اساس‌نامه رم دادگاه کیفری بین‌المللی، و کنوانسیون‌های یونسکو در سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۲.

در تمام مناطق جهان، هم طرفداران مالکیت ملی و هم حامیان مالکیت جهانی بر میراث فرهنگی حضور دارند. برخی موزه‌ها به دنبال تبدیل شدن به مراکز جامع جهانی هستند و هم مصرف‌کنندگان و هم تولیدکنندگان آثار باستانی در مناطق گوناگون پراکنده‌اند. این پیچیدگی ساختار منافع و بازیگران نشان می‌دهد که فرصت کنونی برای شکل‌دهی به چارچوبی جامع در زمینه حفاظت از میراث فرهنگی، منحصربه‌فرد و قابل استفاده است. با در نظر گرفتن اشکال مختلف تخریب میراث فرهنگی، هزینه‌های آن، و قوانین بین‌المللی موجود،

این مقاله به بررسی روند شکل‌گیری هنجار مسئولیت برای حمایت (RPP) و ارتباط آن با حفاظت از میراث فرهنگی پرداخته است.

تخریب میراث فرهنگی در جنگ‌ها نیز امر تازه‌ای نیست، اما این پدیده بیش از گذشته موجب انزجار گسترده در سطح بین‌المللی شده است. با این حال، در شرایطی که جهان از طریق جهانی‌سازی به هم نزدیک‌تر شده، بسیاری از دولت‌ها ادعای مالکیت انحصاری بر میراثی می‌کنند که در اصل جهانی و مشترک است. در چنین فضایی، دیدگاه‌های جهان‌وطنانه یا بین‌المللی‌گرایی فرهنگی، در گفت‌وگوهای سیاسی جای خود را به ملی‌گرایی فرهنگی داده‌اند.

گام بعدی ممکن، تشکیل یک کمیسیون بین‌المللی مستقل است. این کمیسیون باید طیف گسترده‌تری از تخصص‌ها را در بر گیرد - فراتر از چهره‌های صرفاً سیاسی یا دیپلمات - و شامل تاریخ‌دانان، انسان‌شناسان، باستان‌شناسان، مسئولان حقوقی و امنیتی، حقوق‌دانان بین‌المللی و متصدیان موزه‌ها باشد.

چنین گروهی می‌تواند مزایا و معایب سیاست‌ها و اقدامات ممکن را ارزیابی کند. با ترکیب مناسب و پشتیبانی مالی و سیاسی کافی، این نهاد می‌تواند آگاهی جهانی را افزایش دهد و مسیر تدوین یک راهبرد جدید را هموار سازد؛ راهبردی که در عین حال تقویت‌کننده قوانین بین‌المللی موجود نیز باشد. به‌طور مشخص، این نهاد می‌تواند ارزیابی

کند که چگونه می‌توان میراث فرهنگی را به‌عنوان بخشی از مأموریت‌های نهادهایی مانند شورای امنیت، شورای حقوق بشر، ناتو یا اتحادیه آفریقا در چارچوب RPP گنجانند. اگر این کار با دقت و تمرکز انجام گیرد، خطر تضعیف هنجار نوظهور RPP کاهش می‌یابد و نیازی به ایجاد هنجاری موازی نیست.

در واقع، تلاش برای جداکردن مردم از میراث‌شان، تلاشی بی‌ثمر است. نیازی به ایجاد سلسله‌مراتب میان حفاظت از غیرنظامیان و فرهنگ وجود ندارد، چراکه چنین دوگانه‌سازی‌ای اشتباه است؛ همان‌گونه که جداکردن انسان و محیط زیست از یکدیگر نادرست است. در گزارشی از سه سازمان غیردولتی که در سال ۲۰۱۶ منتشر شد و گرچه به خاورمیانه و آسیا اشاره داشت، اما مضمون آن جهانی بود، آمده است: «مبارزه برای حفاظت از مردم یک منطقه و میراث آن‌ها را نمی‌توان از هم جدا کرد.» ایرینا بوکوانیز بر این پیوند تأکید کرده و گفته بود: میراث زمانی هدف قرار می‌گیرد که بخواهند مردم را از هویت و ریشه‌هایشان جدا کنند. آن‌ها بین جان انسان‌ها و میراث انتخاب نمی‌کنند، هر دو را نابود می‌کنند تا ترس و آشوب ایجاد کنند. ما نیز نباید میان این دو انتخاب کنیم، بلکه باید در تلاش برای دفاع همزمان از جان انسان‌ها و میراث فرهنگی بکوشیم.

میراث فرهنگی در بسترهای مناقشه و پس از مناقشه:

سلاحی برای جنگ و ابزاری برای صلح

نویسنده: جسیکا کراوس



این مقاله در بخش اول خود، مروری کوتاه بر تاریخچه داعش و نابودی میراث فرهنگی در قلمرویی که زمانی ادعای تصاحب آن را داشت، ارائه می‌دهد. بخش دوم به بررسی این می‌پردازد که چگونه میراث فرهنگی می‌تواند توسط نیروهای متخاصم به‌عنوان ابزاری در جنگ به کار رود و در مقابل، چگونه حفاظت از آن می‌تواند اثرات منفی این اقدامات را خنثی کند. بخش سوم نیز چگونگی استفاده مثبت از میراث فرهنگی در روند صلح‌سازی را بررسی می‌کند؛ از جمله بهره‌گیری از قوانین و سازوکارهای حقوقی برای پیگرد و مجازات عاملان تخریب، و نقش تعامل با میراث فرهنگی در ترمیم و بازسازی روحیه یک جامعه.

بخش اول: تاریخچه‌ای کوتاه از

داعش و میراث فرهنگی

داعش یک خلافت خودخوانده اسلامی سنی است که ریشه‌های آن به سال ۲۰۰۳ و حمله ایالات متحده به عراق بازمی‌گردد. «ابومصعب الزرقاوی»، مبارز اردنی و رهبر یک گروه مسلح، با القاعده متحد شد و شروع به هدف قرار دادن شیعیان، اماکن مقدس شیعه، نیروهای نظامی بین‌المللی و متحدان محلی آنان کرد. پس از کشته شدن الزرقاوی، «ابوبکر البغدادی» رهبری گروه را بر عهده گرفت. در این زمان، گروه نام «داعش» را برگزید تا جاه‌طلبی خود برای تشکیل خلافت را نشان دهد.

البغدادی از حضور آمریکا در عراق به‌عنوان ابزاری تبلیغاتی برای جذب نیرو استفاده کرد، از جمله جذب اعضای

حزب بعث صدام حسین که در دوران حبس در زندان‌های تحت اداره آمریکا با او ملاقات داشتند. بر اساس دستور ایالات متحده، این اعضا هرگز اجازه فعالیت دوباره در دولت را نیافتند و همین امر سبب کینه‌ورزی آنان نسبت به اشغالگران آمریکایی شد. داعش از این احساس تبعیض بهره برد و توانست نه تنها از میان اعضای سابق بعث، بلکه از میان اهل سنت نیز نیرو و حمایت مالی جذب کند. آغاز جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱ و بی‌ثباتی پس از آن، فرصت بیشتری برای گسترش قدرت نظامی، اجتماعی و جغرافیایی داعش فراهم آورد.

داعش در سال ۲۰۱۴ توجه گسترده‌ای را جلب کرد؛ هم از سوی جامعه بین‌المللی که در پی متوقف کردن آن بود، و هم از سوی افرادی که خواهان پیوستن به آن بودند. چندین پیروزی نظامی مهم به این گروه اجازه داد قلمرو خود را گسترش دهد و نیروهای بیشتری جذب کند. با عملیات داعش بدل شد. داعش در آنجا ساختارهایی حکومتی ایجاد کرد یا بر نهادهای اداری، نیروهای پلیس، آموزش و زیرساخت‌ها. این گروه تا سال ۲۰۱۶



در طول کارزار نظامی خود، داعش به

برخی از کهن‌ترین و غنی‌ترین مناطق

فرهنگی جهان یورش برد. این گروه

آگاهانه و به‌طور علنی بخش قابل توجهی

از میراث فرهنگی منطقه را نابود کرد.

قدرتمند باقی ماند تا آنکه نیروهای نظامی بین‌المللی و محلی شروع به بازپس‌گیری بخش‌هایی از قلمرو آن کردند. امروز، گرچه داعش همچنان وجود دارد، اما قدرت آن به‌طور چشمگیری کاهش یافته و از بیشتر قلمرویی که مدعی آن بود، رانده شده است.

در طول کارزار نظامی خود، داعش به برخی از کهن‌ترین و غنی‌ترین مناطق فرهنگی جهان یورش برد. این گروه آگاهانه و به‌طور علنی بخش قابل توجهی از میراث فرهنگی منطقه را نابود کرد. در سوریه، شش سایت میراث فرهنگی ثبت‌شده رسمی وجود داشت که همه آن‌ها به درجات مختلف توسط داعش آسیب دیدند. بسیاری از مکان‌های دیگر که در فهرست یونسکو ثبت نشده اما دارای ارزش باستان‌شناختی، مذهبی یا فرهنگی بودند نیز غارت، تخریب یا نابود شدند.

در سوریه، شهر حلب از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ تحت اشغال داعش بود و در این مدت چندین نبرد ویرانگر در آن روی داد. حلب پیش از اشغال داعش، آثاری از دوره‌های یونان و روم باستان را در خود داشت و مساجد، کلیساها و کاخ‌هایی از دوره‌های مختلف تاریخی

را در برمی‌گرفت. ویرانی گسترده این شهر برای ساکنان و جامعه بین‌المللی فاجعه‌بار بود.

یکی از مشهورترین نمونه‌های تخریب میراث فرهنگی، در «پالمیرا» رخ داد؛ شهری ثبت‌شده در فهرست میراث جهانی یونسکو که بقایای معماری و باستان‌شناسی شگفت‌انگیزی از قرن نخست میلادی را در خود جای داده بود. با وجود تلاش‌ها برای خارج کردن برخی اشیای موزه پالمیرا پیش از ورود داعش، این گروه توانست بخش‌های غیرقابل انتقال را نابود کرده و بخش زیادی از آثار باقی‌مانده را تخریب کند. داعش «طاق نصرت»، معابد «بل» و «بعل شمین»، و تماشاخانه رومی را منفجر کرد. هنگامی که «خالد الاسعد»، مدیر باستان‌شناسی موزه، از افشای محل نگهداری برخی اشیای دیگر خودداری کرد، به اتهام بت‌پرستی او را اعدام کردند.

چنین رفتارهایی محدود به این دو شهر نبود. در سراسر سوریه و عراق، داعش آثار بی‌قیمت را نابود و بسیاری دیگر را غارت کرد. اعضای گروه اغلب این اقدامات را با هدف تبلیغ و ایجاد رعب انجام می‌دادند، ویدئوهایی از تخریب‌ها تهیه و منتشر می‌کردند و موجی از اعتراض جهانی برمی‌انگیختند. همان‌طور که این مقاله نشان خواهد داد، اقدامات داعش نه تنها در راستای اهداف مذهبی خود بود، بلکه بخشی از راهبرد نظامی آن برای تأمین مالی کارزار جنگی و ضربه زدن به مخالفان و حتی مردمی که قصد حکومت بر آنان

داشت نیز محسوب می‌شد.

چگونگی بهره‌برداری مالی

داعش از میراث فرهنگی

در اوایل سال ۲۰۱۵، داعش ویدئویی منتشر کرد که در آن نیروهای این گروه در حال تخریب آثار موجود در موزه موصل دیده می‌شدند؛ اقدامی که ظاهراً با هدف نشان دادن پایبندی آن‌ها به مبارزه با تصاویر «بت‌پرستانه» انجام شد. هرچند بعدها مشخص شد که برخی از آثار تخریب‌شده تنها نسخه‌های کپی بودند، اما بسیاری از قطعات اصیل واقعاً نابود شدند. چند هفته بعد، شماری از آثار دیگر موزه در بازار هنری اروپا پدیدار شد. اندکی بعد، گزارش‌هایی منتشر شد که نشان می‌داد آثار غارت‌شده توسط داعش به ترکیه، بلغارستان و حتی لندن راه یافته‌اند. این امر نشان داد که داعش، برخلاف شعارهای مذهبی خود، نه تنها برخی آثار را نابود می‌کرد، بلکه بخش دیگری از آن‌ها را برای کسب سود در بازار سیاه به فروش می‌رساند.

موفقیت داعش در کارزارهایش تا حد زیادی به دلیل ثروت عظیم آن بود. در سال ۲۰۱۴، یعنی در اوج قدرت داعش، فروش غیرقانونی آثار باستانی در بازار سیاه به‌عنوان دومین منبع درآمد این گروه تروریستی شناخته می‌شد؛ برآوردهایی وجود دارد که این درآمد را بیش از ۱۰۰ میلیون دلار تخمین می‌زنند. برای بهره‌برداری حداکثری از این منبع سودآور، داعش از ترکیبی از فروش مستقیم در بازار سیاه، دور زدن

شد که ظاهراً برای فروش آماده شده بودند. به گفته مقام‌های روس، آثاری متعلق به داعش در حراجی‌های آنلاین و حتی شبکه‌های اجتماعی نیز مشاهده شده‌اند. در برخی مناطق، داعش مستقیماً مسئول سفارش تجهیزات و استخدام نیروی انسانی لازم برای حفاری‌های گسترده بود.

نکته جالب توجه این است که به نظر می‌رسد داعش دانش قابل‌توجهی درباره ارزش آثار باستانی داشته است، این در حالی است که همان گروه پیش‌تر در ویدئوهای تخریب، حتی متوجه نشده بود برخی آثار نابود شده کپی بوده‌اند. همین امر موجب شده برخی تحلیلگران گمان کنند که احتمالاً باستان‌شناسان حرفه‌ای در میان اعضای داعش فعالیت می‌کردند.

بود. همچنین، این گروه بر افرادی که در تجارت آثار ارزشمند فعالیت داشتند، مالیات‌ها و جریمه‌های سنگینی اعمال می‌کرد؛ مالیاتی که گاه تا ۵۰ درصد می‌رسید و منبع مالی قابل‌توجهی برای داعش فراهم می‌کرد، به‌ویژه زمانی که ارزش برخی اقالام به صدها هزار یا حتی میلیون‌ها دلار می‌رسید.

داعش نه تنها مجوز حفاری صادر می‌کرد، بلکه به‌طور مستقیم نیز در حفاری، غارت و فروش آثار باستانی دست داشت. شواهد نشان می‌دهد که این گروه تمام تجارت غیرقانونی آثار را به دارندگان مجوز محدود نکرده بود. برای مثال، زمانی که مقر «رئیس امور مالی» داعش کشف شد، آثار باستانی سالم و عکاسی‌شده‌ای پیدا

مقررات بین‌المللی و استفاده ابزاری از میراث فرهنگی منطقه برای تأمین مالی عملیات‌های خود بهره می‌برد. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، داعش خود را مانند یک دولت سازمان‌دهی کرده بود و همچون دولت‌ها، از نهادهای حکومتی برای نظارت و کسب سود در حوزه‌های مختلف استفاده می‌کرد. یکی از این نهادها «اداره منابع طبیعی» بود که هر شخصی را که می‌خواست در قلمرو داعش حفاری کند، ملزم به دریافت مجوز می‌کرد. این اقدام به داعش اجازه می‌داد تا بر تمامی محوطه‌های دارای ارزش بالقوه نظارت کامل داشته باشد. علاوه بر این، اعطای مجوزها با شرط پرداخت سهم قابل‌توجهی از سود حفاری به «دولت» داعش همراه



در آلمان نازی، برای از میان برداشتن نمادهای یهودیت، کنیسه‌ها را به آتش کشیدند. در جنگ‌های یوگسلاوی سابق نیز، از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵، پاکسازی قومی گسترده‌ای علیه مسلمانان بوسنی صورت گرفت. این پاکسازی‌ها نه تنها شامل کشتار و حملات وحشیانه بود، بلکه «مساجد، کلیساهای کاتولیک، موزه‌ها، کتابخانه‌ها و آرشیوها» را هم هدف قرار داد. ارتش بوسنی-صرب در سارایوو عمداً مساجد، کلیساهای کاتولیک، کتابخانه ملی و مؤسسه شرق‌شناسی را ویران کرد. بسیاری از این تخریب‌ها در مکان‌هایی رخ داد که حتی در آن زمان درگیری نظامی مستقیمی وجود نداشت؛ بنابراین نمی‌توان آن‌ها را به عنوان «خسارت جانبی جنگ» توجیه کرد. این حملات هدفمند و برنامه‌ریزی‌شده، برای شکست و حذف کامل یک گروه از بافت اجتماعی و فرهنگی کشور انجام می‌شد.

به بیان دیگر، «با وارد آوردن آسیب فرهنگی به نسل حاضر، دشمن تلاش می‌کند نسل‌های آینده را از ریشه‌های خود جدا کند و درک آن‌ها از اینکه چه کسی هستند و از کجا آمده‌اند را نابود سازد.» تخریب میراث فرهنگی همچنین موجب کاهش دیده‌شدن آن فرهنگ در سطح جهانی می‌شود و ضربه دیگری به هویت آن گروه وارد می‌کند.

حملات داعش نیز مشابه همین الگو بود. این حملات اغلب در مناطقی انجام می‌شد که تحت کنترل نظامی داعش قرار داشت و هیچ نبرد

اعمال کرد، جوامع را نابود ساخت و تخریب میراث فرهنگی بازسازی آن جوامع را به مراتب دشوارتر کرد. بوکوادرسال ۲۰۱۴، در جریان بازدید از شمال عراق و مشاهده معابد یزیدی تخریب‌شده توسط داعش، گفت: «شما معابدشان را نابود می‌کنید، آنچه دارند از آن‌ها می‌گیرید، نیمی از آن‌ها را به بردگی می‌گیرید، آن‌ها را به جای دیگری می‌رانید. این چیزی فراتر از پاکسازی قومی است، زیرا هویتشان را از آن‌ها می‌گیرید. می‌خواهید آن‌ها را به‌طور کامل نابود کنید، نمی‌خواهید چیزی از فرهنگشان برای بشریت باقی بماند. انگار هرگز وجود نداشته‌اند.» اینکه با آزار، سرکوب و نابود کردن میراث فرهنگی، یک فرهنگ به‌طور کامل از صفحه تاریخ حذف شود، همان چیزی است که بوکوا و بسیاری دیگر از آن با عنوان «پاکسازی فرهنگی» یاد می‌کنند. این مفهوم البته جدید نیست.



تخریب و سرقت میراث فرهنگی به عنوان سلاح اجتماعی و اقتصادی

داعش تنها با هدف تأمین مالی کارزار خود به میراث فرهنگی حمله نمی‌کرد؛ بلکه تخریب این مکان‌ها و آثار که برای مردم منطقه اهمیت عمیق تاریخی، مذهبی و هویتی داشتند، بخشی از یک راهبرد نظامی حساب‌شده بود. نابودی میراث فرهنگی - که نه تنها شامل مکان‌ها و اشیای ملموس، بلکه زبان، دین و آیین‌ها را نیز در بر می‌گیرد - ابزاری است که رنج و بی‌خانمانی یک ملت را دائمی می‌سازد.

دیرکل وقت یونسکو، «ایرینا بوکوا»، درباره تخریب‌های حلب گفته بود: «نابودی میراث سوریه یعنی کشتن مردم سوریه برای بار دوم.» تروریسمی که داعش در سراسر منطقه

باستان‌شناس سوری، «اسلام‌الکنترا»، پیوند شخصی

خود با پالمیرا را چنین بیان می‌کند:

«عشق خاصی به پالمیرا دارم، چون معبد بل جایی

است که مادرم در آن به دنیا آمد... داستان‌های زیادی

درباره این ساختمان شنیده‌ام؛ اینکه مردم چگونه از این

فضا استفاده می‌کردند، بچه‌ها چطور بازی می‌کردند، از

جمله مادرم. این معنای واقعی میراث است»



که دولت سوریه سال‌ها از آن به عنوان نماد ملی استفاده می‌کرد. با نابودی کامل این شهر باستانی، داعش عملاً نمادی را از بین برد که فارغ از قومیت یا مذهب، همه سوری‌ها با آن احساس پیوند فرهنگی مشترک داشتند.

پالمیرا نه تنها یک مرکز باستان‌شناسی، بلکه یک چهارراه فرهنگی در طول تاریخ بود؛ جایی که تمدن‌های سراسر منطقه و حتی فراتر از آن به هم می‌رسیدند. این تعاملات فرهنگی در میراث ملموس موجود در سایت بازتاب یافته بود.

با ایده جامعه «پاک و بسته» مورد نظرشان بودند. با نابودی این مکان‌ها، داعش می‌خواست هر گونه ارتباط جامعه با فرهنگ‌ها و هویت‌های دیگر را قطع کرده و تنها روایت و پیوند مورد تأیید خود را باقی بگذارد.

به عبارت دیگر، داعش از تخریب میراث فرهنگی «برای حذف هر نمادی از دیگری» که با ایدئولوژی و روایتش در تضاد بود، استفاده می‌کرد و همزمان امکان بازسازی تاریخ پیشین آن جوامع را از بین می‌برد.

تخریب میراث فرهنگی به عنوان

حمله‌ای نمادین، اقتصادی و

مذهبی

داعش آشکارا تخریب میراث فرهنگی را اقدامی هماهنگ برای نابودی آنچه «ملی‌گرایانه» می‌خواند، توصیف کرده است. برای مثال، پالمیرا سایتی بود

فعالی در اطراف آن‌ها جریان نداشت، بنابراین نمی‌توانست به عنوان خسارت جانبی یا ضرورت نظامی توجیه شود. این اقدامات علاوه بر جنبه تبلیغاتی، بخشی از یک راهبرد برای ایجاد رعب و وحشت بود.

یکی از نمونه‌ها، نابودی آرامگاه حضرت یونس (ع) در عراق بود؛ شخصیتی که هم در انجیل، هم در تورات و هم در قرآن ذکر شده است. این مکان نماد مشترک احترام و تقدس برای سه دین بزرگ بود. با تخریب این آرامگاه، داعش نه تنها حق بازاندیشی و تأمل در معنای مذهبی چنین پیامبری را نابود کرد، بلکه نماد وحدت ادیان مختلف را هم از بین برد. داعش همچنین به طور ویژه مکان‌هایی را هدف قرار می‌داد که در فهرست میراث جهانی یونسکو یا در فهرست موقت ثبت جهانی بودند. از نگاه ایدئولوژی افراطی داعش، این مکان‌ها و آثار نشانه‌ای از پیوند با «جهان غرب و استعمار» و در تضاد



بازسازی آثار تخریب شده مردم

رادرگیر فرآیند احیای فرهنگی

می کند و به آن ها احساس

هدف، تعلق و امید می دهد.

نابودی مکانی که هم به دولت کنونی سوریه و هم به رهبران تاریخی از دوران امپراتوری روم پیوند داشت، داعش توانست از این تخریب هم به عنوان نمادی تبلیغاتی و هم به عنوان تاکتیک ایجاد رعب استفاده کند. در چارچوب جاه طلبی برای برپایی خلافت، این گروه با نابودی ابزاری که دولت سوریه برای ایجاد وحدت به کار می برد، ضربه ای به روحیه مردم وارد کرد و احتمال مقاومت در برابر اشغال گری اش را کاهش داد.

اما این روش های تخریب تنها ضربه ای نمادین نبود. پالمیرا فقط یک محوطه باستان شناسی نبود؛ مردم در آن زندگی می کردند و از ویرانه های تاریخی برای نیازهای روزمره خود بهره می بردند. باستان شناس سوری، «سلام الکنتر»، پیوند شخصی خود با پالمیرا را چنین بیان می کند:

«عشق خاصی به پالمیرا دارم، چون معبد بل جایی است که مادرم در آن به دنیا آمد... داستان های زیادی درباره این ساختمان شنیده ام؛ اینکه مردم چگونه از این فضا استفاده می کردند، بچه ها چگونه بازی می کردند، از جمله مادرم. این معنای واقعی میراث است» تنها معماری یا آثار تاریخی نیست که نمایانگر گذشته باشد، بلکه خاطرات و پیوند نیاکانی با یک مکان است.»

این گفته به روشنی نشان می دهد

که چنین مکان هایی نه تنها برای افرادی که با آن ها پیوند فرهنگی انتزاعی دارند، بلکه برای کسانی که مستقیماً تحت کنترل داعش قرار می گیرند، چه اهمیتی دارد. با نابود کردن این پیوندهای فیزیکی با اجداد و جامعه، داعش روحیه مردم را تضعیف کرد و انگیزه مقاومت را کاهش داد.

تأثیر اقتصادی تخریب

حتی وقتی سایت های نابود شده پیوند مستقیم فرهنگی با جامعه ندارند، باز هم تخریب آن ها ضربه اقتصادی بزرگی وارد می کند. مکان هایی مانند پالمیرا یا موزه موصل منبع درآمدی برای کارکنان و همچنین جامعه پیرامون از طریق گردشگری بودند. پیش از آغاز جنگ داخلی ۲۰۱۱، گردشگری حدود ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی سوریه و ۱۸ درصد اشتغال را به خود اختصاص داده بود. نابودی این منابع درآمدی، خود مختاری فردی و اجتماعی را از میان برد و مردم را به سمت وابستگی به تنها گروه باقی مانده — یعنی داعش — سوق داد. بی ثباتی اقتصادی همچنین باعث می شود منطقه برای زندگی جذاب نباشد و ترکیب این وضعیت با نابودی هویت فرهنگی، بازگشت آوارگان را کم احتمال می کند. این امر روند بازسازی را کند می سازد و فضا را برای رشد دوباره گروه های تروریستی جدید مهیا می کند.

حمله به آزادی مذهبی

بسیاری از این حملات تأثیر مستقیم

بر توان مردم برای انجام آزادانه مناسک مذهبی داشت و اغلب با همین نیت صورت می گرفت. داعش هر چند ایدئولوژی خود را بر تفسیر تحریف شده ای از آموزه های اسلامی بنانهاده، اما هدفش «پاکی مذهبی» بود. تخریب مکان های مذهبی متعلق به ادیان دیگر تلاشی آشکار برای جلوگیری از هر نوع پرستش غیر از اسلام مورد نظر داعش بود. این اقدام، که در واقع حذف فیزیکی گزینه های مذهبی جایگزین است، یکی از مهم ترین ابعاد زندگی مردم را از بین می برد، بعدی که می تواند در زمان بحران و جنگ، تسلی بخش و امیدبخش باشد.

چگونگی نقش حفاظت از میراث

فرهنگی در ایجاد صلح پایدار

حفاظت پیشگیرانه از میراث فرهنگی و بازسازی جبرانی آن می تواند اثرات منفی ناشی از تخریب و سرقت را که پیش تر توضیح داده شد، تا حد زیادی خنثی کند. چارچوب های حقوقی برای حفاظت از میراث فرهنگی پیش تر ایجاد شده و همین امر امکان اقدام فعال برای جلوگیری از تخریب در کشورهای مانند سوریه و عراق را فراهم می آورد.

وقتی میراث فرهنگی حفظ یا بازسازی شود، قربانیان جنگ و مناقشه لنگری برای اتصال به گذشته پیدا می کنند. این اتصال به آن ها کمک می کند گذشته خود را درک کرده و در بازسازی هویت فردی و جمعی موفق تر عمل کنند. دسترسی به میراث فرهنگی ملموس، در

فضای پس از مناقشه، نقشی مهم در مشروع سازی یا سلب مشروعیت از جریان های سیاسی دارد، به ویژه زمانی که یک دولت تازه در تلاش است روایت ملی جدیدی ایجاد کند.

حفاظت از میراث فرهنگی، دسترسی جامعه به روایت شکل گیری هویت و ارزش هایش را حفظ می کند و این روایت به رهبران بازسازی کمک می کند تا از ارزش های مشترک مردم در جهت بازآفرینی کشور بهره ببرند. در این شرایط، رهبران مشروعیت بیشتری برای اداره کشور پیدا می کنند، زیرا بازسازی نه بر مبنای تحمیل خارجی، بلکه بر پایه هویت و حافظه جمعی صورت می گیرد. میراث فرهنگی به نمادی از این روایت و به نوعی به نماد پیروزی بر سختی ها بدل می شود.

فرایند حفاظت و بازسازی همچنین از نظر اقتصادی و امنیتی مزایایی دارد. نخست اینکه با حفاظت پیشگیرانه از آثار، مانع از آن می شود که این میراث به منبع درآمد گروه های تروریستی تبدیل شود، همان طور که داعش از آن استفاده کرد. دوم، بازسازی آثار تخریب شده مردم را درگیر فرآیند احیای فرهنگی می کند و به آن ها احساس هدف، تعلق و امید می دهد.

علاوه بر این، پروژه های بازسازی فرصت های پژوهشی و آموزشی جدید ایجاد می کنند. باستان شناسان و متخصصان مرمت می توانند روش های نوینی برای حفاظت از بناها و آثار تخریب شده ابداع کنند و این روند می تواند به آموزش جوامع محلی و انتقال مهارت های فنی نیز بینجامد. نمونه موفق آن را می توان

در تیمبوکتو در مالی دید، جایی که بازسازی چندین مکان مذهبی و تاریخی نه تنها هویت فرهنگی را احیا کرد، بلکه به آموزش و توانمندسازی مردم محلی نیز انجامید. پروژه های مشابهی نیز برای سوریه در حال برنامه ریزی است.

در داخل سوریه هم تلاش هایی برای حفاظت و بازسازی آنچه از میراث پس از داعش باقی مانده، صورت گرفته است. یکی از نمونه ها، پروژه Safeguarding the Heritage of Syria and Iraq (SHOSI) است که با باستان شناسان محلی همکاری می کند، برخی از آن ها برای شرکت در نشست ها مجبورند مخفیانه از مناطق تحت کنترل داعش خارج و دوباره بازگردند. این سازمان با آموزش مردم محلی، آن ها را با شیوه های ساده اما مؤثر برای حفاظت از میراث آشنا می کند؛ از مرمت آثار با استفاده از وسایل ساده آشپزخانه گرفته تا ابداع روش های پنهانی برای خارج کردن اشیای ارزشمند از مناطق تحت کنترل داعش بدون جلب توجه.

بخش سوم: میراث فرهنگی

به عنوان ابزار صلح

با وجود اینکه میراث فرهنگی در طول تاریخ و در مناطق مختلف جهان بارها به عنوان سلاح جنگی به کار رفته است، این میراث می تواند نقشی کلیدی در صلح سازی ایفا کند. این نقش را می توان در دو بعد اصلی دید:

۱. بعد حقوقی و قضایی:

در زمینه جبران خسارت و عدالت پس از مناقشه، قوانین بین المللی مسیرهایی برای پیگرد عاملان تخریب عمدی میراث فرهنگی فراهم می کنند.

دبیرکل وقت یونسکو، «ایرینا بوکوا»،

درباره تخریب های حلب گفته بود:

«نابودی میراث سوریه یعنی کشتن مردم»

سوریه برای بار دوم.

یکی از مهم ترین اسناد در این زمینه، کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه برای حفاظت از اموال فرهنگی در صورت بروز مناقشه مسلحانه است که پس از ویرانی های گسترده جنگ جهانی دوم تصویب شد. این کنوانسیون، اموال فرهنگی را شامل ساختمان ها، اشیای منقول و غیر منقول ارزشمند و مراکز فرهنگی می داند و آسیب رساندن به آن ها را جرمی علیه بشریت تعریف می کند.

۲. بعد اجتماعی و فرهنگی:

مردم می توانند با بازپس گیری سنت ها و عناصر فرهنگی خود و حتی با پذیرش آثار مناقشه به عنوان بخشی از روایت آینده، روند بهبود را ادامه دهند. میراث فرهنگی، چه از طریق آثار ملموس و چه از طریق تجربه ها و آیین ها، بستری فراهم می کند تا جوامع امنیت هویتی پیدا کنند و این امنیت به تثبیت تلاش های صلح سازی کمک می کند.

البته در اجرای این قوانین، چالش هایی وجود دارد. برخی

**تمام این توافقات بین‌المللی
مبنایی حقوقی برای اقدام
جهانی علیه عاملان تخریب
میراث فرهنگی فراهم می‌کنند،**

استدلال می‌کنند که استانداردهای کنوانسیون لاهه در جنگ‌های داخلی یا مناقشات غیربین‌المللی به درستی اجرا نمی‌شوند یا اصلاً قابل اجرا نیستند. همچنین اعمال مجازات‌ها به عهده دولت‌های عضو گذاشته شده و یک نهاد بین‌المللی مستقل برای اجرای یکپارچه آن وجود ندارد. توافقنامه ۱۹۷۰ یونسکو در واکنش به غارت گسترده میراث فرهنگی در کشورهای آفریقایی در دهه ۱۹۶۰ تدوین و امضا شد. این کنوانسیون نسبت به کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه رویکردی ملی‌محورتر داشت و بیشتر بر اثرات قاچاق و غارت بر میراث یک کشور تمرکز می‌کرد. کشورهای عضو متعهد شدند که از تجارت میراث فرهنگی غارت‌شده جلوگیری کنند، واردات چنین اشیایی را ممنوع سازند و برای بازگرداندن آن‌ها اقدام کنند. پس از آن، در سال ۱۹۷۲، کنوانسیون میراث جهانی یونسکو تصویب شد که کمیته بین‌دولتی حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی با ارزش برجسته جهانی (کمیته میراث جهانی) را بنیان گذاشت. این کمیته مسئول تعیین و ثبت مکان‌ها در فهرست میراث جهانی است. سوریه و عراق در مجموع ده سایت ثبت‌شده در این فهرست

دارند. این کنوانسیون همچنین تغییر مهمی در اصطلاحات ایجاد کرد و از واژه «اموال فرهنگی» به «میراث فرهنگی» گذر کرد، که دامنه تعریف را گسترش داده و حفاظت‌ها را به زمان صلح نیز تسری داد. به این ترتیب، کنوانسیون ۱۹۷۲ مکمل کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه محسوب می‌شود، نه جایگزین آن.

در سال ۱۹۷۷، پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه تصویب شد. ماده ۵۳ این پروتکل، اموال فرهنگی را شامل بناهای تاریخی، آثار هنری یا اماکن مذهبی که میراث فرهنگی یا معنوی مردم محسوب می‌شوند، می‌داند. این ماده حمله به میراث فرهنگی یا استفاده از آن در حمایت از اهداف نظامی را ممنوع می‌کند. ماده ۱۶ نیز تأکید می‌کند که این سند تنها بر حمایت‌های کنوانسیون ۱۹۵۴ می‌افزاید و از آن نمی‌کاهد، و این حمایت‌ها حتی در صورتی که طرف‌ها عضو کنوانسیون ۱۹۵۴ نباشند، اعمال می‌شود.

در سال ۱۹۹۵، کنوانسیون UNIDROIT امضا شد که اعضا را ملزم به بازگرداندن اموال فرهنگی موجود در اختیارشان به کشور مالک می‌کرد. این امر به کشورهای که میراث فرهنگی‌شان به سرقت رفته، حق مطالبه بازگشت آن را می‌دهد. در سال‌های اخیر، مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌ای با عنوان «نجات میراث فرهنگی عراق» تصویب کرد و در آن اعلام داشت که تخریب عمدی اموال فرهنگی می‌تواند به عنوان جنایت جنگی تلقی شود.

در سال ۱۹۹۹، پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه تصویب شد که هدفش همگرایی و یکپارچه‌سازی توافقات بین‌المللی پیشین برای حفاظت جامع از میراث فرهنگی در زمان صلح و جنگ بود. با این حال، محدودیت مهمی در این زمینه وجود دارد: عراق و سوریه عضو این پروتکل نیستند و در نتیجه تحت حمایت مستقیم آن قرار نمی‌گیرند.



تمام این توافقات بین‌المللی مبنایی حقوقی برای اقدام جهانی علیه عاملان تخریب میراث فرهنگی فراهم می‌کنند، اما اینکه آیا کشورهای

عضو واقعاً به تعهدات خود پایبند می‌مانند و تحریم‌هایی را در حمایت از این توافقات اعمال می‌کنند یا نه، پرسشی همیشگی در حقوق بین‌الملل است.

در حوزه قضایی، نمونه‌های مهمی برای حمایت از میراث فرهنگی وجود دارد. در سال ۲۰۱۶، دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC) «احمد الفقی المهدی» را به جرم تخریب

کسانی را هدف قرار می‌داد که همانند این گروه اسلام را تفسیر نمی‌کردند. المهدی به جرم خود اعتراف کرد و به جنایت جنگی محکوم شد. این پرونده چند نکته مهم برای مطالعه موردی داعش دارد: نخست اینکه المهدی صرفاً به دلیل تخریب میراث فرهنگی محکوم شد و هیچ اتهام دیگری علیه او مطرح نبود. دوم اینکه این اقدام در چارچوب یک مناقشه داخلی صورت گرفت و پای بازیگران بین‌المللی در میان نبود.

دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق (ICTY)، که در سال ۱۹۹۳ با قطعنامه شورای امنیت تأسیس شد، نیز آرای مهمی در حوزه میراث فرهنگی صادر کرده است. در پرونده «دادستان علیه استروگارا»، دادگاه تخریب میراث فرهنگی را، همان‌طور که در ماده ۳ اساسنامه ICTY تعریف شده، نقض عرف‌های جنگ دانست. در پرونده‌ای دیگر نیز نتیجه مشابهی حاصل شد و از کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه برای تکمیل اساسنامه استفاده شد. هرچند این پرونده‌ها اتهامات مرتبط با میراث فرهنگی را در کنار اتهامات دیگر بررسی کردند، اما اهمیت جایگاه میراث فرهنگی در عرصه حقوق بین‌الملل را به‌خوبی نشان دادند.

اعمال این چارچوب حقوقی در

سوریه و عراق

به طور کلی، سه مسیر اصلی برای پیگرد قضایی اعضای داعش در ارتباط با میراث فرهنگی وجود دارد. نخست، دادگاه‌های داخلی عراق یا سوریه، یا دادگاه‌های کشورهای مبدأ اعضای داعش، می‌توانند محل رسیدگی به این پرونده‌ها باشند. دوم، یک دادگاه ویژه و مستقل که توسط شورای امنیت سازمان ملل ایجاد شود - مانند دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق (ICTY) - می‌تواند به این پرونده‌ها رسیدگی کند. سوم، دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) می‌تواند این پرونده‌ها را مورد بررسی قرار دهد، مشابه آنچه در پرونده «الماحی» انجام شد.

پیگرد قضایی اعضای داعش در خاک سوریه یا عراق، چالش‌های آشکاری را به همراه دارد. هرچند شدت درگیری‌ها کاهش یافته است، اما این بحران به‌طور کامل از بین نرفته و دولت‌های سوریه و عراق نیز توانایی بالایی در بازداشت و محاکمه اعضای داعش بابت سایر جرائم از خود نشان نداده‌اند. اگر چنین مسیری دنبال شود، هر دو کشور به حمایت



عمدی میراث فرهنگی محاکمه کرد. او عضو گروه تندرو انصارالدین بود و دستور تخریب چندین مکان مهم در تیمبوکتو، مالی، از جمله یک مسجد را صادر کرده بود. این حمله عمداً

در سال ۱۹۹۹، پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴

لاهی تصویب شد که هدفش همگرایی و

یکپارچه‌سازی توافقات بین‌المللی پیشین

برای حفاظت جامع از میراث فرهنگی در

زمان صلح و جنگ بود.



میراث فرهنگی ابزاری است برای پیوند دادن افراد و جوامع به گذشته شان و ایجاد ثبات و همبستگی در گذر نسل ها و فراتر از مرزهای دینی، قومی و فرهنگی. حفاظت از میراث فرهنگی پیش، حین و پس از منازعه می تواند به این تلاش های یاری رسانده و موفقیت آن ها را افزایش دهد.

ICC بتواند اعضای داعش را محاکمه کند. تاکنون هیچ نشانه ای از تمایل این دو کشور برای برداشتن این گام دیده نشده است.

میراث فرهنگی به عنوان ابزاری

اجتماعی در التیام پس از منازعه

میراث فرهنگی، چه در بستر حقوقی و چه در رسانه ها، غالباً به اشیای ملموسی اطلاق می شود که بازتاب دهنده فرهنگ یک جامعه هستند. اما در شرایط پس از منازعه، این مفهوم گسترده تر می شود و سنت های ناملموسی همچون آیین ها و باورهای مذهبی را نیز دربر می گیرد. بهره گیری از میراث فرهنگی - چه ملموس و چه ناملموس - در بازسازی پس از جنگ، موضوعی است که بسیاری از نهادهای بین المللی به آن پرداخته اند. به عنوان نمونه، بانک جهانی حفظ میراث فرهنگی را «جزئی جدایی ناپذیر از گذار از جنگ به صلح پایدار و پیش نیازی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی» می داند. یونسکو نیز میراث فرهنگی را «وسیله ای برای آشتی» در شرایط منازعه یا پسامنازعه توصیف کرده است. بدین ترتیب، میراث فرهنگی می تواند راهی امن برای بازشناسی آنچه در جریان جنگ از دست رفته فراهم آورد و امکان مواجهه ای تازه با پیامدهای منازعه را ایجاد کند. نمونه ای از کشوری که از میراث فرهنگی در مسیر بازسازی خود بهره برده، رواندا است. از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴،

پیگرد جنایتکاران جنگی را فراهم می کند که در مورد آن ها به دلیل ویدئوهای تبلیغاتی، شاهدان بیشتری وجود دارد. افزون بر این، در چنین مواردی قربانیان ممکن است تمایل بیشتری به حضور در دادگاه و ارائه شهادت داشته باشند. با این حال، یک مانع جدی برای این مسیر، لزوم رأی مثبت و اجماعی شورای امنیت سازمان ملل است که به سادگی حاصل نمی شود.

یکی دیگر از موانع مهم پیگرد این جرائم، مسئله صلاحیت قضایی است. نه سوریه و نه عراق عضو دیوان کیفری بین المللی نیستند و از آنجا که صلاحیت ICC مبتنی بر معاهده است، شهروندان این دو کشور که مرتکب چنین جرائمی شده اند، تحت صلاحیت آن قرار نمی گیرند. افزون بر این، اساس نامه رم که منبع اختیارات ICC است، بیان می کند که این دادگاه تنها بر اشخاص حقیقی صلاحیت دارد و بنابراین نمی تواند یک گروه کامل مانند داعش را به طور مستقیم محاکمه کند. اگر شورای امنیت با رأی اجماعی موضوع را به ICC ارجاع دهد، دادگاه فارغ از موضع عراق یا سوریه، صلاحیت رسیدگی خواهد داشت. در غیر این صورت، عراق و سوریه باید به صلاحیت این دادگاه رضایت دهند تا

گسترده جامعه بین المللی در فرآیند صلح سازی نیاز خواهند داشت. در صورت توان و تمایل بازیگران بین المللی، تخصص و منابع مالی می تواند صرف ایجاد یک نظام قضایی قدرتمند در این کشورها شود تا توانایی لازم برای محاکمه این افراد فراهم گردد.

گزینه بعدی، تشکیل یک دادگاه ویژه موقت (ad hoc tribunal) مشابه آنچه در ICTY تجربه شد، است. این رویکرد مورد حمایت برخی از بازیگران بین المللی، به ویژه در ارتباط با بحران سوریه، قرار گرفته است. چنین دادگاهی مزایا و معایبی مشابه دادگاه ICTY دارد. اگر دادگاه در خاورمیانه مستقر شود، امکان مشارکت گسترده تر قربانیان و کارشناسان محلی فراهم خواهد شد و این امر می تواند در فرآیند التیام جمعی مؤثرتر باشد، هرچند در صورت برگزاری دادگاه در مکانی دورتر، این اثر ممکن است کاهش یابد. در مقابل، هزینه و زمان بر بودن چنین دادگاه هایی مسئله کوچکی نیست و می تواند بر روند التیام آسیب بزند. بر اساس اصولی که در هر دو پرونده ICTY و الماحی مطرح شد، تخریب میراث فرهنگی می تواند مبنای طرح اتهامات کیفری باشد. این امر امکان

نتیجه‌گیری

میراث فرهنگی ابزاری است برای پیوند دادن افراد و جوامع به گذشته‌شان و ایجاد ثبات و همبستگی در گذر نسل‌ها و فراتر از مرزهای دینی، قومی و فرهنگی. حفاظت از میراث فرهنگی پیش، حین و پس از منازعه می‌تواند به این تلاش‌ها یاری رسانده و موفقیت آن‌ها را افزایش دهد.

مدافعان میراث فرهنگی در زمان منازعه گاه متهم می‌شوند که به جای توجه به جان انسان‌ها، به اشیای بی‌جان می‌اندیشند. با اینکه تردیدی در اولویت حفظ جان انسان‌ها نیست، این نوشتار نشان داد که میراث فرهنگی می‌تواند هم در پیشگیری از تلفات انسانی و هم در بازسازی زندگی‌ها پس از منازعه نقش داشته باشد. هرچند به نظر می‌رسد منازعه در عراق و سوریه رو به پایان است، اما ویرانی گسترده‌ای که داعش بر جای گذاشته، هنوز برای بسیاری از تلاش‌های صلح‌سازی بسیار تازه و سنگین است. یکی از موانع بازسازی در این دو کشور، شمار عظیم آوارگان ناشی از بحران پناهندگی است. با این حال، پناهجویان اغلب فصل تازه‌ای از میراث را خلق می‌کنند و در مورد سوری‌ها، گزارش‌هایی وجود دارد که آنان حتی در اردوگاه‌های پناهندگان به فعالیت‌های حفظ میراث فرهنگی خود پرداخته‌اند. این تلاش‌ها نویدبخش آینده‌ای برای بازسازی در سوریه و عراق است و نشان می‌دهد که چگونه میراث مشترک و عشق مشترک به سرزمین می‌تواند به وحدت و التیام جمعی یک ملت کمک کند.

نخست، ایفای نقش کمیسیون حقیقت‌یاب برای ایجاد آرامش خاطر در خانواده قربانیان نسل‌کشی، و دوم، پیوند دادن مردم رواندا با گذشته پیش از جنگ. همچنین نظام «ابونزی» - متشکل از اعضای معتمد جامعه برای حل اختلافات - و «ایمیهیگو» - روشی برای پیشگیری از تعارض در محیط کار بر پایه عملکرد - و «ایتررو» - گردهمایی‌های آموزشی برای انتقال سنت‌های فرهنگی ضدتفرقه به گروه‌های مختلف از دانش‌آموزان تا سربازان - از دیگر این اقدامات هستند. چنین بهره‌گیری‌ای از میراث فرهنگی، به قربانیان اجازه می‌دهد که مسیر بازسازی خود را با اتکا به ایده‌ها و روایت‌های آشنا و پذیرفته‌شده تعیین کنند، نه اینکه صرفاً از بالا به آنان دیکته شود که چگونه باید زندگی و کار کنند. این رویکرد «از پایین به بالا» در بازسازی و صلح‌سازی، از میراث فرهنگی به عنوان محرکی برای صلح و گاه نقطه آغاز کل فرآیند بازسازی بهره می‌گیرد.

زمانی که میراث فرهنگی نقشی پیوسته در فرآیند صلح‌سازی ایفا کند، اثربخشی کل این فرآیند افزایش می‌یابد. هنگامی که یک جامعه و اعضایش با ویرانی و گسست کامل مواجه شده‌اند، میراث فرهنگی پیوستگی لازم برای تداوم و تعمیق التیام را فراهم می‌آورد. به‌ویژه زمانی که میراث فرهنگی به عنوان ابزاری برای نابودی کامل یک گروه مورد هدف قرار گرفته باشد، احیای آن می‌تواند ابزاری نیرومند در توانمندسازی گروه هدف و بازگرداندن حس امنیت به آنان باشد.

رواندا شاهد جنگ داخلی میان دو گروه قومی هوتو و توتسی بود و در سال ۱۹۹۴، افراط‌گرایان هوتو مرتکب نسل‌کشی علیه توتسی‌ها شدند. پس از این فاجعه، رواندا شاهد «رونق ملی میراث» بوده است. از آن زمان تاکنون پنج موزه در این کشور افتتاح شده که موضوعات متنوعی از تاریخ طبیعی و هنر گرفته تا تاریخ باستان را پوشش می‌دهند. این مکان‌های جدید که پیوندی با گذشته خونبار نسل‌کشی ندارند، با هدف «ایجاد انسجام اجتماعی پسا منازعه» شکل گرفته‌اند و در عین حال با جذب گردشگر، به توسعه اقتصادی کشور نیز کمک می‌کنند. این روند می‌تواند پیامدهایی چون بی‌ثباتی اقتصادی و تنش‌های اجتماعی باقی‌مانده از دوران استعمار را کاهش دهد.

رواندا همچنین از میراث فرهنگی برای مواجهه مستقیم با پیامدهای جنگ بهره برده است. مؤسسه ملی موزه‌های رواندا اقدام به بازنگری در سایت‌های میراثی پیش از جنگ کرده و اصطلاحات هویتی قومی - که اغلب در تحریک خشونت نقش داشته‌اند - را حذف کرده است، در مواردی که این اصطلاحات ارزش آموزشی یا تاریخی خاصی ندارند. همچنین چندین یادمان به عنوان مکان‌هایی برای سوگواری و روایت‌پردازی جمعی ساخته شده‌اند. افزون بر این، رواندا برخی آیین‌های فرهنگی پیشااستعماری را برای بازگرداندن هارمونی اجتماعی احیا کرده است. یکی از این ابتکارات، دادگاه‌های «گاچاچا» است که دو کارکرد دارند:

مدیریت بحران در پردیس موزه‌ای رامسر، اقدامات پیشگیرانه در هنگام جنگ تحمیلی ۱۲ روزه

مقدمه

در بحبوحه بحران‌های نظامی و در شرایطی که جنگ ثبات زیرساخت‌ها و امنیت عمومی را به چالش می‌کشد؛ صیانت از میراث فرهنگی نه تنها یک وظیفه تخصصی بلکه مسئولیتی ملی و تمدنی محسوب می‌شود. جنگ ۱۲ روزه ای که کشور ما را درگیر کرد، بار دیگر نشان داد که مجموعه‌های موزه‌ای به عنوان حافظان حافظه تاریخی ملت، در خط مقدم آسیب پذیری فرهنگی قرار دارند و در چنین شرایطی نیازمند مدیریت هدفمند و پیشگیرانه هستند.

مدیریت بحران در فضای موزه‌ای تنها به واکنش‌های اضطراری محدود نمی‌شود بلکه دربرگیرنده برنامه‌ریزی پیشین، آمادگی سازمانی، آموزش پرسنل و تدوین سناریوهای عملیاتی برای مواجهه با شرایط بحرانیست. بحران اگرچه تهدیدی جدیست اما میتواند به فرصتی برای ارزیابی ضعف‌ها، تقویت ظرفیت‌ها و بازنگری در فرآیندهای حفاظتی بدل شود.

در همین راستا پردیس موزه ای رامسر نیز با درک عمیق از مسئولیت خود در حفظ میراث فرهنگی و تاریخی، اقدام به تدوین و اجرای مجموعه‌ای از تمهیدات حفاظتی و مدیریتی در جریان این بحران نمود. این مجموعه با تکیه بر ظرفیت‌های موجود، منابع انسانی آموزش دیده و هماهنگی با سازمان‌ها و ارگانهای امدادی و عملیاتی، کوشید تا ضمن حفاظت فیزیکی از آثار، پایداری عملکرد مجموعه را در شرایط بحرانی حفظ کرده و آسیب‌های احتمالی را با تمرکز بر شناسایی تهدیدها، اتخاذ تصمیم‌های کلیدی و اجرای اقدامات حفاظتی در مواجهه با یکی از حساسترین مقاطع تاریخی به حداقل برساند.

۱. تعاملات بین سازمانی

یکی از ابعاد مؤثر تاب‌آوری موزه‌ها در مواجهه با بحران، ایجاد هماهنگی عملیاتی با نهادهای امدادی و خدمات شهری است. پردیس موزه‌ای رامسر در همین راستا، پیش از وقوع بحران با نزدیک‌ترین مراکز درمانی، ایستگاه‌های آتش‌نشانی و واحدهای امدادی منطقه وارد تعامل مستقیم شد تا در صورت بروز حادثه، امکان حضور سریع و هدفمند این نیروها در مجموعه فراهم باشد.

این تعامل نه تنها به شکل تفاهم‌نامه‌های همکاری و هماهنگی میدانی تعریف شد بلکه با برگزاری جلسات آموزشی و آشنایی با فضاهای موزه‌ای، موجب ارتقاء سطح آمادگی عملیاتی این نهادها شد. به موازات آن، تیم‌های داخلی مجموعه نیز با استفاده از آموزش‌های تخصصی در زمینه‌های ایمنی، واکنش اولیه و مدیریت بحران توانستند سطح آمادگی خود را ارتقاء و در شرایط اضطراری، اقدامات اولیه را بدون تأخیر انجام دهند. این اقدامات در جریان جنگ ۱۲ روزه، نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ امنیت پرسنل، آثار و زیرساخت‌های موزه داشت و الگوی موفق از همکاری میان‌بخشی برای مدیریت بحران فرهنگی ارائه کرد.

۲. حفاظت فیزیکی

در شرایط بحرانی، حفاظت فیزیکی و حضور انسانی مستمر در مجموعه‌های موزه‌ای عنصری حیاتی در حفظ امنیت آثار و پایش لحظه‌ای تهدیدات محسوب می‌شود. طی

جنگ ۱۲ روزه، نگهبانان پردیس موزه‌ای رامسر با حضور شبانه‌روزی، نقش خط مقدم حفاظت را ایفا کردند. این حضور مستمر، امکان اطلاع‌رسانی فوری از مخاطرات احتمالی، کنترل آسیب‌های محیطی و واکنش سریع به حوادث را فراهم ساخت.

پایش مداوم فضاهای موزه‌ای در کنار هماهنگی با تیم مدیریت بحران، باعث شد هیچ خللی در امنیت فیزیکی مجموعه ایجاد نشود و کوچک‌ترین تهدیدها نیز در لحظه شناسایی و مدیریت شوند. این تجربه بار دیگر اهمیت نقش نیروهای حفاظتی را به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی تاب‌آوری موزه در شرایط اضطراری نشان داد.

۳. پایش سیستم‌های اطفاء حریق

با توجه به احتمال بالای آتش‌سوزی به ویژه در شرایط بحرانی که احتمال اختلالات برقی، حملات فیزیکی یا حوادث ناگهانی افزایش می‌یابد، پایش و بررسی منظم تجهیزات اطفاء حریق از اولویت‌های پردیس موزه‌ای رامسر بوده است. پیش از آغاز جنگ ۱۲ روزه تمام کپسول‌ها، شیرهای اطفاء، سنسورها و مسیرهای دسترسی اضطراری، بازرینی و آماده‌سازی شد. این اقدامات نه تنها برای کاهش احتمال مستقیم حریق، بلکه برای اطمینان از واکنش سریع در صورت بروز حادثه طراحی شد. اجرای این پایش‌ها به صورت دوره‌ای، بخشی از برنامه‌ریزی بلندمدت مجموعه برای افزایش ایمنی و حفاظت از آثار در هر شرایطی بوده است.

یکی از ابعاد مؤثر تاب‌آوری موزه‌ها در

مواجهه با بحران، ایجاد هماهنگی

عملیاتی با نهادهای امدادی و خدمات

شهری است.

۴. سیستم پایش تصویری

در ساختارهای حفاظتی موزه‌ها، سیستم پایش تصویری نقشی کلیدی در تأمین امنیت آثار، رصد شرایط محیطی، و تشخیص فوری تهدیدات ایفا می‌کند. در جریان جنگ ۱۲ روزه، این سیستم در پردیس موزه‌ای رامسر به عنوان یکی از ابزارهای اصلی نظارت پیوسته، کمک شایانی به کنترل وضعیت و واکنش سریع در برابر مخاطرات احتمالی کرد.

دوربین‌های فعال در نقاط حساس مجموعه، به صورت ۲۴ ساعته تصاویر را ثبت و به مرکز کنترل منتقل می‌کردند. این امکان علاوه بر پوشش زوایای مختلف موزه‌ها، فرصت بررسی و ارزیابی دقیق هرگونه تردد غیرمجاز، تغییرات محیطی یا وضعیت حفاظتی را فراهم آورد. همچنین ثبت تصویری وقایع، مرجعی قابل استناد برای تحلیل‌های پس از بحران و ارزیابی عملکرد تیم‌های حفاظتی ایجاد کرد. تجربه‌ی بحران اخیر بار دیگر ثابت کرد که سیستم‌های پایش تصویری تنها ابزارهای نظارتی نیستند، بلکه بخشی از زیرساخت‌های راهبردی در مدیریت بحران، پیشگیری از وقوع حادثه و پاسخگویی فوری به شرایط اضطراری هستند.



۵. مستندنگاری وضعیت موجود

مستندنگاری وضعیت موجود آثار، یکی از ارکان کلیدی در حوزه حفاظت موزه‌های و از اجزای جدایی‌ناپذیر مدیریت بحران محسوب می‌شود. این فرایند شامل ثبت دقیق و نظام‌مند وضعیت فیزیکی اشیاء، شرایط نگهداری و مخاطرات بالقوه است که به موزه‌داران این امکان را می‌دهد تا در شرایط بحرانی، تصمیم‌هایی مبتنی بر داده و تحلیل اتخاذ کنند. اهمیت این مستندنگاری نه تنها در زمان پایداری، بلکه به ویژه در دوره‌های ناپایداری و تهدید دوچندان می‌شود؛ چرا که بدون ارزیابی دقیق وضعیت موجود، امکان برنامه‌ریزی مؤثر برای حفاظت، تخلیه یا مداخله به موقع وجود نخواهد داشت.

به این منظور پردیس موزه‌ای رامسر همواره مستندنگاری وضعیت آثار و فضاهای موزه‌ای را به عنوان یک وظیفه مستمر و نظام‌یافته در دستور کار خود قرار داده است. این مجموعه، پیش از وقوع بحران با تدوین فرم‌های استاندارد، عکسبرداری تخصصی و ارزیابی دوره‌ای وضعیت فیزیکی آثار، زیرساخت‌ها و تجهیزات حفاظتی، بستر مناسبی برای واکنش سریع و مؤثر فراهم کرده بود.

در جریان جنگ ۱۲ روزه نیز علی‌رغم محدودیت‌های موجود، این روند مستندسازی متوقف نشد. تیم تخصصی مجموعه با بهره‌گیری از روش‌های فشرده و اضطراری، اقدام به ثبت تغییرات احتمالی در وضعیت آثار و ارزیابی تأثیرات محیطی ناشی از شرایط بحرانی نمود. این داده‌ها نه تنها در اتخاذ تصمیمات آنی مؤثر واقع شدند بلکه پس از پایان بحران نیز مبنای اقدامات ترمیمی، ارزیابی خسارات و بازنگری در برنامه‌های مدیریت استراتژیک مجموعه قرار گرفتند.



تجربه پردیس موزه‌ای رامسر نشان می‌دهد که مستندنگاری وضعیت موجود، نه یک اقدام جانبی بلکه بخشی اساسی از سازوکار تاب‌آوری فرهنگی در مواجهه با بحران‌های پیش‌بینی‌ناپذیر است.

۶. ساماندهی اشیاء خاص

در مجموعه‌های بزرگ موزه‌ای نظیر پردیس موزه‌ای رامسر، جایی که تنوع و تعداد آثار بالا و پراکندگی فضایی چشمگیر است، ساماندهی دقیق آثار خاص به منظور حفاظت مؤثر، امری کاملاً تخصصی و راهبردی به‌شمار می‌رود. در پردیس موزه‌ای رامسر، که متشکل از شش موزه فعال با ماهیت‌ها و موضوعات متفاوت است، مدیریت آثار در شرایط بحرانی نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، شناخت اولویت‌های حفاظتی و اجرای استانداردهای تخصصی ساماندهی بود.

در این راستا پیش از وقوع بحران و هم‌زمان با افزایش سطح هشدارها، فرایند شناسایی و اولویت‌بندی آثار خاص و آسیب‌پذیر در دستور کار قرار گرفت. این آثار شامل نمونه‌هایی با ارزش تاریخی منحصربه‌فرد و آسیب‌پذیری بالای فیزیکی بودند. تیم کارشناسی مجموعه، با بهره‌گیری از فهرست‌های دیجیتال و مستندات پیشین، اقدام به بازبینی، تطبیق و تثبیت موقعیت مکانی آثار در هر موزه نمود. برای هر اثر اولویت‌دار، جایگاه اختصاصی با شرایط ایمن‌تر تعیین شد؛ برخی جابجایی‌های درون موزه‌ای با هدف دورسازی از نقاط پرخطر (مانند پنجره‌ها، مسیرهای رفت‌وآمد یا تجهیزات برقی) انجام گرفت. همچنین، اطلاعات آثار به صورت به‌روز مستندنگاری شد تا امکان پیگیری سریع در صورت وقوع حادثه فراهم باشد. این ساماندهی هدفمند باعث کاهش احتمال آسیب به آثار خاص در جریان بحران شد و روند تصمیم‌گیری‌های حفاظتی را در لحظات حساس تسهیل کرد.

۷. جابجایی آثار

جابجایی آثار در شرایط بحران، یک اقدام حساس و تخصص‌محور است که باید بر پایه اولویت‌بندی حفاظتی، ارزیابی دقیق و رعایت استانداردهای حرفه‌ای صورت گیرد. پردیس موزه‌ای رامسر با برخورداری از شش موزه فعال و

انجام دادند.

این آثار به صورت کاملاً کنترل شده به مخازن امن و داخلی مجموعه که از نظر شرایط محیطی و حفاظتی مجهز و پایدار بودند، منتقل شدند. در عین حال، تمام فرآیند جابجایی با مستندنگاری دقیق اعم از تصویربرداری، ثبت وضعیت فیزیکی و موقعیت مکانی (پیشین و جدید) همراه بود تا امکان پیگیری، بازگشت و ارزیابی فنی پس از بحران فراهم باشد.

نتیجه‌گیری

جنگ ۱۲ روزه به عنوان یک بحران ناگهانی و پیچیده، فرصت آزمونی واقعی برای ارزیابی اثربخشی نظام مدیریت بحران در مجموعه‌های موزه‌ای بود. تجارب پردیس موزه‌ای رامسر نشان داد که حفاظت مؤثر از میراث فرهنگی در شرایط اضطراری مستلزم تدوین و اجرای راهبردهای جامع و یکپارچه شامل مستندنگاری دقیق وضعیت موجود، اولویت‌بندی و ساماندهی آثار آسیب‌پذیر و اعمال استانداردهای فنی در جابجایی آثار است.

حضور مستمر نیروهای حفاظتی و نظارت تصویری به صورت ۲۴ ساعته، همراه با تعاملات بین‌سازمانی هماهنگ با نهادهای امدادی و درمانی، یک چارچوب عملیاتی پویا و انعطاف‌پذیر ایجاد کرد که توانست احتمال مخاطرات را به موقع شناسایی و مدیریت نماید. این رویکرد ترکیبی از فناوری‌های نوین و نیروی انسانی آموزش‌دیده، نقطه عطفی در حفظ ایمنی فیزیکی و معنوی مجموعه‌های فرهنگی محسوب می‌شود.

علاوه بر این، تأکید بر آموزش مداوم کارکنان و به‌روزرسانی مداوم پروتکل‌های حفاظتی و واکنش به بحران، اهمیت پویایی نظام مدیریت بحران را برجسته می‌سازد. بنابراین، این تجربه نشان‌دهنده ضرورت بکارگیری مدیریت بحران مبتنی بر داده‌های مستند، برنامه‌ریزی استراتژیک و همکاری میان‌بخشی برای افزایش تاب‌آوری موزه‌ها در برابر تهدیدات آتی است.

در نهایت، یافته‌های این رویکرد می‌تواند به عنوان الگویی موفق مطرح گردد تا در مواجهه با بحران‌های احتمالی، حفاظت از میراث فرهنگی به بهترین نحو ممکن تضمین شود.



پراکندگی قابل توجه آثار در فضاهای متنوع نمایشی، در مواجهه با تهدیدات جنگ ۱۲ روزه، ناگزیر به اجرای عملیات جابجایی منتخب بخشی از آثار شد.

در این فرآیند، ابتدا آثاری که به دلایل موقعیت مکانی نامناسب (نزدیکی به پنجره، مسیر رفت و آمد، منابع رطوبت یا نور مستقیم)، جنس و تکنیک دارای آسیب‌پذیری بالاتری بودند، شناسایی و در اولویت انتقال قرار گرفتند. تیم حفاظتی مجموعه با همکاری امنای اموال و کارشناسان موزه‌داری، برای هر اثر بسته‌بندی اصولی با استفاده از متریال‌های استاندارد نظیر فوم ضد اسید، جعبه‌های مستحکم، پوشش‌های محافظ رطوبت و جداره‌های ضربه‌گیر

جابجایی آثار در شرایط بحران، یک

اقدام حساس و تخصص محور است

که باید بر پایه اولویت‌بندی حفاظتی،

ارزیابی دقیق و رعایت استانداردهای

حرفه‌ای صورت گیرد.



گزارش مدیریت بحران در شرایط جنگ ۱۲ روزه در پردیس موزه‌ای دفینه

۳۱

مدیریت بحران در موزه‌ها و مراکز فرهنگی، به ویژه در مواقع جنگ و بحران‌های طبیعی، به عنوان یکی از چالش‌های اساسی در حوزه حفظ و نگهداری آثار فرهنگی محسوب می‌شود. پردیس موزه‌ای دفینه به عنوان یک مرکز فرهنگی معتبر، بر اساس رسالت خود در حفاظت از میراث فرهنگی کشور، استانداردهای ملی و بین‌المللی را برای مدیریت بحران و حفاظت از آثار هنری و تاریخی رعایت می‌کند. در شرایط بحران یا جنگ، تهدیدات متعددی برای این آثار وجود دارد که می‌تواند شامل آسیب‌های فیزیکی، سرقت یا از بین رفتن آثار به دلیل آسیب‌های محیطی باشد.

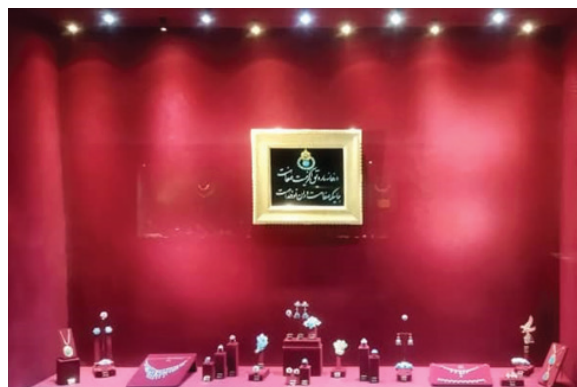
پردیس موزه‌ای دفینه با استفاده از توانمندی‌های تخصصی خود در شرایط جنگی و بحران‌ها، ابتدا به شناسایی تهدیدات احتمالی پرداخته و اقداماتی پیشگیرانه را برای محافظت از آثار فرهنگی انجام می‌دهد. این اقدامات شامل ساماندهی و جمع‌آوری آثار در نمایشگاه‌ها و انتقال آن‌ها به گنجینه‌ها و اماکن امن است. در این راستا، موزه دفینه به تدوین دستورالعمل‌ها و الگوهای برای نگهداری و حفاظت از آثار پرداخته است که مطابق با استانداردهای بین‌المللی است. یکی از ویژگی‌های برجسته این مرکز در مدیریت بحران، برگزاری دوره‌های آموزشی برای کارکنان موزه در زمینه پدافند غیرعامل و مدیریت بحران است. این دوره‌ها به صورت مستمر برگزار شده و به کارکنان مهارت‌های لازم را برای مقابله با شرایط بحرانی و شرایط جنگی می‌آموزد. این اقدامات به موزه کمک می‌کند تا ضمن حفظ آثار ارزشمند، ظرفیت‌های خود را برای مقابله با بحران‌ها بهبود بخشد.

در شرایط بحران، مستندنگاری و شناسایی وضعیت موجود آثار فرهنگی به عنوان اولین اقدام در مدیریت بحران از اهمیت زیادی برخوردار است. این فرایند به موزه این امکان را می‌دهد که در صورت بروز هرگونه آسیب، امکان ارزیابی دقیق وضعیت آثار و انجام اقدامات اصلاحی را داشته باشد.

۱. مستندنگاری وضعیت موجود

مستندنگاری وضعیت موجود آثار قبل از هر گونه اقدام در مدیریت بحران، یک گام اساسی در حفظ و نگهداری این آثار است. در پردیس موزه‌های دفینه، مستندنگاری آثار در اولین مرحله از فرایند حفاظت و جابجایی آثار قرار دارد. این کار به کارکنان موزه این امکان را می‌دهد که در صورت بروز بحران، وضعیت دقیق و جزئیات کامل آثار را داشته باشند و از آسیب‌های احتمالی جلوگیری کنند. فرایند مستندنگاری شامل ثبت دقیق ویژگی‌های آثار از جمله ابعاد، جنس، وضعیت نگهداری و آسیب‌های موجود در آن‌ها است. همچنین اطلاعاتی در مورد محل قرارگیری هر اثر در موزه و وضعیت محیطی آن‌ها، مانند دما، رطوبت و نور موجود در محیط، نیز ثبت می‌شود. این داده‌ها برای شبیه‌سازی شرایط بحران و تعیین اولویت‌های حفاظت از آثار مورد استفاده قرار می‌گیرند.

مستندنگاری همچنین به موزه این امکان را می‌دهد که پس از بحران، اگر اثری آسیب دیده یا گم شده باشد، وضعیت آن به طور دقیق ارزیابی شده و اقدامات ترمیمی یا جبرانی انجام شود. این فرایند مستندنگاری در کنار آموزش‌های تخصصی برای کارکنان، از جمله روش‌های شناسایی و ثبت آسیب‌ها، نقش کلیدی در کاهش آسیب‌پذیری آثار دارد. اهمیت مستندنگاری در مدیریت بحران به گونه‌ای است که می‌توان آن را به



▲ پیش از هرگونه اقدام می‌بایست وضعیت موجود نگهداری اشیاء ثبت و سپس شروع به بسته‌بندی آثار نمود.

عنوان یک ابزار حیاتی برای مدیریت وضعیت در شرایط اضطراری دانست. با این اقدام، موزه قادر است نه تنها از آسیب‌های وارد شده جلوگیری کند، بلکه با ارزیابی دقیق، برنامه‌ریزی بهتری برای اقدامات بعدی انجام دهد.

۲. بسته‌بندی آثار

بسته‌بندی آثار به عنوان یکی از اصول اولیه در حفاظت از آثار موزه‌ای در برابر تهدیدات بحران‌های طبیعی و جنگی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در پردیس موزه‌های دفینه، بسته‌بندی آثار بر اساس ویژگی‌های مختلف هر اثر از جمله جنس، اندازه، وزن و حساسیت‌های خاص انجام می‌شود. این بسته‌بندی نه تنها باید ایمنی آثار را در برابر آسیب‌های فیزیکی تأمین کند، بلکه باید از لحاظ محیطی نیز شرایط مناسب برای هر نوع اثر فراهم آورد.



▲ بسته‌بندی تخصصی آثار بر اساس تنوع، جنس، وزن و ارتفاع آثار

فراوانی است که به جزئیات می‌دهد و هر اثر را بر اساس ویژگی‌های خاص آن بسته‌بندی و منتقل می‌کند. همچنین، در این فرایند از تیم‌های متخصصی استفاده می‌شود که تجربه لازم برای جابجایی آثار حساس را دارند. با توجه به خطرات موجود در شرایط بحران، جابجایی آثار باید به گونه‌ای انجام شود که از آسیب دیدگی آن‌ها در طول مسیر جلوگیری گردد. این جابجایی‌ها باید مطابق با برنامه‌های از پیش تعیین شده و با رعایت استانداردهای بین‌المللی در مدیریت بحران صورت گیرد. این اقدامات در نهایت به موزه این امکان را می‌دهد که آثار را در محیطی امن و محافظت شده قرار داده و از آسیب‌های ناشی از بحران‌ها جلوگیری کند.



▲ آثار پس از مستندنگاری و جهت انجام مراحل بسته‌بندی یا لفافه‌گذاری تخصصی به بخش مربوطه منتقل می‌شوند

بسته‌بندی تخصصی آثار باید از مواد مناسب و مقاوم استفاده کند تا از نفوذ رطوبت، نور و تغییرات دما به داخل بسته جلوگیری کند. علاوه بر این، بسته‌بندی باید به گونه‌ای انجام شود که جابجایی آثار را بدون وارد کردن آسیب به آن‌ها تسهیل کند. برای آثار حساس مانند نقاشی‌ها یا آثار چوبی، استفاده از فوم‌های مخصوص، پلاستیک‌های ضد ضربه و پوشش‌های مقاوم در برابر آسیب‌های محیطی ضروری است.

پردیس موزه‌ای دفینه با تکیه بر تیم‌های متخصص و استفاده از فناوری‌های نوین در این حوزه، بسته‌بندی آثار را به شکلی انجام می‌دهد که آسیب‌های ناشی از جابجایی به حداقل برسد. این فرآیند در کنار سایر اقدامات مدیریت بحران، مانند کدگذاری و دسته‌بندی آثار، به موزه این امکان را می‌دهد که آثار را با ایمنی کامل به مکان‌های امن منتقل کند. به طور کلی، بسته‌بندی صحیح و تخصصی آثار، یکی از مهم‌ترین عوامل در حفظ و نگهداری آثار موزه‌ای در برابر بحران‌ها است. این اقدام به ویژه در شرایط جنگی که احتمال آسیب به آثار و از دست رفتن آن‌ها بسیار زیاد است، اهمیت ویژه‌ای دارد.

۳. جابجایی آثار

جابجایی آثار موزه‌ای در شرایط بحران یکی از چالش‌های مهم در مدیریت بحران محسوب می‌شود. در پردیس موزه‌ای دفینه، جابجایی آثار پس از مستندنگاری و بسته‌بندی، با دقت و تخصص انجام می‌شود تا از هر گونه آسیب به آثار جلوگیری گردد. این جابجایی ممکن است شامل انتقال آثار به اتاق‌های امن، خزانه‌های موزه یا سایر مکان‌های محافظت شده باشد. جابجایی آثار به دو دلیل مهم انجام می‌شود: اول، برای محافظت از آثار در برابر تهدیدات بحران و دوم، برای انتقال آثار به مکان‌هایی که در آن‌ها شرایط حفاظتی بهتری وجود دارد. این جابجایی‌ها باید با استفاده از تجهیزات ویژه و توسط کارکنان آموزش دیده انجام شود تا از هر گونه آسیب به آثار جلوگیری شود.

رویکرد پردیس موزه‌ای دفینه در جابجایی آثار، دقت

۴. ساماندهی اشیاء خاص

بعضی از آثار موزه‌ای ممکن است به دلیل ویژگی‌های خاص خود، نیازمند مراقبت‌های ویژه‌ای در زمان بحران باشند. در پردیس موزه‌ای دفینه، ساماندهی این آثار خاص به گونه‌ای انجام می‌شود که علاوه بر محافظت از آن‌ها در برابر آسیب‌های فیزیکی، شرایط محیطی مناسبی نیز برای آن‌ها فراهم گردد. برای این آثار، استفاده از ویتترین‌های امن و محافظ‌های ویژه در نظر گرفته می‌شود تا از آسیب‌هایی مانند ضربه، فشار، نور و رطوبت جلوگیری شود.

ویتترین‌های امن برای این آثار به گونه‌ای طراحی می‌شوند که علاوه بر محافظت فیزیکی، امکان کنترل شرایط محیطی مانند دما و رطوبت را نیز فراهم آورند. این اقدامات موجب می‌شود که آثار با ارزش و حساس در شرایط بحرانی دچار آسیب نشوند. در برخی موارد، ممکن است نیاز به استفاده از فناوری‌های پیشرفته مانند سیستم‌های نظارت و کنترل از راه دور برای محافظت بیشتر باشد. در نهایت، ساماندهی آثار خاص، با هدف حفاظت از آن‌ها در شرایط بحرانی، نقش بسیار مهمی در کاهش آسیب‌پذیری آثار موزه‌ای دارد و می‌تواند به عنوان یک مدل در مدیریت بحران در موزه‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

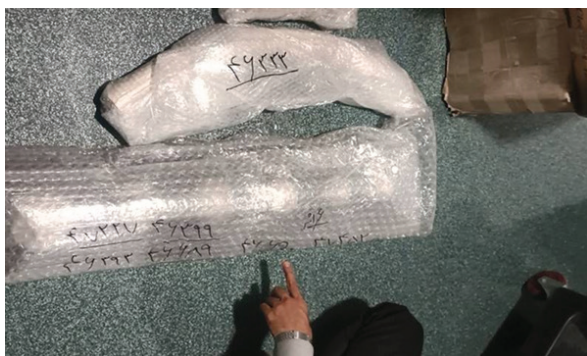


▲ با عنایت به ماهیت برخی از اشیاء موزه‌ای و با توجه به شرایط قرارگیری و میزان آسیب‌پذیری، مراقبت و محافظت از اشیاء گرانبها نظیر برخی جواهرات خاص در درون ویتترین‌های امن، توصیه می‌شود

۵. کدگذاری و دسته‌بندی اشیاء

کدگذاری و دسته‌بندی آثار موزه‌ای در شرایط بحران،

یکی از مراحل کلیدی در مدیریت بحران محسوب می‌شود. پردیس موزه‌ای دفینه در این زمینه با توجه به ویژگی‌های خاص آثار و تنوع آن‌ها، اقدام به کدگذاری دقیق و منظم اشیاء می‌کند. این فرآیند، علاوه بر تسهیل در شناسایی سریع آثار، باعث می‌شود که در صورت بروز بحران، امکان پیگیری، انتقال و نگهداری هر اثر به راحتی فراهم گردد. در ابتدا، تمامی آثار موزه‌ای طبق دستورالعمل‌های موجود، بر اساس نوع، جنس، اندازه و ارزش تاریخی یا هنری کدگذاری می‌شوند. این کدگذاری‌ها می‌توانند به شکل بارکد، QR کد یا کدهای دیگر برای تسهیل در شناسایی سریع آثار در هر مرحله از جابجایی یا حفاظت اعمال شوند. این سیستم کدگذاری همچنین به کارکنان موزه این امکان را می‌دهد که در صورت وقوع بحران، بتوانند به سرعت آثار را در مکان‌های مختلف شناسایی کرده و بر اساس اولویت‌های حفاظتی، اقدامات لازم را انجام دهند.



▲ با توجه به دستورالعمل‌های موجود و تنوع و گوناگونی اشیاء مجموعه پردیس موزه‌ای دفینه نیاز است تا کد شناسایی اشیاء ورده اولویت‌بندی آنها بر روی آثار پس از بسته‌بندی مشخص گردد.

دسته‌بندی آثار به کمک کدگذاری، امکان دسته‌بندی و اولویت‌بندی بر اساس اهمیت یا آسیب‌پذیری آن‌ها را فراهم می‌کند. آثار با اولویت بالاتر، مانند آثار با ارزش تاریخی، هنری یا فرهنگی، نیاز به حفاظت ویژه و انتقال فوری به مکان‌های امن‌تر دارند. این سیستم دسته‌بندی به موزه این امکان را می‌دهد که از هرگونه اشتباه در انتقال یا جابجایی آثار جلوگیری کرده و در زمان بحران، سرعت عمل بالاتری داشته باشد. با توجه به خطرات احتمالی

باید به دقت بسته‌بندی شده و با استفاده از تجهیزات مناسب جابجا شود تا از هر گونه آسیب فیزیکی یا زیست‌محیطی جلوگیری گردد. علاوه بر این، برای سرعت‌بخشی به فرآیند انتقال، برنامه‌های از پیش طراحی‌شده‌ای برای جابجایی آثار در زمان بحران وجود دارد که به کارکنان این امکان را می‌دهد که به سرعت و با دقت اقدام کنند.

۷. آموزش و تمرین‌های آمادگی

آمادگی کارکنان موزه برای مقابله با بحران‌ها و تهدیدات، بخش اساسی در مدیریت بحران به‌شمار می‌آید. در پردیس موزه‌های دوفینه، آموزش‌های مستمر در زمینه پدافند غیرعامل و مدیریت بحران به کارکنان ارائه می‌شود تا آن‌ها آمادگی لازم برای مقابله با بحران‌های مختلف را داشته باشند. این دوره‌ها به صورت منظم برگزار شده و شامل آموزش‌های تخصصی در زمینه‌های مختلف مانند شبیه‌سازی شرایط بحران، جابجایی آثار، بسته‌بندی تخصصی، و واکنش در برابر تهدیدات است. آموزش‌های پدافند غیرعامل و مدیریت بحران در پردیس موزه‌های دوفینه، علاوه بر اینکه کارکنان را از لحاظ تخصصی توانمند می‌کند، به آن‌ها این امکان را می‌دهد که در زمان بحران، واکنش‌های سریع و مؤثری داشته باشند. این آموزش‌ها شامل سناریوهای مختلف بحران است که در آن‌ها کارکنان موزه باید به سرعت تصمیم‌گیری کنند و اقداماتی برای محافظت از آثار انجام دهند.

تمرین‌های آمادگی به صورت دوره‌ای برگزار می‌شود و هدف آن، ارزیابی توانمندی‌های کارکنان در شرایط واقعی بحران است. این تمرین‌ها معمولاً شامل شبیه‌سازی انتقال آثار به مکان‌های امن، بسته‌بندی تخصصی و واکنش سریع به تهدیدات طبیعی یا جنگی است. برگزاری چنین دوره‌هایی برای ارتقای سطح آمادگی کارکنان و جلوگیری از بروز خطاهای انسانی در زمان بحران ضروری است و باعث می‌شود که در صورت وقوع بحران، پردیس موزه‌های دوفینه بتواند آثار خود را با کمترین آسیب ممکن حفظ کند.

۸. نتیجه‌گیری

مدیریت بحران در موزه‌ها به‌ویژه در شرایط جنگی و بحران‌های طبیعی، از چالش‌های مهمی است که

در شرایط بحران، کدگذاری و دسته‌بندی اشیاء در پردیس موزه‌های دوفینه به عنوان یکی از اقدام‌های پیشگیرانه برای کاهش آسیب‌ها و حفظ آثار موزه‌ای اهمیت بسیاری دارد.

۶. انتقال آثار به مکان‌های امن

انتقال آثار موزه‌ای به مکان‌های امن، بخش حیاتی در فرایند مدیریت بحران است. پردیس موزه‌های دوفینه با استفاده از برنامه‌ریزی دقیق و استراتژی‌های محافظتی، آثار خود را به مکان‌های امن منتقل می‌کند تا در برابر تهدیدات بحران‌ها و جنگ‌ها محافظت شوند. این اقدامات شامل شناسایی مکان‌های امن، استفاده از تجهیزات محافظتی و انتخاب روش‌های جابجایی مناسب است. برای انتقال آثار، ابتدا نیاز به شناسایی مکان‌هایی است که قابلیت محافظت از آثار در شرایط بحرانی را دارند. این مکان‌ها ممکن است شامل خزانه‌ها، اتاق‌های امن یا فضاهای حفاظتی ویژه باشند که در آن‌ها شرایط دمایی و رطوبتی کنترل شده وجود داشته باشد. در پردیس موزه‌های دوفینه، برای هر نوع اثر با توجه به ویژگی‌های آن، مکان‌های مختلفی برای نگهداری در نظر گرفته شده است. آثار حساس باید در ویتترین‌های مقاوم یا فضاهای ویژه با کنترل شرایط محیطی نگهداری شوند تا از آسیب‌های احتمالی جلوگیری شود.

انتقال آثار به مکان‌های امن نیازمند هماهنگی دقیق میان بخش‌های مختلف موزه و تیم‌های تخصصی است. هر اثر

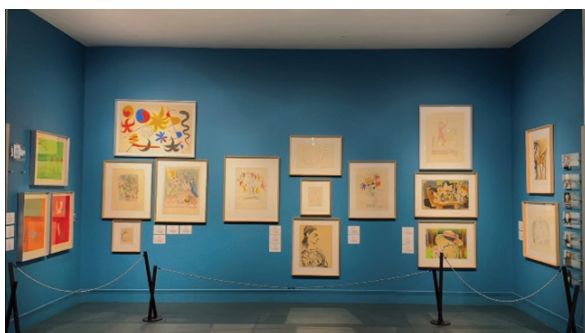
▼ آماده‌سازی فضای امن موزه جهت استقرار و ساماندهی اشیاء خاص در این محل





▲ برگزاری دوره پدافند غیرعامل و مدیریت بحران پس از دوره جنگ

پردیس موزه‌ای دفینه با اجرای این برنامه‌ها و اقدامات پیشگیرانه، توانسته است در شرایط بحرانی به خوبی از آثار خود محافظت کند و به عنوان یک الگوی موفق در این زمینه شناخته شود.



▲ وضعیت موزه پس از جابجایی و انتقال آثار به اتاق‌های امن و مخازن

نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، آموزش‌های مستمر و اجرای اقداماتی تخصصی است. پردیس موزه‌ای دفینه با تکیه بر تخصص‌های داخلی و استفاده از استانداردهای بین‌المللی، اقدامات مؤثری در زمینه حفظ و نگهداری آثار در شرایط بحرانی انجام داده است. این اقدامات شامل مستندنگاری دقیق، بسته‌بندی تخصصی، جابجایی آثار به مکان‌های امن، کدگذاری و دسته‌بندی اشیاء، و برگزاری دوره‌های آموزشی مستمر برای کارکنان است.

با توجه به شرایط خاص بحران‌ها، اهمیت هر یک از این اقدامات در کاهش آسیب‌پذیری آثار موزه‌ای و حفظ آن‌ها در برابر تهدیدات احتمالی قابل توجه است. به‌ویژه، پردیس موزه‌ای دفینه با استفاده از روش‌های نوین و تجهیزات پیشرفته، موفق به حفظ و نگهداری آثار خود در شرایط بحرانی شده است. این تجربیات می‌تواند به سایر موزه‌ها و مراکز فرهنگی در سرتاسر جهان به عنوان یک مدل موفق در مدیریت بحران منتقل شود. در نهایت، اهمیت آموزش‌های مستمر و آمادگی کارکنان موزه برای واکنش سریع و مؤثر در برابر بحران‌ها، یکی از عوامل کلیدی در حفظ آثار فرهنگی و هنری است.

موزه و بحران، مجموعه اقدامات حفاظتی در موزه تار و پود در زمان جنگ ۱۲ روزه

مقدمه

در شرایط بحرانی ناشی از جنگ، موزه‌ها به عنوان نگهدارندگان میراث تاریخی و فرهنگی ملت‌ها، با چالش‌های بی‌سابقه‌ای روبرو می‌شوند. یکی از پیامدهای جنگ به‌ویژه در مناطق شهری در معرض تهدید و آسیب قرار گرفتن موزه‌ها و آثار و بناهای تاریخی است. از این رو در شرایط جنگی، موزه‌ها، به عنوان نهادهای مسئول حفظ، معرفی و نمایش میراث فرهنگی، در معرض خطرات ناشی از جنگ از جمله آسیب‌های فیزیکی، غارت، و تخریب قرار می‌گیرند. در این راستا، تیم اجرایی و کارکنان موزه تار و پود مجموعه‌ای از اقدامات هدفمند و مؤثر را برای مقابله با بحران‌های ناشی از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، حفظ امنیت آثار تاریخی و ارتقاء سلامت روانی پرسنل به اجرا درآوردند. این گزارش به بررسی راهبردهای مدیریتی و عملیاتی اتخاذ شده توسط موزه تار و پود در دوران جنگ از جمله آموزش کارکنان برای حفظ خونسردی خود و انجام امور اضطراری، هماهنگی با نهادهای امدادی برای ارتقاء امنیت مجموعه و اقدامات لازم جهت حفاظت از آثار می‌پردازد که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.



۱. آموزش کارکنان برای انجام وظایف در شرایط بحران

نخستین و اساسی‌ترین اقدام در مواجهه با شرایط بحرانی، حفظ خونسردی و آرامش کارکنان بود. تیم مدیریتی موزه با برگزاری جلسات توجیهی، سعی در ایجاد فضای اطمینان بخش در محیط کاری داشت تا از ایجاد هراس و ناهمبستگی در انجام وظایف کارکنان و کارشناسان جلوگیری شود. با هدف آمادگی روانی و عملیاتی پرسنل، کلاس‌های آموزشی تحت عنوان «رفتار حرفه‌ای

در مواجهه با بحران جنگ» برگزار شد. در این جلسات، شیوه‌های برخورد مؤثر، مسئولانه و هماهنگ با تهدیدهای احتمالی جنگ آموزش داده شد. همچنین شیوه‌نامه‌های امنیتی و روش‌های حفاظت از آثار تاریخی در شرایط اضطراری مرور گردید. افزون بر این، در کنار اقدامات فوق، تمرین‌ها و مانورهای عملیاتی دوره‌ای با هدف افزایش آمادگی کارکنان برای واکنش سریع و صحیح در مواقع اضطراری برگزار گردید. این تمرین‌ها باعث هماهنگی بیشتر میان بخش‌های مختلف و ایجاد انسجام سازمانی در مواجهه با بحران شد. همچنین با همکاری روان‌شناسان

مغرب، کلاس‌های گروهی جهت بهبود سلامت روانی پرسنل در موقعیت‌های پرتنش برگزار شد. این برنامه‌ها با هدف کاهش اضطراب، تقویت روحیه و افزایش تاب‌آوری در برابر فشارهای روانی ناشی از شرایط جنگی اجرا شدند.

۲. هماهنگی با نهادهای امدادی و امنیتی

در راستای تأمین ایمنی موزه و تسهیل در مدیریت بحران، ارتباط مداوم و مؤثری با نهادهای امدادی، یگان‌های ویژه و اورژانس امنیت اجتماعی برقرار شد. تماس‌های مکرر با این نهادها برای دریافت راهنمایی‌های فوری و هماهنگی در اقدامات حفاظتی نقش مهمی در پایداری عملیات داشت.

۳. تهیه فهرست جامع و مستندسازی آثار

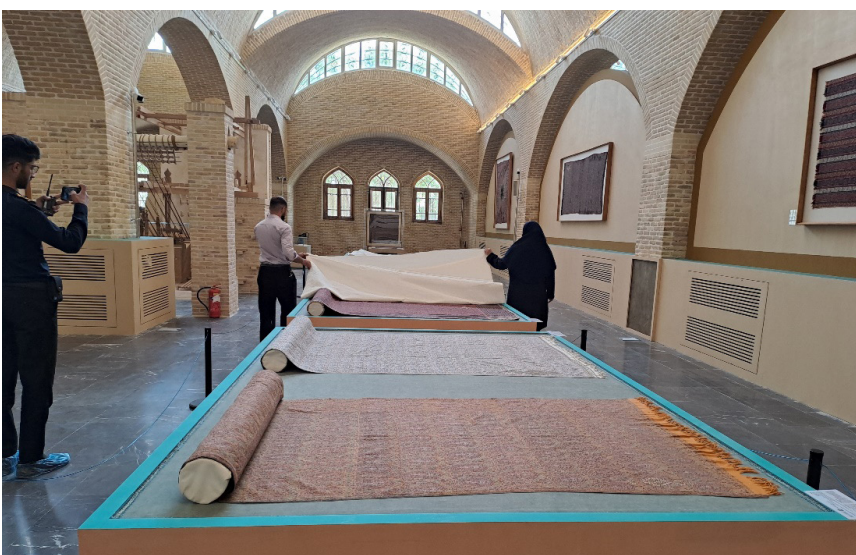
یکی از مهم‌ترین اقدامات در این دوران، تهیه فهرست دقیق، به‌روزرسانی‌شده و مستند از تمامی آثار موجود در موزه بود. این فهرست شامل مشخصات کامل، ابعاد، وضعیت ظاهری و محل نگهداری آثار بود تا در صورت وقوع حادثه‌ای احتمالی، امکان پیگیری و بازیابی آن‌ها فراهم باشد. در این راستا با هدف ثبت دقیق‌تر اطلاعات و حفاظت بهتر از آثار، ابعاد آثار موزه‌دار و پود اندازه‌گیری شد تا در صورت نیاز جعبه‌هایی برای انتقال دادن آثار به مخازن امن تهیه شود و یا محفظه‌های حفاظتی برای آثار ساخته شود.

۳. تشکیل تیم مدیریت بحران

به منظور ارتقاء سطح آمادگی موزه برای واکنش سریع به رخدادهای پیش‌بینی‌نشده از میان کارکنان موزه‌دار و پود آن دسته از افرادی که امکان حضور سریع در موزه در شرایط اضطراری را دارند برای تشکیل گروه مدیریت بحران انتخاب شدند. این تیم به برنامه‌ریزی برای اجرای اقدامات پیشگیرانه و واکنش سریع در شرایط اضطراری پرداختند تا با تصمیم‌گیری به موقع از وارد آمدن خسارات جبران ناپذیر به موزه جلوگیری به عمل آورند.

۴. تقویت سیستم‌های نظارتی و امنیتی موزه

سیستم‌های نظارت تصویری، دزدگیرها، حسگرهای حرکتی و





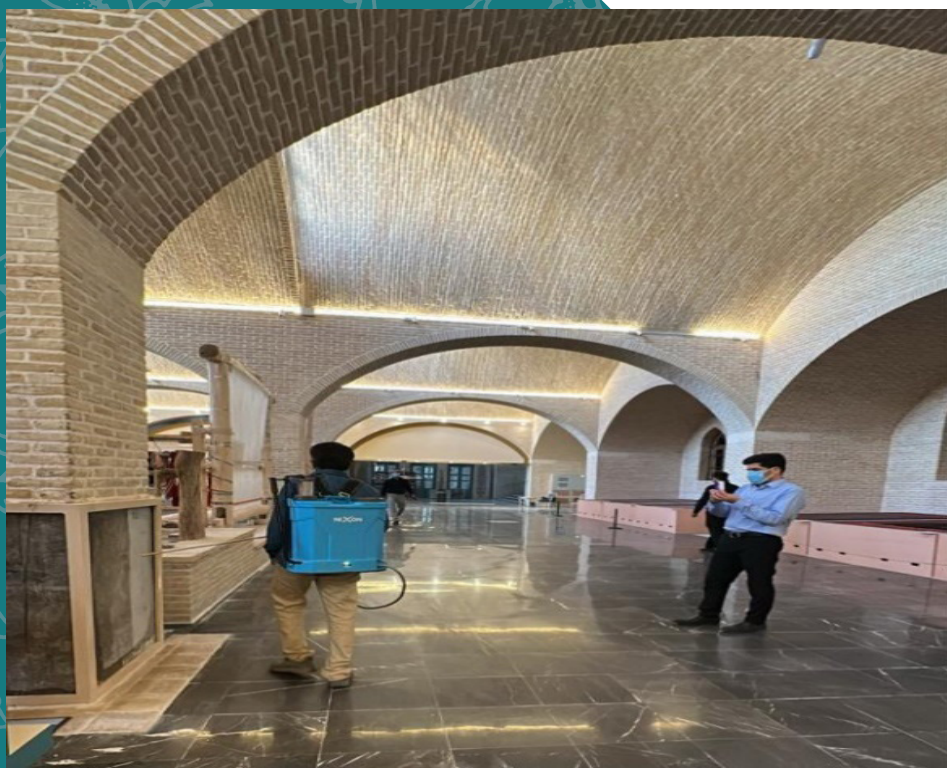
در راستای تأمین ایمنی موزه و تسهیل در مدیریت بحران، ارتباط مداوم و مؤثری با نهادهای امدادی، یگان‌های ویژه و اورژانس امنیت اجتماعی برقرار شد.

سامانه‌های اطفای حریق موزه تار و پود بازیینی و در برخی موارد ارتقاء داده شدند تا در صورت وقوع حادثه، از آثار محافظت شده و اطلاع‌رسانی سریع انجام گیرد.

۵. اطلاع‌رسانی و آموزش دستورالعمل‌های حفاظتی به مردم

برای محافظت بهتر از آثار موزه در شرایط جنگ، مدیر و کارشناسان موزه اقدام به انتشار دستورالعمل‌های ساده و کاربردی درباره چگونگی حفظ و مراقبت از میراث فرهنگی کردند. این دستورالعمل‌ها شامل نکاتی بود که چطور در شرایط اضطراری از آثار مراقبت کنیم؟ چه رفتارهایی ممکن است به آثار آسیب برساند؟ چگونگی کمک به حفظ آثار تاریخی در خانه یا محل کار؟ این آموزش‌ها به صورت پیام‌های کوتاه و قابل فهم در فضای مجازی منتشر شد تا همه افراد جامعه بتوانند با رعایت آنها به حفظ فرهنگ و تاریخ کشور کمک کنند. همچنین، پاسخ به سوالات مردم درباره این دستورالعمل‌ها باعث شد تا نگرانی‌ها کاهش یافته و آگاهی عمومی درباره اهمیت حفاظت از میراث فرهنگی افزایش یابد.





۶. مدیریت بهداشت و کنترل آفات (سمپاشی و ضد عفونی)

در ایام جنگ، به دلیل احتمال قطعی آب و برق خطر شیوع آفات به شدت افزایش می‌یابد. این آفات می‌توانند به آثار موزه‌ای (به ویژه آثار آلی مانند چوب و پارچه که در موزه‌تار و پود فراوانی یافت می‌شوند) آسیب جبران‌ناپذیری وارد کنند. بنابراین، برنامه مدیریت آفات و بهداشت محیط موزه به طور جدی پیگیری و اجرا شد. این اقدامات ضروری شامل سمپاشی دوره‌ای و هدفمند (استفاده از سموم و روش‌های غیرشیمیایی و کم‌خطر)، استفاده از تله‌های نوری و چسبی برای حشرات، کنترل دائم رطوبت و دما جهت جلوگیری از ایجاد محیط مرطوب و کپک‌زایی که هم برای آثار مضر است و هم باعث جلب حشرات می‌شد.

۷. برنامه ریزی برای تأمین برق و آب

قطعی منابع انرژی می‌تواند سیستم‌های حفاظتی (دوربین‌ها، سنسورهای دما و رطوبت) و سیستم سرمایش و گرمایش موزه را از کار انداخته و محیط را برای وارد آمدن آسیب به آثار مستعد کند. در این راستا اقدامات ضروری ذیل اجرا شد:

تأمین سوخت ژنراتور برق اضطراری جهت تأمین روشنایی ضروری، سیستم‌های امنیتی و کنترل دما و رطوبت و ذخیره‌سازی سوخت کافی جهت امکان کارکرد طولانی‌مدت ژنراتور.

۸. نتیجه‌گیری

جای هیچ‌گونه شکی نیست که شرایط جنگی مخاطراتی جدی برای موزه‌ها به وجود می‌آورند، با این همه، رویدادهایی همچون جنگ تحمیلی ۱۲ روزه اخیر فرصتی را برای مدیران و کارشناسان موزه‌ها فراهم می‌کنند که به بازبینی و ارزیابی امکانات و توانمندی‌های خود برای مقابله با تهدیدهای شرایط بحران بپردازند. در گزارشی که از پیش چشم خوانندگان گذشت اقدامات موزه‌تار و پود برای مدیریت بحران ناشی از جنگ ۱۲ روزه شرح داده شد، با این حال، برای بهبود آمادگی موزه‌ها جهت مقابله با تهدیدهای ناشی

از جنگ و بلایای طبیعی ضروری است که به کاستی‌ها و کمبود امکانات لازم برای حفاظت از آثار نیز اشاره کنیم، بویژه از آن جهت که بحران‌هایی از این دست به مثابه آزمون‌های واقعی، کمبودها و نقاط ضعف ما را بیش از پیش آشکار می‌کنند. از این نظر می‌توان به ضرورت تأمین جعبه‌های استاندارد برای حمل و نقل آثار و از همه مهمتر چاره‌اندیشی برای تأمین مخازن امن و استاندارد برای حفاظت از آثار در شرایط اضطراری و بحران به عنوان مهمترین چالش‌های پیش روی موزه‌تار و پود اشاره کرد.

رویدادهایی همچون جنگ تحمیلی

۱۲ روزه اخیر فرصتی را برای مدیران

و کارشناسان موزه‌ها فراهم می‌کنند

که به بازبینی و ارزیابی امکانات و

توانمندی‌های خود برای مقابله با

تهدیدهای شرایط بحران بپردازند.

در ایام جنگ، به دلیل احتمال قطعی آب

و برق خطر شیوع آفات به شدت افزایش

می‌یابد.





موزه ملی هنر اصفهان

در مواجهه با شرایط اضطراری

در جنگ ۱۲ روزه

دنیایچه

حفاظت از میراث فرهنگی در موزه‌ها به ویژه در شرایط بحرانی مانند درگیری و جنگ، از اهمیت جهانی برخوردار است. این مقاله به بررسی و ارائه چارچوبی جامع برای مدیریت نیروی انسانی در موزه ملی هنر اصفهان طی جنگ ۱۲ روزه (از ۱۴۰۴/۰۳/۲۳ تا ۱۴۰۴/۰۴/۰۳) می‌پردازد. این چارچوب با الهام از دستورالعمل‌های شورای بین‌المللی موزه‌ها (ایکوم) شامل اقدامات پیش از بحران (ارزیابی ریسک، مستندسازی و تأمین منابع)، اقدامات حین بحران (جابه‌جایی آثار و مدیریت ایمنی)، و اقدامات پس از بحران (آموزش و بازسازی) است. هدف، افزایش آمادگی عملیاتی و کاهش خسارت به آثار غیرقابل جایگزین است. نتایج نشان می‌دهد که فقدان یک استراتژی مدون، ریسک آسیب به گنجینه‌ها را افزایش داده و لزوم تدوین استانداردهای مدیریت بحران در شرایط جنگی را برجسته می‌کند.

کلمات کلیدی

مدیریت بحران، موزه ملی هنر اصفهان، حفاظت از آثار، جنگ ۱۲ روزه، استانداردهای بین‌المللی

فقدان چارچوب منسجم پیشگیرانه و واکنشی برای مدیریت بحران، ریسک آسیب‌دیدگی و زیان‌های جبران‌ناپذیر را برای گنجینه‌های موزه‌ای افزایش می‌دهد. اهداف مقاله پیش‌رو شامل: (۱) طراحی و پیاده‌سازی چارچوبی جامع شامل اقدامات پیش‌بحران، حین بحران و پس‌بحران (۲) ارزیابی اثربخشی این چارچوب بر اساس تجربیات به‌دست‌آمده در موزه ملی هنر اصفهان (۳) ارائه مدلی کاربردی برای ارتقای آمادگی و کاهش خسارت به آثار فرهنگی در سایر مؤسسات مشابه.

مروری بر پیشینه نشان می‌دهد که بسیاری از موزه‌های بین‌المللی با بهره‌گیری از استانداردهای مدیریت بحران، توانسته‌اند سطح محافظت از آثار را به‌طور قابل‌توجهی افزایش دهند. این مقاله با تکیه بر این تجربیات و توجه به ویژگی‌های بومی، می‌کوشد تا یک مدل کاربردی برای مواجهه با تهدیدهای انسانی و طبیعی (با تمرکز ویژه بر شرایط اضطراری جنگ ۱۲ روزه) ارائه کند.

اقدامات پیش‌بحران

ارزیابی ریسک و مستند سازی

در اغلب مواقع شرایط اضطراری بدون هشدار قبلی رخ می‌دهند، به همین خاطر آماده بودن برای چنین شرایطی لازم است. به همین منظور اقداماتی که در موزه هنر اصفهان در راستای آمادگی در شرایط اضطرار



مقدمه

حفاظت از میراث فرهنگی و موزه‌ای درمواجهه با تهدیدات نظامی و امنیتی برای موزه‌ها که نگهدارنده گنجینه‌های هنری و تاریخی‌اند، از اهمیت بالایی برخوردار است و دغدغه‌ای جهانی محسوب می‌شود. در این مقاله، طراحی و پیاده‌سازی چارچوبی منسجم از اقدامات اضطراری به منظور حفاظت از مجموعه آثار موزه ملی هنر اصفهان در شرایط تهدید امنیتی و احتمال حملات هوایی تشریح شده است که شامل استراتژی‌های پیش‌بحران، حین بحران و پس‌بحران است و هدف آن افزایش آمادگی عملیاتی و کاهش خسارت به

آثار غیرقابل‌جایگزینی در شرایط اضطراری مشابه است و همچنین تلاش شده از تجربیات کسب‌شده در بازه زمانی جنگ ۱۲ روزه (۱۴۰۴/۰۳/۲۳ الی ۱۴۰۴/۰۴/۰۳) استفاده شود تا کاستی‌ها و نواقص موجود در زمینه آمادگی اضطراری در برابر حوادث طبیعی و انسانی شناسایی و برطرف گردد. مراحل پیش از بحران شامل ارزیابی ریسک، مقاوم‌سازی مکانیکی و کنترل عوامل بیولوژیکی است. در زمان بحران نیز انتقال اضطراری، جابجایی و پتین‌ها به قسمت‌های کم‌خطر و بهینه‌سازی سامانه‌های آتش‌نشانی اجرا شد. تجربه این دوره نشان داد که



تجربه این دوره نشان داد که فقدان

چارچوب منسجم پیشگیرانه و واکنشی

برای مدیریت بحران، ریسک آسیب دیدگی

وزیان های جبران ناپذیر را برای گنجینه های

موزه های افزایش می دهد.

جنگی صورت گرفته خواهد شد: در گام نخست جهت ارزیابی ریسک و مستندنگاری، کلیه آثار موجود در سالن های نمایش بر اساس معیارهای حساسیت، ارزش تاریخی و قابلیت جابجایی طبقه بندی شدند. مستندنگاری وضعیت اولیه هر اثر از طریق عکاسی و فیلم برداری و ثبت مشخصات فنی و وضعیت آثار از دیدگاه حفاظتی در قالب یک فایل واحد انجام شد.

اطمینان از تأمین برق اضطراری

در مواجهه با شرایط بحرانی، قطع برق شهری یکی از مهم ترین چالش ها برای موزه ها محسوب می شود؛ زیرا خاموشی سیستم های کنترل دما، رطوبت و تهویه منجر به افزایش ریسک آسیب های فیزیکی و بیولوژیکی به آثار و همچنین نبود روشنایی محیطی می تواند موجب کاهش کیفیت کنترل امنیتی موزه شود. حفظ پیوستگی انرژی الکتریکی در چنین مواقعی، الزامات قطعی برای موزه ملی هنر اصفهان است. برای رفع این نیاز، یک دستگاه ژنراتور برق با ظرفیت ۱۱۰ kVA و دو منبع تغذیه بدون وقفه (UPS) در مجموعه مستقر است. ژنراتور به سیستم های حیاتی موزه شامل سامانه های تهویه مطبوع، روشنایی

اضطراری و تجهیزات امنیتی متصل است تا در صورت قطع برق شهری، بدون تأخیر وارد مدار شود و ثبات شرایط محیطی را تضمین کند.

اقداماتی مانند تهیه برنامه تست دوره ای (حداقل ماهی یک بار) جهت اطمینان از راه اندازی خودکار و عملکرد کامل دستگاه، ذخیره سازی سوخت به میزان کافی برای پوشش سناریوی بدبینانه ی حداقل ۷۲ ساعت قطع برق، نظارت مستمر بر سطح سوخت، روغن موتور، ضد یخ و دمای موتور به منظور پیشگیری از آسیب های مکانیکی، عقد قرارداد نگهداری با سرویس دهنده مجاز برای بازدید و تعویض قطعات اساسی برای تضمین کارکرد مطمئن ژنراتور و برق اضطراری ضروری است. و تمامی نتایج بررسی های روزانه، هفتگی و ماهانه در دفترچه چک لیست کارکرد تاسیسات ثبت و بایگانی می شود.

مقاوم سازی مکانیکی و کنترل جامع آفات (IPM)

ابتدا تابلوهای دیواری به صورت موقت از محل نصب جدا شدند تا نقاط اتصال به دقت بررسی گردد. با توجه به پایداری ناکافی میخ های دوسانته متری در نصب اولیه، برای افزایش ایمنی از رول پلاک و پیچ های ال شکل و قلاب دار متناسب با وزن و ابعاد آثار استفاده شد. این روش به طور قابل توجهی خطر سقوط و آسیب تابلوها را کاهش می دهد. نظافت، پاکسازی و سمپاشی دوره ای سالن های نمایش خطر آسیب های محیطی و بیولوژیکی

بر روی آثار را در طی مدت زمان بسته بودن موزه در وضعیت های اضطراری را کاهش می دهد. برای مقابله با فعالیت آفات موزه ای از سموم کم ضرر و بی خطر برای انسان و متناسب با حساسیت آثار مانند پرمترین بهره گرفته شد. علاوه بر این، دما و رطوبت نسبی در سالن ها و محل نگهداری آثار به صورت مستمر توسط کارشناس مسئول پایش و مرمت تنظیم شده است تا به وسیله سیستم های تهویه موجود از آسیب های ناشی از نوسانات و تغییرات ناگهانی محیطی و آسیب های ناشی از فعالیت بیولوژیکی جلوگیری شود.

اقدامات در حین بحران

(۱۴۰۴/۰۳/۲۳ الی ۱۴۰۴/۰۴/۱۴)

در روز اول پس از آغاز وضعیت جنگی موزه به علت حفظ امنیت جانی کارکنان و بازدیدکننده ها تعطیل اعلام شده و تنها نیروهای حفاظت فیزیکی در موزه حضور داشتند. با تشدید حملات رژیم اشغالگر قدس در روز چهارم بحران، ستاد مرکزی مؤسسه موزه ها مجوز آغاز عملیات ایمن سازی اضطراری آثار را صادر کرد. تیم واکنش اضطراری، متشکل از مدیریت موزه، کارشناسان فنی، نیروهای حفاظت و پشتیبانی، ظرف سه ساعت مأمور شدند تا با توجه به خطر بمباران، حملات پهبادی و موشکی، اقدامات اولیه کاهش تهدید انفجار و حریق را اجرا کنند. سرپرست تیم حفاظت با در نظر

گرفتن حساسیت هر اثر، اعضا را به شرح پیش رو مأموریت داد: یک گروه برای جابجایی تابلوها و اشیای آسیب پذیر، یک نفر برای آماده سازی فضاهای امن موقت، یک کارشناس مستندسازی برای ثبت جابجایی ها، نماینده حفاظت فیزیکی برای هماهنگی امنیتی، در این رابطه ماتریس واگذاری مسئولیت (RACI) برای فرایند جابجایی به صورت زیر تنظیم گردید:

این اقدامات شامل انتقال آثار

معقولی در برابر حملات بمبی، پهبادی، موشکی و سرقت برخوردار باشد، در هر فضای نمایش شناسایی شد. در این مرحله سعی شد تا در انتخاب خزانه ها و محل های امن موقت موارد زیر در نظر گرفته شود:

- قسمت هایی از بنا که عمدتاً در بناهای تاریخی از استحکام بیشتری برخوردار هستند (مانند زیر طاق ها و طاقچه ها) و همچنین زیر بدنه فلزی ویتترین های متحرک
- محل انتخاب شده دارای لوله های

نظافت مستمر و برنامه جامع کنترل آفات موزه گنجانده شده باشد،

- در داخل خزانه و محل های امن موقت دارای حداقل فاصله ۱۵ سانتی متری از سطح زمین باشند.

مستندنگاری وضعیت اولیه هر اثر از طریق

عکاسی و فیلم برداری و ثبت مشخصات

فنی و وضعیت آثار از دیدگاه حفاظتی در

قالب یک فایل واحد انجام شد.

وظیفه	مسئول	تصمیم گیر	مشاور	مطلع
برنامه ریزی جابجایی	مدیر اجرایی	مدیر موزه	کارشناس فنی	حفاظت فیزیکی
بسته بندی تخصصی	کارشناس فنی	مسئول اجرایی	مرمت گر، امین اموال	کارشناسان موزه
انتقال آثار به خزانه	تیم واکنش اضطراری	مدیر موزه	نماینده حفاظت فیزیکی	همه کارکنان
مستندنگاری مراحل	کارشناس مستندنگاری	مدیر موزه	مرمت گر، امین اموال	همه تیم

ماتریس واگذاری مسئولیت (RACI) برای جابجایی آثار



آب، فاضلاب یا درین های تهویه نباشد،

- محل انتخاب شده عاری از مواد قابل اشتعال، قابل انفجار یا خورنده باشد،
- در محل خزانه امن نوسانات شرایط محیطی مانند رطوبت نسبی و دما در کمترین حالت ممکن باشد و بیشینه تقریبی دما از ۲۴ درجه سانتی گراد و رطوبت نسبی از ۶۵٪ تجاوز نکند،
- فضای انتخاب شده در برنامه

از محل های نمایش پر خطر به قسمت هایی با امنیت بیشتر و تسهیل دسترسی به تجهیزات اطفاء حریق بود. به دلیل آن که موزه ملی هنر اصفهان در بنای تاریخی تغییر کاربری یافته ایجاد شده و خزانه استاندارد ندارد و همچنین امکان جابجایی آثار به خزانه ای خارج از بنا وجود نداشت، ابتدا فضاهای دارای بیشترین پتانسیل برای کاهش آسیب های ناشی از حوادث احتمالی که از استحکام و مقاومت سازه ای



اضطراری در نظر گرفته شده در هر فضای نمایش آثار منتقل گردیدند. آثار سنگین، بزرگ و غیرقابل حمل در محل با استفاده از مواد موجود در دسترس تا حد ممکن ایمن سازی گردیدند، تابلوهای بزرگ نصب شده از روی دیوارهای در ارتباط با محوطه بیرونی بنا برداشته و در کنار دیوارهای داخلی انتقال داده شد. همچنین ویترین های دارای شیشه مقاوم در برابر ضربه در فضاهای دور از دیوارهای بیرونی و پنجره ها استقرار یافتند و تجهیزات آتش نشانی به صورت استراتژیک برای واکنش سریع در داخل و خارج بنا جانمایی شد.

ویترین های نمایش که در مجاورت پنجره ها و دیوارهای بیرونی قرار داشتند، به بخش های داخلی

با توجه به ساختار بنای موزه ملی هنر اصفهان دو محل استقرار اصلی در طبقه پایین شامل اتاق موزه داران و فضای زیر پلکان اصلی برای استقرار آثار با ابعاد بزرگ و کمدهای موجود در دو طبقه بنا که به نسبت دارای امنیت بیشتری در برابر پرتابه های ناشی از انفجار برخوردار بودند، انتخاب شدند. آثار آسیب پذیر استقرار یافته بر روی سکوهای نمایش قابل واژگون شدن در اثر موج انفجار مانند ظروف سفالی و کاشی ها بر روی سکوها نمایش چوبی و نصب شده بر روی دیوار تابلوها و رزم افزارها که خطر سقوط و آسیب ناشی از تکانه و موج انفجار آنها را تهدید می کرد به سرعت از دیوارها جدا و در صورت امکان به خزانه ها و محل های موقت استقرار

سالن‌ها منتقل شدند تا در برابر خطرات ناشی از شکستن شیشه و برخورد اجرام محفوظ بمانند. در این راستا تعدادی از آثار در زیر فضای خالی محفظه‌های نمایش فلزی آثار و یا طاقچه‌های دیواری بنا قرار گرفت تا از آسیب احتمالی ناشی از ریزش آوار حفاظت شوند.

در راستای تسریع به کارگیری تجهیزات خاموش کننده موجود و برای مقابله با مخاطرات ناشی از آتش‌سوزی، کپسول‌های آتش‌نشانی در نقاط کلیدی نزدیک ورودی‌ها و پنجره‌های خارجی نصب شدند و مسیرهای دسترسی به آن‌ها به گونه‌ای طراحی گردید که کارکنان بتوانند سریعاً از تجهیزات استفاده کنند.

اقدامات پس‌ابحران

پس از اعلام آتش‌بس و رفع تهدیدات ناشی از حملات هوایی، موزه ملی هنر اصفهان سلسله اقداماتی در دستور کار قرار داد: نخست تهیه دفترچه «شرایط اضطراری» برای استفاده تمامی کارکنان در اولویت قرار گرفت. این دفترچه با هدف تسهیل واکنش سریع و شرح وظایف تمامی کارکنان موزه اعم از مدیریت، کارشناسان، نیروهای حفاظت و خدمات در حین هر نوع شرایط اضطراری تهیه گردید. همچنین این دفترچه شامل اطلاعات ضروری مانند شماره‌های تماس نزدیک‌ترین مراکز امدادی، درمانی، انتظامی و امنیتی به موزه، اطلاعات تماس کارکنان و

دستورالعمل‌های گام‌به‌گام برای مقابله با انواع شرایط اضطراری است.

در راستای ایمن‌سازی فضاهای استقرار موقت، اتاق زیر پلکان داخلی به دلیل دیوارکشی و عدم تماس مستقیم با حریم بیرونی به عنوان پناهگاه انتخاب گردید. استندهای ایستاده و مقاوم در مقابل موج انفجار به عنوان دیوار محافظ در مقابل درب‌ها و پنجره‌ها نصب شدند تا پناهگاه موقت در برابر وارد آمدن آسیب‌های ناشی از امواج انفجار حفاظت یابد. مستندسازی نیز از طریق تهیه فایل پشتیبان از اسناد موزه و شناسنامه آثار و نگهداری نسخه‌های کپی مدارک در مکان امن خارج از موزه تقویت شد تا امکان بازیابی سریع اطلاعات فراهم آید.

در حوزه هماهنگی و آموزش، جلسات توجیهی بحران برگزار و وظایف کارکنان در شرایط اضطراری تقسیم‌بندی شد؛ آزمون و تست تجهیزات اعلام و اطفاء حریق انجام گرفت و تجهیزات خاموش کننده آتش مناسب و با خطر کمتری برای مجموعه و جهت استفاده داخل موزه از نوع کپسول‌های گازی (CO₂) در تمامی فضاهای نمایش و دیگر انواع خاموش کننده‌ها مانند کپسول‌های نوع پودر و گاز و سوپر بیوژل (بیوورسال) جهت اطفاء حریق در باقی فضاها از جمله محوطه، تاسیسات، بخش‌های اداری و امنیتی استقرار یافت و جانمایی تجهیزات با توجه به توصیه‌های سازمان

آتش‌نشانی مورد بازبینی قرار گرفت. برای کارکنان دوره‌های امدادی آمادگی اضطراری شامل کمک‌های اولیه پایه، کمک به آسیب‌دیدگان حملات هوایی، پناه‌گیری و خروج اضطراری در حملات هوایی برگزار شد و تعامل رسمی با مراکز آتش‌نشانی، اورژانس و نیروی انتظامی جهت تعریف روال‌های گزارش رسانه‌ای و امنیتی پس از حادثه برقرار گردید.

آمادگی در برابر بحران‌های آتی

جهت بازگشت به کار موزه و پیش از بازگشایی برای عموم، کارکنان در محل موزه حاضر شده و عملیات نصب مجدد آثار در محل‌های نمایش آغاز گردید، در طی عملیات چیدمان آثار برای بازگشت به روال عادی و برای حصول اطمینان از وضعیت مجموعه، تمامی آثار توسط مسئول مرمت و امین اموال مورد بررسی قرار گرفته شدند.

جهت رفع مشکلات پیشین و در راستای افزایش آمادگی برای سناریو پایان آتش‌بس و از سرگیری وضعیت جنگی اقدام به تهیه ملزومات بسته بندی اضطراری آثار گردید، همچنین شرایط محل‌های انتخاب شده به عنوان خزانه‌های امن موقت در وضعیت اضطراری بهبود داده شد. برای مثال پوشاندن کف و دیواره‌های داخلی کمد‌ها و اتاقک زیرپلکان داخلی بنا که به عنوان خزانه موقت اضطراری مورد استفاده قرار گرفته بود با ورقه‌های فوم پلی‌اتیلن و برش دادن ورقه‌های آماده در داخل کمد برای کاهش





آمادگی برای شرایط اضطراری در مؤسسات فرهنگی و موزه‌ها نیازمند برنامه‌ریزی در سطح کلان، برگزاری دوره‌های آموزشی، اختصاص بودجه و ایجاد، اصلاح و ارتقای مداوم یک طرح جامع آمادگی و واکنش اضطراری است.

وارد آمدن تکانه‌های ناشی در اثر انفجار و همچنین حوادث احتمالی در حین جابجایی در مواقع اضطراری پوشانده شد.

پیشنهادهای

با توجه به محتوای مقاله ارائه‌شده که بر مدیریت نیروی انسانی و اقدامات اضطراری در جنگ ۱۲ روزه تمرکز دارد، و با استناد به تجربیات اخیر گروه موزه‌های دفینه (مانند بستن موقت موزه‌ها و انتقال آثار به خزانه) پیشنهادهای زیر را برای بهبود آمادگی موزه ملی هنر اصفهان در شرایط بحرانی آتی ارائه می‌گردد. این پیشنهادها بر پایه استانداردهای به‌روز شورای بین‌المللی موزه‌ها (ایکوم) و سازمان‌های وابسته با هدف پیشگیری از خسارت‌های آینده، به‌ویژه در شرایط آتش‌بس شکننده فعلی تدوین شده‌اند.

۱. دیجیتال‌سازی و پشتیبان‌گیری آثار

دیجیتال‌سازی در بحران‌های مسلحانه (مانند جنگ ۱۲ روزه) ریسک



۴. مدیریت روانی و پایداری

بلندمدت

ایجاد برنامه حمایتی روانی برای کارکنان پس از بحران (مانند مشاوره گروهی)، و همکاری با روانشناسان دانشگاهی و بودجه‌بندی برای برنامه‌های پس از بحران.

نتیجه‌گیری

آمادگی برای شرایط اضطراری در مؤسسات فرهنگی و موزه‌ها نیازمند برنامه‌ریزی در سطح کلان، برگزاری دوره‌های آموزشی، اختصاص بودجه و ایجاد، اصلاح و ارتقای مداوم یک طرح جامع آمادگی و واکنش اضطراری است. تجربه جنگ ۱۲ روزه نشان داد که ضعف‌های قابل توجهی در زیرساخت‌های موجود، آموزش کارکنان و سایر حوزه‌ها وجود دارد. با این حال، نقاط قوتی نیز در مؤسسات گروه موزه‌های دفاینه در قیاس با دیگر مؤسسات فرهنگی در سطح کشور مشاهده می‌شود؛ از جمله وجود دستگاه‌های اعلان حریق، تجهیزات خاموش‌کننده و سایر تمهیداتی که نیازمند توسعه، بازدیدهای دوره‌ای، تعمیر و نگهداری منظم هستند. با این حال باید به خاطر داشت در زمان وقوع چنین حوادثی، حفظ خونسردی و بهره‌گیری حداکثری از تجهیزات موجود، همراه با اجرای اقدامات پیشگیرانه، می‌تواند به‌طور چشمگیری میزان خسارت وارده به میراث ارزشمند نگهداری‌شده در موزه‌ها را کاهش دهد.

منظور می‌توان با مراکزی مانند دانشگاه هنر اصفهان و موزه‌های پیش رو برای اسکن آثار، و ذخیره در پلتفرم‌ها تعامل و رایزنی کرد.

۲. تقویت زیرساخت‌های مقاوم و

تخلیه اضطراری

ساخت خزانه‌های زیرزمینی مقاوم در برابر انفجار و موشک (بادیوارهای بتنی و سیستم‌های تهویه مستقل) در محوطه موزه یا همکاری با بناهای مجاور، همچنین، تهیه خودروهای حمل اضطراری مجهز به GPS و بیمه آثار، و ایجاد مسیرهای تخلیه امن با تمرین سالانه. همچنین برای حفاظت موقت می‌توان از کیسه‌های ماسه و فوم‌های ضدضربه استفاده کرد.

۳. آموزش پیشرفته نیروی انسانی

و مانورهای مشترک

برگزاری دوره‌های آموزشی سالانه برای کارکنان براساس سناریوهای واقعی (مانند جنگ ۱۲ روزه)، شامل کمک‌های اولیه، مدیریت استرس روانی، و هماهنگی با نیروهای امدادی. همچنین، ایجاد تیم‌های داوطلب محلی (از جمله دانشجویان هنر) برای حمایت در شرایط بحرانی.



از دست رفتن کامل میراث را کاهش می‌دهد. از این رو دیجیتال‌سازی کامل مجموعه آثار (عکاسی ۳۶۰ درجه، اسکن سه‌بعدی، و ایجاد پایگاه داده دیجیتال) فوریت دارد. این کار نه تنها مستندنگاری را تقویت می‌کند، بلکه در سناریوی بدبینانه‌ی تخریب فیزیکی، امکان بازسازی مجازی آثار را فراهم می‌آورد. برای موزه ملی هنر اصفهان، با توجه به بنای تاریخی و آثار نفیس، از ابزارهای ابری امن (مانند سرورهای قدرتمند با رمزنگاری) استفاده شود. به این

اقدامات پدافند غیرعامل و حفاظت پیشگیرانه ابنیه و آثار موزه‌ای در جنگ تحمیلی ۱۳ روزه موزه زمان

حفظ میراث فرهنگی در شرایط بحران و جنگ، به‌ویژه ابنیه تاریخی و آثار موزه‌ای، یکی از چالش‌های مهم مدیریت فرهنگی و حفاظت از هویت ملی محسوب می‌شود. جنگ تحمیلی ۱۲ روزه علیه ایران، تهدیدی مستقیم برای آثار موزه‌ای و ابنیه تاریخی به شمار می‌رفت و ضرورت اتخاذ اقدامات پیشگیرانه و پدافند غیرعامل را برجسته می‌کرد. مقاله حاضر با هدف تحلیل و مستندسازی اقدامات حفاظتی و مدیریتی انجام شده در گروه موزه‌های دفاینه و به‌ویژه موزه زمان، روش‌ها و مراحل اجرای این اقدامات را در هفت مرحله تفکیک می‌کند. این پژوهش علاوه بر ارائه گزارش اقدامات، به بررسی چالش‌ها، ارزیابی عملکرد و ارائه پیشنهادات جهت بهبود فرآیند حفاظت در شرایط بحران می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که مدیریت هوشمند، برنامه‌ریزی دقیق و اجرای استانداردهای علمی حفاظت، نقش کلیدی در کاهش آسیب به آثار و ارتقای امنیت ابنیه موزه‌ای دارد.

مقدمه

میراث فرهنگی و تاریخی هر کشور، بازتاب هویت، فرهنگ و تاریخ آن است و حفاظت از این سرمایه‌های ارزشمند، به‌ویژه در شرایط بحران و جنگ، اهمیت حیاتی دارد. ایران با برخورداری از مجموعه‌های غنی تاریخی و موزه‌ای، در طول تاریخ با تهدیدات مختلف ناشی از جنگ و اغتشاش مواجه بوده است. جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه ایران، علاوه بر تهدید تمامیت ارضی، مخاطرات جدی برای ابنیه تاریخی و آثار موزه‌ای ایجاد کرد.

بیان مسئله:

آثار موزه‌ای و ابنیه تاریخی در شرایط جنگی و بحرانی در معرض تهدیدات متعددی قرار دارند؛ از تخریب ناشی از انفجار و بمباران گرفته تا آسیب‌های ثانویه ناشی از آتش‌سوزی، سرقت و آسیب‌های محیطی. مسئله اصلی، ایجاد سازوکار مدیریتی و عملیاتی جهت حفاظت از این سرمایه‌ها در کوتاه‌ترین زمان و با حداقل آسیب است.

پیشینه و ضرورت:

تجربه جهانی نشان می‌دهد که بسیاری از کشورها در طول جنگ‌های جهانی با برنامه‌ریزی برای انتقال آثار ارزشمند به مکان‌های امن، بخش قابل توجهی از میراث فرهنگی خود را حفظ کرده‌اند. در ایران، تجربه دفاع مقدس ضرورت تدوین دستورالعمل‌های حفاظت پیشگیرانه، ایجاد تیم‌های تخصصی و تأمین تجهیزات حفاظتی را آشکار ساخت. ضرورت اجرای پدافند غیرعامل در موزه‌ها و مراکز فرهنگی، ایجاد آمادگی کامل برای مقابله با تهدیدات احتمالی و کاهش آسیب به ابنیه و آثار، اهمیت ویژه‌ای دارد.

اهداف پژوهش:

۱. ارتقای آمادگی موزه‌ها و مراکز فرهنگی در مواجهه با بحران و جنگ.
۲. حفاظت فیزیکی و پیشگیرانه از آثار ارزشمند تاریخی و هنری.
۳. پیشگیری از سرقت، تخریب یا آسیب‌های ناشی از بلایای طبیعی و بحران‌های انسانی.



۴. ایجاد سازوکار مدیریتی و اجرایی برای مدیریت کارکنان و حفاظت از بازدیدکنندگان.
۵. ارائه تجربه‌های موفق به عنوان الگوی عملیاتی برای سایر مراکز فرهنگی و موزه‌ها.

شرح اقدامات انجام شده

● تهیه و تنظیم موارد مورد نیاز و ملزومات

با آغاز جنگ، تیم اجرایی حفاظت از آثار موزه‌ای با هماهنگی واحدهای حراست و مدیریت موسسه تشکیل شد. اقدامات اولیه شامل شناسایی آثار با ارزش، ارزیابی میزان آسیب‌پذیری و تعیین اولویت‌ها بود. لوازم و تجهیزات لازم برای بسته‌بندی و انتقال آثار، از جمله چمدان‌های محافظ، کیسه‌های حبابدار ضدضربه و پوشش‌های مقاوم حرارتی تهیه شد.

● انتقال به محل و آماده‌سازی

آثار انتخاب شده ابتدا به محل‌های امن و خزانه‌ها منتقل شدند. برای آثار بزرگ که امکان انتقال نداشتند، محل‌های ایمن داخل موزه شناسایی و آماده‌سازی شد. اقدامات حفاظتی شامل استحکام بخشی آثار، پوشاندن با پارچه‌های ضدضربه و مقاوم در برابر حرارت و نصب موانع فیزیکی بود. شیشه‌ها و آیینیه‌ها با فیلم شفاف محافظت شدند تا از شکستگی ناشی از لرزش و انفجار جلوگیری شود.

● اقدامات فنی و اجرایی

فرآیند بسته‌بندی و انتقال با رعایت استانداردهای علمی انجام شد. آثار با ارزش موزه، از جمله ساعت‌های جیبی و رومیزی، ابتدا در کاورهای تخصصی قرار گرفتند و سپس به خزانه منتقل شدند. آثار بزرگ و غیرقابل انتقال، در محل با استفاده از تجهیزات ایمنی تثبیت و محافظت شدند.

● تست و آزمایش

تمام سیستم‌های اطفای حریق، درب‌های اضطراری و مسیرهای خروج اضطراری بررسی و عملکرد آن‌ها آزمایش شد. تیم حفاظت از عملکرد تجهیزات حفاظتی و امنیتی اطمینان حاصل کرد تا در شرایط اضطراری، آمادگی کامل وجود داشته باشد. فضای ایمن جهت بهره‌برداری به عنوان پناهگاه پرسنل و مخاطبین در مواقع جنگی انتخاب و تجهیز گردید.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اقدامات حفاظتی باعث شد که تمام آثار با ارزش موزه از جمله ساعت‌های گران‌بها و ابنیه مرتبط با آن‌ها بدون آسیب باقی بمانند. هماهنگی میان تیم‌های اجرایی و واحدهای امنیتی نقش مهمی در کاهش خطرات احتمالی داشت.

● ارزیابی

با بررسی عملکرد تیم‌ها و تجهیزات، نقاط قوت و ضعف شناسایی شد. نقاط قوت شامل آمادگی تیمی، هماهنگی میان واحدها و رعایت استانداردهای علمی حفاظت بود. نقاط ضعف شامل محدودیت فضا در برخی خزانه‌ها و کمبود تجهیزات تخصصی برای برخی آثار بزرگ بود.

● پیشنهادات

۱. افزایش تعداد خزانه‌ها و مکان‌های امن برای نگهداری آثار بزرگ و ارزشمند.
۲. تجهیز موزه‌ها به سیستم‌های پیشرفته اعلام و اطفای حریق.
۳. آموزش مستمر کارکنان در زمینه مدیریت بحران و

پدافند غیرعامل.

۴. ایجاد دستورالعمل‌های جامع برای بسته‌بندی، انتقال و حفاظت از آثار در شرایط بحرانی.

۵. توسعه هماهنگی با ارگان‌های امنیتی و امدادی برای واکنش سریع در مواقع اضطراری.

● نتیجه‌گیری:

حفاظت از ابنیه و آثار موزه‌ای در شرایط بحران، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، مدیریت هوشمند و اجرای استانداردهای علمی است. اقدامات انجام‌شده در موزه زمان و گروه موزه‌های دفاینه نشان داد که با آماده‌سازی تجهیزات، تشکیل تیم‌های تخصصی و رعایت اولویت‌بندی، می‌توان از تخریب یا آسیب دیدن آثار ارزشمند جلوگیری کرد. تجربه این اقدامات می‌تواند به عنوان الگویی برای سایر موزه‌ها و مراکز فرهنگی در مواجهه با بحران‌های مشابه مورد استفاده قرار گیرد.

جمع‌بندی نهایی:

این پژوهش نشان داد که ترکیب مدیریت بحران، پدافند غیرعامل، حفاظت فیزیکی و آموزش کارکنان، کلید موفقیت در حفاظت از میراث فرهنگی است. با استفاده از برنامه‌ریزی دقیق، اولویت‌بندی آثار و هماهنگی تیمی، موزه‌ها قادر خواهند بود حتی در شرایط جنگ و بحران، آثار خود را با حداقل آسیب حفظ کنند.



ظرفیت مؤسسه فرهنگی موزه‌های
بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی
برای میزبانی کمیته ملی



بومی سازی سپرآبی در ایران

چکیده:

حفاظت از میراث فرهنگی ایران در برابر بحران‌هایی چون جنگ، بلایای طبیعی و دیگر حوادث، امری حیاتی است. با وجود تنوع و ارزش بالای آثار تاریخی، فقدان سازوکار ملی هماهنگ، کشور را در معرض خطر قرار می‌دهد. در سطح بین‌المللی، کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه و پروتکل ۱۹۹۹ چارچوب حقوقی حفاظت از اموال فرهنگی را مشخص کرده و سپرآبی (Blue Shield International) به عنوان بازوی مشورتی یونسکو، هماهنگی حفاظت از میراث فرهنگی در بحران‌ها را برعهده دارد.

این مقاله به ارائه چارچوب بومی برای تأسیس کمیته ملی سپرآبی در ایران می‌پردازد و ظرفیت مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد مستضعفان را به عنوان یک نهاد غیر دولتی در ایفای نقش راهبردی بررسی می‌کند. بررسی تجارب کشورهای آلمان، لبنان، آمریکا و هلند نشان می‌دهد موفقیت کمیته‌های ملی وابسته به همکاری میان‌بخشی، آموزش و ظرفیت‌سازی، و استفاده از پایگاه داده حفاظتی است. در ایران نیز از سال ۱۳۹۷ نشست‌ها و اقداماتی برای تشکیل کمیته ملی سپرآبی صورت گرفته، اما به دلایل حقوقی و نهادی به سرانجام نرسیده است. چارچوب پیشنهادی ایران شامل کمیته مرکزی، شبکه استانی، پایگاه داده ملی، برنامه‌های آموزشی و تأمین منابع پایدار است و نقش مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد مستضعفان در مدیریت شاخه ملی برجسته شده است.

واژگان کلیدی: سپرآبی، حفاظت از میراث فرهنگی، بومی سازی نهادهای بین‌المللی، مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد مستضعفان، همکاری میان‌بخشی، آمادگی و مدیریت بحران



مقدمه

میراث فرهنگی هر جامعه‌ای علاوه بر اینکه یادگاری ست از گذشته، بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت ملی و سرمایه اجتماعی آن جامعه نیز به‌شمار می‌آید. ایران با پیشینه‌ای چند هزار ساله و تنوعی کم‌نظیر از آثار تاریخی، باستانی و میراث ناملموس، از جمله کشورهایی است که حفاظت از میراث فرهنگی برایش اهمیتی بنیادین دارد. با این حال، بحران‌هایی چون وقوع جنگ‌ها، بلایای طبیعی،

تغییرات اقلیمی و حتی غارت و قاچاق آثار تاریخی، همواره تهدیدی جدی برای پایداری این میراث بوده است (Toman, ۱۹۹۶; O'Keefe, ۲۰۰۶). در سطح جهانی، در پی تجربه‌های تلخ جنگ‌های سده بیستم، کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه برای حمایت از اموال فرهنگی در هنگام مخاصمات مسلحانه تصویب شد. یکی از نتایج مهم این کنوانسیون، ایجاد نهادی به نام سپرآبی (Blue Shield) بود که از سوی سازمان‌های بین‌المللی مرتبط با میراث فرهنگی، از جمله ایکوموس (ICOMOS)، ایفلا (IFLA) و ایکا (ICA) بنیان‌گذاری شد. سپرآبی همانند نقش «صلیب سرخ» برای مراکز پزشکی و غیرنظامیان، هشدار است به طرف‌های درگیر برای عدم آسیب‌رسانی به اماکن و آثار تاریخی-فرهنگی (Stone, ۲۰۱۳). نماد هویتی و قانونی این نهاد که برای نشانه‌گذاری اموال فرهنگی حساس، بناها، موزه‌ها و آرشيوها به هنگام درگیری‌ها و بحران‌ها مورد

استفاده قرار می‌گیرد، یک مربع آبی رنگ است که روی آن یک مثلث آبی تیره قرار دارد و در مجموع شکل کلی یک سپر را تداعی می‌کند. رنگ آبی نماد حفاظت، امنیت و اعتبار بین‌المللی است. مثلث آبی نمایانگر ثبات، حفاظت و پایداری میراث فرهنگی محسوب می‌شود و مربع پیرامون مثلث بیانگر چارچوب قانونی و بین‌المللی است که میراث فرهنگی را تحت حفاظت خود قرار می‌دهد. استفاده از این لوگو تنها تحت مجوز کمیته‌های ملی در سپر آبی و مطابق با کنوانسیون‌های بین‌المللی مجاز است.

یونسکو از سپر آبی به منزله شریک کلیدی خود در زمینه حمایت از میراث در شرایط جنگی و بحران یاد می‌کند و کشورها را به تشکیل کمیته‌های ملی سپر آبی برای هماهنگی داخلی فرا می‌خواند (O'Keefe, ۲۰۰۶; Toman, ۱۹۹۶). تجربه‌های کشورهای مختلف نشان داده است که راه‌اندازی این کمیته‌ها می‌تواند نقش مهمی در مستندسازی، آموزش، همکاری میان‌نهادی و واکنش سریع برای حفاظت از میراث فرهنگی ایفا کند (Stone, ۲۰۱۳).

در ایران، علی‌رغم وجود ظرفیت‌های گسترده در حوزه حفاظت از میراث فرهنگی و تلاش‌هایی که برای تشکیل کمیته ملی سپر آبی صورت گرفته است، هنوز سازوکار رسمی و

نهادینه‌شده‌ای در قالب سپر آبی وجود ندارد. در این میان، مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد مستضعفان به‌عنوان یک نهاد غیر دولتی با شخصیت حقوقی مستقل از وزارت میراث فرهنگی و تجربه اجرایی در حوزه موزه‌ها، ظرفیت مناسبی برای میزبانی و مدیریت شاخه ملی سپر آبی در ایران دارد. بومی‌سازی این نهاد و تأسیس کمیته ملی سپر آبی می‌تواند گامی راهبردی در جهت هم‌افزایی میان دستگاه‌های مسئول، ارتقای آمادگی ملی، و همگرایی با شبکه جهانی حفاظت از میراث باشد.

بنیان حقوقی و سازمانی

سپر آبی

مفهوم حفاظت از میراث فرهنگی در شرایط جنگ و بحران به‌طور رسمی با تصویب کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه برای حمایت از اموال فرهنگی در هنگام مخاصمات مسلحانه مطرح شد. این کنوانسیون که نخستین معاهده بین‌المللی با تمرکز ویژه بر میراث فرهنگی در زمان جنگ به‌شمار می‌رود، کشورها را ملزم به شناسایی، علامت‌گذاری و حفاظت از اموال فرهنگی در برابر خسارات ناشی از درگیری‌های نظامی می‌سازد (MacLeod, ۲۰۰۸). در این معاهده، نماد «سپر آبی» به‌عنوان نشانه‌ای بین‌المللی برای معرفی و حفاظت از اماکن، اشیاء و نهادهای فرهنگی معرفی شد؛ مشابه نقشی که صلیب سرخ برای حمایت از غیرنظامیان و مراکز درمانی دارد (MacLeod, ۲۰۰۸). در دهه‌های بعد، به‌ویژه با

تصویب پروتکل دوم کنوانسیون لاهه در سال ۱۹۹۹، سازوکارهای اجرایی و ضمانت‌های حقوقی بیشتری برای حفاظت از میراث فرهنگی تدوین شد. این پروتکل کشورها را موظف به ایجاد برنامه‌های ملی حفاظت، آموزش نیروهای نظامی، و تشکیل نهادهای هماهنگ‌کننده کرد (MacLeod, ۲۰۰۸).

در همین راستا، در سال ۱۹۹۶ با حمایت سازمان‌های بین‌المللی مهم در حوزه میراث فرهنگی همچون شورای بین‌المللی موزه‌ها (ICOM)، شورای بین‌المللی بناها و محوطه‌ها (ICOMOS)، فدراسیون بین‌المللی انجمن‌ها و مؤسسات کتابداری (IFLA) و شورای بین‌المللی بایگانی‌ها (ICA)، نهاد بین‌المللی غیردولتی سپر آبی (Blue Shield International) پایه‌گذاری شد که استقلال خود را از دولت‌ها حفظ می‌نماید (Toman, ۱۹۹۶; O'Keefe, ۲۰۰۶). این سازمان به‌عنوان بازوی مشورتی یونسکو در حوزه میراث فرهنگی در شرایط بحران فعالیت می‌کند و مأموریت آن، هماهنگی میان دولت‌ها، نیروهای نظامی، سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای علمی برای پیشگیری، واکنش و بازسازی در هنگام آسیب‌های احتمالی است (Stig Sørensen & Vejby-Rose, ۲۰۱۹).

امروزه بسیاری از کشورها، کمیته‌های ملی سپر آبی را تأسیس کرده‌اند تا در سطح داخلی، وظایف مرتبط با شناسایی اموال فرهنگی، آموزش تخصصی، تدوین برنامه‌های اضطراری و تعامل با نهادهای



یونسکو از سپر آبی به منزله شریک کلیدی خود در زمینه حمایت از میراث در شرایط جنگی و بحران یاد می کند

کمیته آمریکایی سپر آبی بیشتر بر همکاری دانشگاه‌ها، موزه‌ها و کتابخانه‌ها با نهادهای نظامی متمرکز است. این کمیته با ارتش ایالات متحده همکاری کرده تا لیست‌هایی از اماکن و اشیاء فرهنگی تهیه شود که در عملیات نظامی باید محافظت شوند. این تجربه نشان می‌دهد که ایجاد پایگاه داده ملی و ارتباط مستقیم با نیروهای نظامی یکی از راهبردهای کلیدی در موفقیت سپر آبی است (Stone, ۲۰۱۹).

(د) هلند

هلند در چارچوب همکاری میان دولت، دانشگاه‌ها و نهادهای مردم‌نهاد، تمرکز خود را بر آموزش

یک چارچوب حقوقی قوی تأکید دارد (UNESCO, ۲۰۰۹).

(ب) لبنان

لبنان به دلیل تجربه جنگ‌های داخلی و تهدیدهای مستمر علیه میراث فرهنگی، یکی از نمونه‌های بارز همکاری میان یونسکو و سپر آبی در سطح ملی است. در سال ۲۰۲۱ با حمایت یونسکو، کمیته ملی سپر آبی لبنان تأسیس شد که مأموریت آن شامل مستندسازی اماکن تاریخی، همکاری با نیروهای حافظ صلح، و آموزش جوامع محلی در خصوص حفاظت از میراث است. این تجربه اهمیت پشتیبانی بین‌المللی و آموزش جامعه مدنی محلی برای مشارکت بیشتر را نشان می‌دهد (UNESCO, ۲۰۲۱).

(ج) ایالات متحده آمریکا (US Committee of the Blue Shield)

بین‌المللی را برعهده گیرند. این کمیته‌ها در عین وابستگی به شبکه جهانی سپر آبی، با توجه به شرایط بومی هر کشور فعالیت می‌کنند و به همین دلیل «بومی‌سازی» این نهاد در ایران اهمیت ویژه‌ای دارد (Sørensen & Vejby-Rose, ۲۰۱۹).

تجارب بین‌المللی و الگوهای موفق:

نهاد سپر آبی به عنوان شبکه‌ای بین‌المللی، تاکنون در بسیاری از کشورها، کمیته‌های ملی یا محلی تأسیس کرده است. این کمیته‌ها بسته به شرایط تاریخی، جغرافیایی و سیاسی هر کشور، مدل‌های متفاوتی برای حفاظت از میراث فرهنگی در بحران‌ها ارائه داده‌اند. بررسی این تجارب می‌تواند راهنمای ارزشمندی برای بومی‌سازی سپر آبی در ایران باشد.

(الف) آلمان

(Blue Shield Deutschland)

آلمان یکی از فعال‌ترین کشورها در زمینه اجرای اصول کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه و پروتکل‌های آن است. کمیته ملی سپر آبی آلمان با همکاری نزدیک وزارت فرهنگ و نهادهای دانشگاهی، اقدام به شناسایی و فهرست‌برداری از اموال فرهنگی حساس، آموزش نیروهای نظامی در زمینه قوانین بین‌المللی میراث فرهنگی و همکاری با سازمان‌های امدادی در بحران‌ها کرده است. الگوی سپر آبی آلمان بر هماهنگی و همکاری میان نهادهای نظامی و مدنی در

تخصصی و ظرفیت‌سازی علمی گذاشته است. کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی برای نیروهای امدادی، نظامی و مدیران میراث فرهنگی برگزار می‌شود تا در هنگام بحران‌ها توان واکنش سریع و هماهنگ داشته باشند (ICOMOS Netherlands, ۲۰۱۸).
تجميع تجارب فوق نشان می‌دهند که موفقیت سپرآبی در هر کشور به ترکیب سه عنصر اصلی بستگی دارد: ۱. همکاری نهادی بین دولت،

ملی سپرآبی در ایران تأکید کردند (وبگاه شماره ۱).

در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۸ اولین نشست تخصصی کمیته ملی سپرآبی ایران به‌طور رسمی در سالن خلیج فارس مجموعه سعدآباد تشکیل شد. در این جلسه معاون میراث فرهنگی کشور، رئیس پلیس بین‌الملل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، رئیس کمیته بین‌المللی سپرآبی، سفیر اتریش در ایران، دبیر و مجری آیین‌نامه حفاظت

از میراث فرهنگی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، مرکز آرشیو و انتشارات مرکز اسناد ریاست جمهوری، مرکز اسناد و آرشیو وزارت امور خارجه و مدیران عالی‌رتبه و کارشناسان خبره سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری از دفتر بین‌الملل، پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار، اداره کل موزه‌ها، معاونت سرمایه‌گذاری، دفتر حقوقی، یگان حفاظت، نماینده انجمن‌های مردمی در این حوزه و حضور داشتند و سخنرانان بیشتر بر جایگاه تاریخی ایران، تنوع آثار ملموس و غیرملموس، سابقه خلیج فارس و لزوم صیانت تاریخ و فرهنگ آن، بیان اهداف، عملکرد و برنامه‌های کمیته سپرآبی برای حفظ آثار ملموس و غیرملموس کشورها، پیش، حین و بعد از وقوع بحران‌ها، درگیری‌های مسلحانه و بلایای طبیعی پرداختند و با بیان پیشنهاد موفق ایران در این زمینه، نقطه نظرات خود را ابراز نمودند (وبگاه شماره ۲). در این نشست تفاهم‌نامه‌ای نیز امضا شده است که سازمان میراث فرهنگی متعهد گردیده این کمیته را با مشارکت نهادهای ذیربط داخلی و هماهنگی نهادهای بین‌المللی تشکیل دهد (وبگاه شماره ۳).

در هشتاد و یکمین نشست از سلسله نشست‌های «دوشنبه‌های ایکوم ایران»، ابعاد حقوقی و عملی حفاظت از میراث فرهنگی در شرایط جنگ و درگیری مسلحانه بررسی شد و عدم فعالیت همه‌جانبه کمیته ملی سپرآبی و متوقف شدن برخی مراحل حقوقی و اجرایی آن مورد اشاره قرار گرفت. موانع حقوقی ساختار



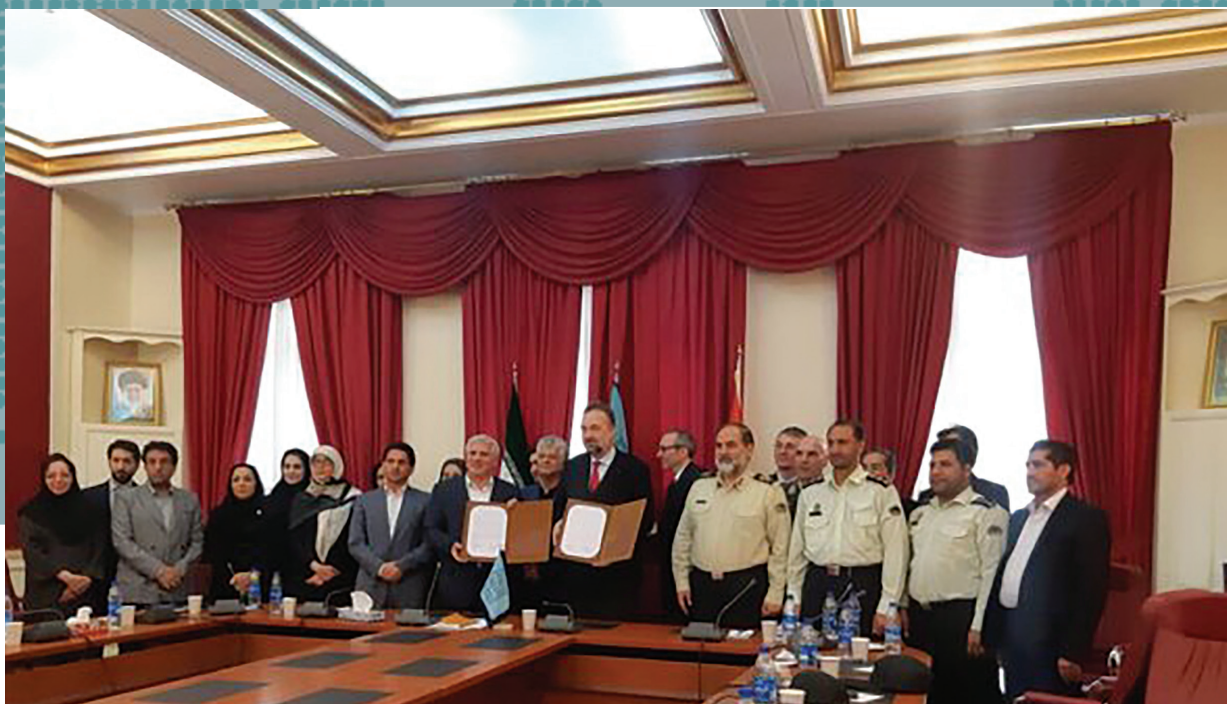
دستی و گردشگری، مدیرکل موزه‌ها و اموال منقول فرهنگی تاریخی، مدیرموزه ملی ایران، دبیرکل کمیته ملی سپرآبی اتریش و نماینده عالی انجمن کمیته‌های ملی سپرآبی، سفیر اتریش در ایران، رئیس ایکوم ایران، مدیرکل حفظ و احیای بناهای تاریخی سازمان میراث فرهنگی، رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و جمعی از مسئولان، کارشناسان و علاقه‌مندان برگزار شد و همگان بر تشکیل کمیته

نهادهای نظامی و جامعه مدنی ۲. آموزش و ظرفیت‌سازی مستمر ۳. ایجاد سازوکارهای ملی متناسب با شرایط بومی.

پیشینه و زمینه‌های بومی سازی

سپرآبی در ایران:

در سال ۱۳۹۷ نشست تحت عنوان «گام‌های نخست تشکیل کمیته ملی سپرآبی» درموزه ملی ایران با حضور معاون سازمان میراث فرهنگی، صنایع



در هشاد و یکمین نشست از سلسله نشست‌های «دوشنبه‌های ایکوم ایران»، ابعاد حقوقی و عملی حفاظت از میراث فرهنگی در شرایط جنگ و درگیری مسلحانه بررسی شد

دولتی میراث فرهنگی ایران که ممکن است در تناقض با الزامات و ساختار کمیته بین‌المللی سپر آبی باشد، از موضوعات مورد بحث در این نشست بود (وبگاه شماره ۴). در سال ۱۴۰۴ نشست ایکوم درباره حمایت از اموال فرهنگی تاریخی در زمان درگیری مسلحانه در چارچوب اسناد حقوقی بین‌المللی در سالن اجتماعات ایکوم برگزار شد و با توجه به عقیم ماندن تلاش‌های پیشین برای تشکیل کمیته ملی سپر آبی پیشنهادهایی مطرح شد که وزارت میراث فرهنگی باید مکاتبات و اقدامات قبلی مربوط به تشکیل این

کمیته را پیگیری کند (وبگاه شماره ۵).

چارچوب پیشنهادی برای بومی سازی سپر آبی در ایران:

الف) اصول راهنما:

۱. تبعیت از کنوانسیون لاهه ۱۹۵۴ و پروتکل ۱۹۹۹،
۲. همکاری میان دولت، نیروهای نظامی، جامعه مدنی و دانشگاه‌ها.
۳. استفاده صحیح از نشان سپر آبی طبق ضوابط بین‌المللی.

ب) ساختار سازمانی پیشنهادی:

۱. کمیته ملی سپر آبی با دبیرخانه مرکزی در موسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی.
۲. حضور نمایندگان مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، وزارت

دفاع/نیروهای مسلح، وزارت امور خارجه، وزارت میراث فرهنگی، مدیریت بحران، دانشگاه‌ها، موزه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد.

۳. شبکه استانی برای اجرای مأموریت‌ها در سطح محلی.

ج) وظایف کلیدی کمیته

۱. فهرست برداری و ایجاد پایگاه داده ملی از اموال فرهنگی حساس.
۲. آموزش و تمرین مشترک برای نیروهای فرهنگی، امدادی و نظامی.
۳. برنامه‌های اضطراری و بسته‌های حفاظتی برای موزه‌ها و مخازن.
۴. هماهنگی بین‌المللی با Blue Shield International و یونسکو.

د) گام‌های اجرایی

۱. تشکیل کارگروه ملی و ارسال

پرونده تأسیس به Blue Shield International.

۲. تدوین آیین‌نامه ملی و تعیین ضوابط استفاده از نشان سپرآبی.

۳. اجرای پروژه‌های پایلوت در چند استان پرخطر یا دارای تراکم منابع میراثی.

۴. گسترش تدریجی شبکه استانی و جذب پشتیبانی مالی داخلی و بین‌المللی.

ه) شاخص‌های موفقیت

۱. تصویب آیین‌نامه ملی و ثبت رسمی کمیته.

۲. تکمیل پایگاه داده اموال حساس در سال نخست.

۳. برگزاری تمرین‌های مشترک ملی-استانی.

۴. برقراری همکاری رسمی با Blue Shield International.

شاخص‌های موفقیت و چالش‌ها:

دو موضوع شاخص‌های موفقیت و چالش‌ها مکمل یکدیگر هستند. شاخص‌ها مسیر پیشرفت را روشن می‌کنند و چالش‌ها موانع واقعی را که باید در سیاست‌گذاری مورد نظر قرار گیرد، نشان می‌دهند. برای سنجش میزان موفقیت کمیته ملی سپر آبی در ایران می‌توان از شاخص‌های زیر استفاده کرد:

۱. نهادینه‌سازی حقوقی:

تصویب آیین‌نامه یا مصوبه ملی برای رسمیت بخشیدن به کمیته.

۲. پایگاه داده ملی:

تکمیل فهرست آثار و اماکن حساس فرهنگی در سال نخست فعالیت.

۳. تمرین و آموزش:

برگزاری حداقل دو مانور مشترک ملی و استانی با مشارکت نهادهای نظامی، امدادی، مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد مستضعفان و وزارت میراث فرهنگی.

۴. بسته‌های حفاظتی:

تجهیز دست‌کم ۱۰ موزه و مخزن استانی به بسته‌های اضطراری حفاظت.

۵. همکاری بین‌المللی:

ثبت رسمی کمیته ایران در شبکه جهانی Blue Shield و دریافت پشتیبانی فنی و آموزشی از یونسکو

۶. ظرفیت‌های ملی، بین‌المللی و تخصصی:

عضویت مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد مستضعفان در ایکوم ایران و تجربه گسترده آن در توسعه موزه‌ها و موزه‌داری، زمینه پذیرش این نهاد را برای میزبانی کمیته ملی سپر آبی از سوی مجامع بین‌المللی فراهم می‌سازد.

از سوی دیگر فرایند بومی‌سازی سپر آبی در ایران ممکن است با چالش‌ها و موانع احتمالی زیرروبه‌رو باشد:

۱. محدودیت‌های مالی و تجهیزاتی:

کمبود بودجه و امکانات لازم برای حفاظت اضطراری میراث.

۲. نهادینه‌نشدن همکاری میان‌بخشی:

احتمال تداخل وظایف یا نبود هماهنگی بین سازمان‌های مسئول.

۳. ضعف آگاهی عمومی و تخصصی:

آشنایی محدود مدیران محلی و نیروهای امدادی با ارزش و حساسیت میراث فرهنگی.

۴. ملاحظات امنیتی و حقوقی:

نگرانی از انتشار اطلاعات مکان آثار حساس که می‌تواند خطر قاچاق، غارت یا آسیب را افزایش دهد.

۵. پیچیدگی‌های حقوقی

استفاده از نشان سپر آبی:

نیازمند به آموزش دقیق و هماهنگی حقوقی برای تضمین حسن بهره‌برداری.

۶. چالش‌های احتمالی در پذیرش مؤسسه فرهنگی

موزه‌های بنیاد برای میزبانی کمیته ملی سپر آبی:

با وجود ظرفیت‌های قابل توجه مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد در حوزه موزه‌داری و عضویت در نهادهایی همچون ایکوم ایران، ممکن است برخی ملاحظات سیاسی، پیش‌داوری‌های نهادی و برداشت‌های جانبدارانه در مسیر پذیرش آن به عنوان میزبان کمیته ملی سپر آبی چالش ایجاد نماید.

توصیه‌های سیاستی برای

بومی‌سازی سپر آبی در ایران:

رویکردهای علمی و کاربردی یا یک مسیر راهبردی، عملیاتی و پایدار برای بومی‌سازی سپر آبی در ایران را می‌توان به شرح زیر مطرح نمود:

۱. تدوین چارچوب قانونی و آیین‌نامه ملی

۲. تصویب قانونی یا آیین‌نامه رسمی برای رسمیت بخشیدن به کمیته ملی سپر آبی.

۳. تعریف دقیق وظایف، اختیارات و ارتباطات میان بخشی با وزارت میراث فرهنگی، نیروهای مسلح، مدیریت بحران و سازمان‌های مردم‌نهاد.
۴. ایجاد کمیته ملی و شبکه استانی
۵. تشکیل کمیته مرکزی با دبیرخانه اجرایی و کمیته‌های تخصصی (فنی، آموزشی، هماهنگی نظامی-مدنی).
۶. راه‌اندازی شبکه استانی برای واکنش سریع و مدیریت محلی بحران‌ها.
۷. تقویت همکاری بین‌المللی
۸. ثبت رسمی کمیته ملی ایران در Blue Shield International.
۹. بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی و برنامه‌های آموزش و مشاوره یونسکو و دیگر کمیته‌های ملی.
۱۰. فراهم کردن ظرفیت‌های آموزشی و پژوهشی.
۱۱. طراحی و اجرای دوره‌های آموزش تخصصی برای کارکنان ذیربط، نیروهای امدادی و نظامی.
۱۲. ایجاد رشته‌ها یا کارگاه‌های دانشگاهی برای تربیت متخصصان حفاظت میراث در شرایط بحران.
۱۳. راه‌اندازی پایگاه داده و برنامه‌های حفاظتی
۱۴. فهرست‌برداری ملی از اماکن و آثار حساس و تعریف و تشریح سطوح حفاظتی.
۱۵. تجهیز موزه‌ها، مخازن و مراکز فرهنگی به بسته‌های اضطراری حفاظتی.
۱۶. تدوین رویکرد مالی و منابع پایدار

۱۷. تأمین بودجه دولتی برای راه‌اندازی کمیته و پروژه‌های پایلوت.
۱۸. جذب کمک‌های بین‌المللی، همکاری با بخش خصوصی و خیران فرهنگی.
۱۹. توسعه فرهنگ حفاظتی و آگاهی عمومی
۲۰. اطلاع‌رسانی درباره اهمیت حفاظت از میراث فرهنگی و نقش سپرآبی.
۲۱. تشویق مشارکت جامعه مدنی در برنامه‌های حفاظت و آمادگی اضطراری.
۲۲. پایش و ارزیابی مستمر
۲۳. تعریف شاخص‌های عملکرد کلیدی (KPI) و گزارش‌دهی سالانه.
۲۴. بازنگری و بهبود مستمر سیاست‌ها و رویه‌ها بر اساس تجربیات ملی و بین‌المللی.

نتیجه‌گیری:

حفاظت از میراث فرهنگی ایران در شرایط بحران، چه ناشی از جنگ، بلایای طبیعی یا دیگر حوادث غیرمترقبه، نیازمند ایجاد سازوکارهای ملی هماهنگ و منطبق با استانداردهای بین‌المللی است. تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد که سپر آبی (Blue Shield) می‌تواند به عنوان ابزار راهبردی برای ارتقای آمادگی، هماهنگی میان بخشی و واکنش سریع در حفاظت از آثار فرهنگی عمل کند.

ایران راه‌اندازی کمیته ملی سپر آبی را شروع کرده است، اما هنوز فعالیت کامل و دائمی آن محقق نشده است، یا دست کم شواهد روشنی از اجرای

کامل آن در تمام استان‌ها و نهادها در دست نیست. بومی‌سازی سپر آبی در ایران، با تأسیس کمیته ملی و شبکه استانی، نه تنها امکان هماهنگی میان وزارت میراث فرهنگی، نیروهای مسلح، مدیریت بحران و جامعه مدنی را فراهم می‌کند، بلکه زمینه آموزش تخصصی، ایجاد پایگاه داده حفاظتی و تعامل با شبکه جهانی Blue Shield را نیز فراهم می‌آورد. تدوین چارچوب قانونی، برنامه‌های آموزشی و ظرفیت‌سازی ملی، همراه با تأمین منابع مالی و فنی، می‌تواند به موفقیت پایدار این نهاد کمک کند.

چالش‌هایی مانند محدودیت منابع، ضعف آگاهی عمومی، پیش‌داوری‌ها و ملاحظات سیاسی، و پیچیدگی‌های حقوقی و امنیت اطلاعات، نباید مانع حرکت به سمت بومی‌سازی شود؛ بلکه با طراحی دقیق شاخص‌های عملکرد، اجرای پروژه‌های پایلوت و ارزیابی مستمر، می‌توان آن‌ها را مدیریت کرد.

در مجموع، بومی‌سازی سپر آبی فرصتی استراتژیک برای ایران فراهم می‌آورد تا میراث فرهنگی خود را در برابر بحران‌ها محافظت کرده، همگام با استانداردهای بین‌المللی عمل کند و نقش خود را در شبکه جهانی حفاظت از میراث فرهنگی تقویت نماید. این مسیر نه تنها ضرورت ملی، بلکه تعهدی اخلاقی و بین‌المللی است که می‌تواند به ارتقای جایگاه ایران در حفاظت از میراث فرهنگی منجر شود. با توجه به اینکه سپر آبی یک نهاد غیردولتی است و همواره تلاش می‌کند ضمن تعامل با نهادهای



vention for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict and Its Protocols. Aldershot: Dartmouth Publishing.

UNESCO. (2009). Cultural Property in War: Improvement in Protection: Commentary on the 1999 Second Protocol to the Hague Convention of 1954 for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict. Paris: UNESCO.

UNESCO. (2021). UNESCO supports cultural heritage protection in Lebanon: New equipment and digital tools. Retrieved from <https://www.unesco.org/en/articles/unesco-supports-cultural-heritage-protection-lebanon-new-equipment-and-digital-tools>

Protection of Cultural Property: Handbook of International Law. Cambridge: Cambridge University Press.

Stig Sørensen, M. L., & Vejby-Rose, D. (2019). War and cultural heritage: Place biographies. Cambridge University Press

Stone, P. G. (2013). Cultural property protection: The mandate of Blue Shield. International Journal of Cultural Property, 20(1), 1–23.

Stone, P. G. (2019). Cultural Property Protection and the Blue Shield. In Heritage under Siege (pp. 45–60). Leiden: Brill.

Toman, J. (1996). The Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict: Commentary on the Con-

دولتی و بین‌المللی، استقلال خود را نیز از ارگان‌های دولتی حفظ نماید، استفاده از ظرفیت مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد مستضعفان به‌عنوان یک نهاد غیردولتی با سابقه فعالیت در حوزه موزه‌داری و میراث‌فرهنگی می‌تواند گزینه مناسب برای میزبانی و مدیریت کمیته ملی سپرآبی در ایران باشد.

منابع و مأخذ:

ICOMOS Netherlands. (2018). Protecting Cultural Heritage in Armed Conflict: The Role of National Committees. Amsterdam: ICOMOS Netherlands.

MacLeod, C. (2008). Safeguarding cultural property and the 1954 Hague Convention. Cambridge University Press.

O’Keefe, P. J. (2006). The

